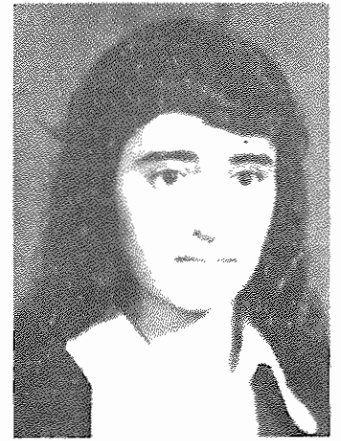


# اخبار



دوره دوم - سال پنجم ★ ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ قیمت: ۰۰ ریال شماره ۱۰

نمونه درخشانی از رزمندگی زن کمونیست



رفیقای نسریین بقائنی

## اعتصاب ۲۷۰۰۰ کارگر زوب آهن

در صفحه ۱۳

## رژیم ولایت فقیه در کردستان چه می خواهد؟

اهمیت اساسی دارد. زیرا صرف نظر از اهمیت جنبه های مختلف جنبش خلق کرد برای طبقه کارگر، در چهل سال گذشته، کردستان همسره یکی از مناطق نفوذ جنبش چپ ایران بوده است. از اینرو کمونیستها باید مسائلی را که در ماه های اخیر برای جنبش خلق کرد مطرح شده، با بیشترین جدیت ممکن بررسی و دنبال کنند.

بقیه در صفحه ۳

در ایران امروز، کردستان بیش از هر چیز یعنی پایدارترین مقاومت توده ای سازمان یافته و مسلحانه در برابر رژیم خونریز ولایت فقیه. بنابراین هیچ نیروی انقلابی و پیشرو نمیتواند به فراز و فرودهای بیکار آزادی در کردستان کم توجه بماند. و برای کمونیستها، سرنوشت این بیکار

## خبر اعدام گروهی دیگر از رفقاییمان

بر اساس اطلاعات دریافت شده رژیم تبهکار جمهوری اسلامی در ادامه جنایت های ننگین خود تعداد دیگری از رفقای ارورزنده مان را پس از شکنجه های صودنی به جوخه های اعدام سپرده است. رفقا غلامحسین ابراهیم زاده، عبداللہ افسری، بیوک سعیدی و مقصود فتحی پس از تحمل شکنجه های طولانی به شهادت رسیدند. رفقا غلامحسین ابراهیم زاده و عبداللہ افسری دو چهره سرشناس ویر سابقه جنبش انقلابی میهنمان میباشند. آنها از جمله

بقیه در صفحه ۳۲

## درباره درگیری در کردستان

بقیه در صفحه ۲۲

## ورزشگاهها میدان رزم توده ها

در ماه های اخیر، شورهای بزرگی در برخی از شهرها به ویژه تهران علیه رژیم فقا به وقوع پیوست. این شورها عمدتاً در میادین ورزشی و در پوشش مسابقات فوتبال انجام یافته است. وقوع چنین تنشهایی بیانگر اوجگیری نارضاییتی توده ها و گسترش مقاومت آنان در مقابل فقا است. رویدادهای اخیر که بطور فشرده، پشت سر هم و به یک شکل صورت گرفته، امری

بقیه در صفحه ۵

**هوا پیماری بائی و دم خروس جمهوری اسلامی**

در صفحه ۳۰

در افشای حزب منشویکی 'کمونیست' کومهله در صفحه ۹

## آگاهی سوسیالیستی و سازمانهای توده ای کارگران

در صفحه ۱۰

نقدی بر رینش آنارشیستی "حزب کمونیست" کومهله در صفحه ۷ (قسمت سوم)

آفریقای جنوبی در بستر آتشفشان در صفحه ۱۲

پیروزی اعتصاب کارگران "پارس متال" کارگران افزایش تولید را نمیپذیرند اعتصاب سه ساعت در کارخانه گونی بافی اعتصاب در کارخانه اکریل تاب مسارزه دهقانان برای زمین نیروگاه حرارتی اصفهان

## اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

# رفیق نسرین بقائی

## نمونه درخشانی از رزمندگی زن کمونیست

رفیق نسرین بقایی در سال ۱۳۳۲ در تبریز در یک خانواده متوسط بدنی آمد. دوران کودکی و تحصیلات دوره ابتدائی و متوسطه را در همین شهر و در میان مردم نجیب و سرسخت آن که خاطره قهرمانیهای ستارخان و باقرخان را همچنان در سینه های خود فادارانه حفظ کرده اند بسر آورد. پدر وی در سالهای نهضت ملی کردن نفت در کرمان فعالیت سیاسی داشت و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بعنوان یک تبعیدی سیاسی به تبریز تبعید شده بود. از اینرو نسرین از همان بدو کودکی در محیطی که با رسیاسی و مبارزاتی داشت پرورش یافت. نسرین در سال ۱۳۵۶ به تهران آمد و در دانشگاه پلی تکنیک تحصیلات دانشگاهی خود را آغاز کرد. اما این دوره مصادف با آغاز اوجگیری دوران انقلابی گسترده و پیرامون آن بود که همچنان تاکنون چهارستون جامعه ما را به لرزه در آورده است و نسرین که زمینه های سیاسی و مبارزاتی را از گذشته با خود همراه داشت پر شور و قوی دل به صحنه مبارزه انقلابی گام نهاد. وی در صفا اول دانشجویان انقلابی در جنبش نیرومندی دانشجویی که دانشگاه راه سنگر رزمنده انقلاب تبدیل کرده بود شرکت فعال داشت. پس از انقلاب بهمن نسرین مدتی کوتاه در میان دانشجویان هوادار سازمان پیگمار فعالیت نمود و آنگاه با اعلام موجودیت "راه کارگر" در سال ۵۸ به سازمان پیوست. وی بدلیل انگیزه قوی مبارزاتی و صداقت و سخت کوشی ویژه که داشت سرعت در سازمان رشد کرد و بعنوان مسئولی توانا و قابل اعتماد شناخته شد.

ساز ۳۰ خرداد ۶۰ آغاز سرکوب خشن و هار رژیم فقها خراب انقلابی و نقاط قوت برجسته نسرین در شرایط تازه با درخشش بیشتری خود را نمایان ساخت. خصوصیت دوران عقب نشینی انقلاب همواره چنین است که در آن رفیقان نیمه راه سنگرهای مبارزه را رها میکنند و سرخیز عبدهند به طره سر سرد باشند تا جنگنده راه دمکراسی و آرمان

و شعله ایم، آتش را سینه به سینه نقل خواهیم کرد تا آن زمان که قلب هر زحمتکش آرامگاه دل بی آرام ما گردد. " ما سیاریم."

نسرین که نسبت به اعضای خانواده اش عواطف سرشاری داشت و بخاطر خصلتهای برجسته اخلاقی که داشت در میان آنان از محبوبیت و اعتبار خاصی برخوردار بود، بدلیل الزامات زندگی مخفی از امکان تماس با خانواده اش محروم بود و این در شرایطی بود که دو برادر کوچکترش بدلیل فعالیت های سیاسی در زندان تبریز در اسارت جلادان خمینی بودند و مادرش تحت فشارهای عاطفی شدید قرار داشت. اما نسرین که عشق بزرگش به آرمان پرولتاریا قلب پرمهر و عطف او را تسخیر کرده بود با روحیه ای قوی از انعکاس و تظاهر فشارهای عاطفی مزبور ممانعت مینمود.

نسرین در عین حال بعنوان یک زن آگاه و مبارز نیز قابل تحسین خاص است. در انقلاب بهمن نسل تازه ای از زنان انقلابی نیز به میدان مبارزه برای دمکراسی انقلابی گام نهادند. رزمندگی این نسل از زنان بخصوص در تبریز با رژیم ددمنش فقها که بردگی زن را در سر لوحه برنامه های ارتجاعی خود قرار داده است قابل ستایش بسیار است. این زنان قهرمان هرروزه در زندانها و شکنجه گاه های رژیم فقها صحنه های یرشکوهی از مقاومت میآفرینند و تاکنون هزاران تن از آنان به خوخته های اعدام سپرده شده اند. نسرین در مبارزه بر علیه بردگی زن در جمهوری اسلامی نیز عصیانگری دلیر و تسلیم ناپذیری بود. نسرین با پرورش خود بمنزله یک گارد ارزنده سازمان کمونیستی ما عملیات کرد که زنان در عالیترین عرصه های مبارزه نیز قادرند که دوش بدوش مردان برای ساختن یک جامعه نوین شرکت فعال نمایند.

بقیه در صفحه ۲۴

طبقه کارگر، اما در عوض رفقای که صادقانه به آرمان طبقه کارگر عشق میورزند در چنین شرایطی کمربند ها را سفت تر میبندند. پیولاد اراده را آبدیده تر میسازند. در این میان نسرین که از بین نسل جوان دوره انقلاب برخاسته بود طبعاً به این دسته اخیر تعلق داشت. او با ایمان استوارش به این دوره جدید نبردگام گذارد و با احساس مسئولیت هرگاه کاری در اثر فرار رفیقان نیمه راه بر جای ماند شانه های جوان خود را زیر سنگینی آن بار قرارداد. نسرین در این مرحله از مبارزه بصورت یک انقلابی حرفه ای که سرخستی، تحرک امنیتی و هنرمندانه با پلیس را بخوبی درم آمیخته بود خود را نشان داد.

رفیق نسرین نه تنها در رابطه با مسئولیتهای که داشت با تمام توان خویش برای برنامه ریزی و سرخشی حول هدایت سیاسی و حل مسائل امنیتی و تشکیلاتی حوزه فعالیت خود تلاش مینمود بلکه نسبت به پرورش سیاسی و اخلاقی رفقای که تحت مسئولیت وی قرار میکردند نیز مسئولانه تلاش میکرد. او در برخورد انتقادی با نقاط ضعف رفقای با صراحت کامل و در عین حال با عشق و احساس مسئولیت رفیقانسه برخورد میکرد، از اینرو رفقای پیش بدلیل صراحت توأم با رفاقتش با شور و علاقه از او میآموختند. مسئولین بکسی از کمیته های ناحیه ای تهران پیس از شنیدن خبر نهادت وی به سازمان چنین نوشت: " رفقا در نامه... اطلاع یافتیم که رفیق نسرین به شهادت رسیده است. اگر این خبر صحت دارد تا مرفیق را راسماً بنویسید. این رفیق سهم عظیمی در کنترل سازماندهی و روابط ما داشته است. رفیق نسرین عزیز! هیچوقت ترا، تلاش و کوشش ترا در راه رها نسی سرولتاریا فراموش نخواهیم کرد. تو برای همشه در قلب ما جاودانه خواهی ماند" ما عاشقان که وارث خورشید و

## رژیم ولایت فقیه در کردستان چه می‌خواهد؟

فاجعه‌بار داشته باشد.

اکنون پس از گذشت شش سال از شکل‌گیری رژیم اسلامی، دیگرایی حقیقتی است تردید ناپذیر که پذیرش هرجویی از دمکراسی عموماً و خودمختاری در کردستان خصوصاً با ما هبت‌این رژیم کاملاً ناسازگار است. رژیم ولایت فقیه بهیچوجه ظرفیت پذیرش خودمختاری کردستان را ندارد. زیرا چنین چیزی نه تنها با مطلق‌گراشی مذهبی که بنیاد وجودی رژیم فقیه‌است مبادینت دارد، بلکه بنحوی احتساب‌ناپذیر، اقتدار نیروهای پیشرو را در کردستان تثبیت میکند. ونیازی به توضیح نیست که تثبیت اقتدار نیروهای پیشرو در بخشی از کشوری با ملیت‌های مختلف و با رژیمی که حکومت نمیکند بلکه بنحوی جنگ داخلی میکند، توازن قوا را در سراسر کشور منفع این نیروها برهم میزند. بنابراین برای رژیم فقیه پذیرش خودمختاری در کردستان، در حکم خودکشی سیاسی است. تصادفی نبوده که رژیم ولایت فقیه در شش سال گذشته تحت هیچ شرایطی نسبت به جنبش خلق کرد برداری از خود نشان نداده است. ممکن است گفته شود که رژیم یک پارچه نیست و یک جناح معتدل در درون آن میتواند بنحوی با خودمختاری کردستان موافقت کند. آری رژیم فقیه در طول عمرش سه ساله خود هیچ وقت یک پارچه نبوده است، اما اولاً همیشه قدرت فائده برمدار اقتدار شخص خمینی بوده است و ثانیاً هیچ یک از جناح‌های درونی آن ظرفیت پذیرش خودمختاری کردستان را نداشته‌اند و نمیتوانند داشته باشند. زیرا هیچ یک از جناح‌های رژیم، به تصادف در درون آن جای نگرفته، از اینسرو نمیتواند "نشسته بر سر شاخ وین سرد". هیچ یک از جناح‌های درونی رژیم فقیه نمیتوانند تا آن حد به هویت خود بی‌اعتناء سمانند که یک دمکراسی مسلح وزره یوشیده را در کردستان بپذیرند. هیچ یک از جناح‌های کنونی درون رژیم، یعنی جناح‌های وفادار به اصل "ولایت فقیه" نمیتوانند بیشتر از "نیضت آزادی" مهندس بازرگان بسا

بگفته حزب دمکرات کردستان ایران، مقامات رژیم جمهوری اسلامی تاکنون چند بار با این حزب تماس‌هایی گرفته‌اند و تقاضای مذاکره و گفتگو کرده‌اند (کردستان شماره ۹۹). در گزارش دفتر سیاسی حزب دمکرات به پلنسوم کمیته مرکزی آن، مواضع و شرایط این حزب درباره مذاکره با رژیم اسلامی اعلام شده است. وهمچنین در همین ارتباط، سازمان مجاهدین خلق - اطلاعیه‌ای منتشر کرده و در انتقاد از مواضع و شرایط حزب دمکرات، موضع گرفته است (مجاهد، شماره ۲۲۷). برای داشتن ارزیابی درستی از مواضع اعلام شده، لازم است قبلاً ارزیابی روشنی از جوهر مسئله داشته باشیم. در این مورد مسئله کلیدی این است: رژیم اسلامی اکنون در کردستان در پی چیست؟ آیا جمهوری اسلامی اکنون گرایش و آمادگی تحمل خودمختاری را در کردستان دارد؟ پاسخ درست به این مسئله بدون توجه به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و بدون توجه به توازن قوای کنونی در کردستان و در سراسر ایران ممکن نیست. توجه به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی ضروری است زیرا بدون داشتن یک چهارچوب عمومی، ارزیابی مشخص از مقاطع مختلف بیکار، ناممکن و بی‌معناست. همانطور که در مورد مختلف نسبت به یک موقعیت واحد، ضرورتاً واکنش واحدی نشان نمیدهند، در رژیم با ماهیت و خصلت‌های مختلف نیز در یک موقعیت واحد (یا دقیقاً تریگونیم، دو موقعیت مشابه از لحاظ توازن قوا)، ضرورتاً واکنش مشابهی نشان نمیدهند. همچنین توجه به شرایط مشخص توازن قوای کنونی نیز ضرورت دارد زیرا با داشتن یک چهارچوب عمومی تحلیلی از ماهیت و خصلت‌های رژیم نمیتوان از تحلیل مشخص مقاطع مختلف توازن و روابط قوایی نیاز بود. همین رژیم جمهوری اسلامی در دو مقطع متفاوت در سال ۵۸ (تاستان و یابیز ۵۸) در برابر جنبش خلق کرد و دو تاکتیک کاملاً متفاوت اتخاذ کرد که بی‌توجهی به تفاوت آنها میتواند عواقب

بنی مدبریان نسبت به جنبش خلق کرد برداری از خود نشان بدهند و میدانیم که بازرگان و بنی صدر چقدر نسبت به این جنبش ناپردبارند. در شرایط ایران تنها رفسنحانی یا خامنه‌ای نیستند که ظرفیت تحمل خودمختاری کردستان را ندارند، بلکه حاج سیدجوادی هم که طرفدار همزیستی گرگ و میش در "سیت" پاریس است، نمیتواند کردستان خودمختار را تحمل کند.

اما ببینیم آیا توازن کنونی قوا میتواند گرایش به کنار آمدن با خودمختاری کردستان را به رژیم فقیه تحمیل کند؟ این حقیقتی است که وضع رژیم در شرایط کنونی شدت بحرانی است: جنگ با عراق به بن بست کشیده شده، بحران اقتصادی ایجاد فلج کننده دارد، اعتمادات کارگری گسترش می‌یابند، و حرکت‌های توده‌ای مکرراً به شورش‌های موضعی تبدیل میشوند، تضادهای درونی رژیم حنان دامنه‌های بسا کرده‌اند که از ۳۰ خرداد ۶۰ به اینسو بی‌سابقه است. اما علیرغم همه اینها، رژیم در کردستان توانسته است بخش اعظم مناطق آزاد شده را از کنترل نیروهای پیشمرگه خارج سازد و نیروهای مسلح جنبش خلق کرد را به اتخاذ "جنگ پارتیزانی تمام عیار" وادار کند. علاوه بر سایر مناطقی ایران نیز رژیم با جنبش توده‌های سازمان یافته‌ای روبرو نیست، و از این نظر در مقایسه با دوره پیش از ۳۰ خرداد ۶۰، در وضع بهتری قرار دارد. بنابراین دلبلی ندارد که به کنار آمدن با خودمختاری در کردستان بگراید. در شرایط کنونی که ناراضی توده‌ای از رژیم فقیه در سراسر ایران بیش از هر زمان دیگر است و سازمان یافتگی جنبش توده‌ای به شدت ضعیف، هر نوع کنار آمدن با خودمختاری در کردستان، سنجش و شتابان تعادل قوا را در سراسر کشور به ضرر رژیم برهم میزند. آیا ممکن است که رژیم بقصد آزاد کردن نیروها بشود کردستان و تمرکز دادن هرحه بیشتر نیرو در جبهه‌های جنگ با عراق، موقتاً به پذیرش خودمختاری در کردستان تظاهر

دنباله از صفحه قبل

کند؟ چنین احتمالی وجود ندارد، زیرا اولاً بن بست جنگ با عراق صرفاً با تمرکز نیروی بیشتر از بین رفتنی نیست و این را سردمداران رژیم بهتراز هر کس دیگر میدانند و ثانیاً بیرون کشیدن نیروهای سرکوب رژیم از کردستان، سرعت تعادل رژیم را در سراسر کشور بیضم میزند و فقها این رانیز بهتراز هر کس دیگر میدانند.

با توجه به آنچه گفته شد در شرایط کنونی امکان ندارد پیشنهاد مذاکره از طرف رژیم بمنظور کنار آمدن (و حتی کنار آمدن موقت) با مسئله خودمختاری در کردستان باشد. در شرایط کنونی هر پیشنهاد مذاکره از طرف رژیم، حتماً مانوری است برای ایجاد آشفتگی در صفوف جنبش خلق کرد، برای پاشیدن بذر بی اعتمادی در میان توده های خلق کرد نسبت به سازمانهای سیاسی شان.

اکنون ببینیم موضع حزب دمکرات نسبت به این مسئله چیست: حزب دمکرات مشابه سازمان اصلی رهبری کنش شده جنبش خلق کرد، با زمانی که یک بیکار توده ای مسلحانه پنجساله را در برابر سرکوب رژیم ولایت فقیه رهبری کرده، طبیعی است که بهیچوجه نباید نسبت به ماهیت و نیات این رژیم توهم داشته باشد. در این باره حزب دمکرات بارها موضع خود را به صراحت اعلام کرده و اکنون نیز در گزارش دفتر سیاسی آن اعلام میشود که "...کنگره بنحرم حزب نظر داد و کنگره ششم هم تأیید کرد که در چهار چوب رژیم خمینی تا میسر خواستهای مردم کردستان امکان ندارد. بهمین جهت حزب دمکرات شعار سرنگونی رژیم خمینی را انتخاب کرد و اکنون هم بر آن تأکید میورزد". (کردستان شماره ۹۹، ص ۲۲). اما ارزیابی حزب دمکرات از شرایط کنونی توازن قوا با آنچه ما در بالا گفتیم متفاوت است. همان گزارش دفتر سیاسی به یلنوم کمیته مرکزی در این باره چنین میگوید: "بارها مستنویم که بیگویند رژیم خمینی از مطرح کردن مذاکره نیات

سوئی دارد و طبق معمول نیرنگ بیکار میبرد. لیکن در سیاست آنچه که اساسی است نسبت نیروهاست. اگر رژیم خمینی در شرایط فعلی خواستار مذاکره و گفتگو باشد، بخاطر آن نیست که ماهیت خود را عوض کرده و اصلاح شده است، بلکه بدین دلیل است که مطمئن شده است مشکل کردستان راه حل نظامی ندارد...". (همانجا، ص ۳۴-۳۳). بنظر ما اگر این حرف حزب دمکرات که رژیم خمینی "مطمئن شده است مشکل کردستان راه حل نظامی ندارد"، ارزیابی جدی این حزب از شرایط توازن قوای کنونی باشد، و اگر روی این ارزیابی عمل شود، باید در انتظار آشفتگی های زیادی در صفوف جنبش خلق کرد باشیم. حزب دمکرات اگر در این ارزیابی جدی و پیگیر باشد، قاعدتاً بظرفیت تنها جسمی رژیم در کردستان بحد کافی توجه نخواهد داشت و این مخصوصاً در شرایطی که امکان حفظ مناطق آزاد شده از بین رفته و با اعتراف خود حزب دمکرات جنگ صورت "یک جنگ یا رتیزانی تمام عیار" در آمده و بنا بر این سازماندهی مقاومت توده های هر چه گسترده تر را در برابر رژیم فقها ایجاب میکنند، میتواند عواقب ناگواری داشته باشد. تردیدی نیست که رژیم ولایت فقیه در شرایط کنونی صرفاً بمنظور ایجاد آشفتگی در صفوف جنبش خلق کرد، ایجاد شکاف در داخل خود حزب دمکرات و همچنین بمنظور جدا کردن حزب دمکرات از متحدان آنست که پیشنهاد مذاکره را طرح کرده، و این مسئله ای است که حزب دمکرات بهیچوجه نباید به آن بی توجه بماند. بهمین دلیل است که ما این مذاکرات را نادرست ارزیابی میکنیم و بنفع جنبش مقاومت خلق کرد نمیدانیم.

اما ببینیم سازمان مجاهدین خلق در این باره چه موضعی میگیرد؟ این سازمان هر نوع مذاکره (جز مذاکره برای مسأله اسراء و اجساد) با رژیم خمینی را تحت هر شرایطی و با هر نیتی نادرست میدانند: "با توجه به دربار

خونی که میان رژیم سراسرنا مشروع خمینی و تمامی مردم میهنمان منحل مردم کردستان وجود دارد، جز در مورد اموری نظیر مسأله اسراء و اجساد، هیچگاه هیچ مذاکره و گفتگوی سیاسی با این رژیم را روانداشته و با آن مخالفت ورزیده و خواهیم ورزید. رژیم ضد بشری خمینی تنها یک جاره دارد: سقوط قطعی در برابر قاطعانه ترین مقاومت های بیگیر! علیهذا ما نمیتوانیم تأیید کنیم که "مذاکره" با رژیم راه اجتناب ناپذیر حزب متحدان در کردستان باشد". (مجاهد، شماره ۲۲۷، ص ۴۴). جوهر این نظر را میتوان چنین بیان کرد که رژیم یا مشروعیت دارد یا ناآن می جنگیم، اگر با آن می جنگیم پس مذاکره بی معنی و نامشروع است و اگر مذاکره میکنیم پس جنگ بی معنی و نامشروع است. بدین است که چنین نظری را نمیتوان جدی گرفت و گرنه عواقب فاجعه باری بدنال می آورد و سعید است که سازمان مجاهدین خود همیشه با این معیار حرکت کرده باشد. مسلم است که "جنگ جیجی نیست جز ادامه سیاست از طریق دیگر، از طریق قهر"، و در میان دنیای بی متخاصم، مذاکره غالباً پایان جنگ نیست بلکه حالتی از جنگ است با استفاده از طریق دیگر، و همچنین بنظر میرسد که سازمان مجاهدین علاوه بر معیار بالا، چون رژیم را در حالت ضعف می بینند، و هر مذاکره ای را در حالت ضعف حریف بمعنای فرجه دادن به او میدانند، بنا بر این است که با مذاکره مخالف است: "...بویژه در موقعیت حقیقی رژیم خمینی، حتی جدی گرفتن این قبیل پیشنهادات در عالم تئوری و نظر نیز به سود رژیم و بزبان مقاومت است و هیچ دستاورد جدی در رابطه با خواستهای عادلانه مردم کردستان منجر نخواهد شد و ضمناً قبل از هر چیز، جدا کردن حزب دمکرات از مجاهدین و از شورای ملی مقاومت را مدنظر دارد. مگر اینکه هدف از پذیرش اصل مذاکره، تنها افشای بقیه در صفحه ۲۷

# سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

# ورزشگاهها، میدان رزم توده‌ها

نخواهد رسید که در میدان‌های ورزشی را همانند در دانشگاه‌ها تخته کرده و توپهای ورزشی را همچون کتابها جمع-آوری و آتش‌زنند! آنها ناچارند در مورد ورزشهای عمومی از جمله فوتبال و کشتی، کوتاه بیایند. بویژه آنکه میکوشند حتی المقدور رودررویی مستقیم با مردم را هرچه بیشتر کاهش دهند.

## جوانان، سکانداران شورشیها

همانگونه که در انقلاب بهمن جوانان پیگیرترین تحرکها را داشته و به اقتضای موقعیت خود جبارت بیشتری در رودررویی با دشمن را داشتند، اکنون هم نقش آنان در پیشبرد، تشدید و گسترش شورشیها تعیین کننده و کلیدی است. در تحمات ورزشی این ویژگی برجسته تر خود را نشان میدهد. چراکه اساسا جوانان نیروی اصلی آن را تشکیل میدهند. جوانان بیزار از جنگ، فراریان از جبهه‌ها، بیکاران، برادران و خواهران و دوستان شهدا و زندانیان سیاسی، همه آنان که نان و آزادی میخواهند و وجود ملایان خونخوار را مانع اصلی به ثمر رسیدن آسماال و آرزوهای طبیعی و به حق خود میبینند، آن نیروی عظیمی هستند که در مجامع بزرگ، بویژه در مسابقات ورزشی، مجال آزاد شدن یافته و فریاد اعتراض خود را بر سر رژیم زندگی سوز خمینی فرود میآورند. در میهن ما همانقدر که بازی تنبیس و مسابقات اسب‌دوانی و امثال آن کم و بیش در انحطاداراهاست، ورزشهای مثل فوتبال و کشتی مسورد استقبال جوانانی است که عموما از نیروهای حاشیه تولید، کارگران و اقلتار و لایه‌های میانی جامعه برخاسته و زندگی سخت و طاقت‌فرسای خانواده خود را با جان خود احساس کرده و فقر و محرومیت را چشیده‌اند. در همان حال که خود را از هر سو در منگنه رژیم سرکوبگر می‌بینند، خواهان تنفس آزاد هستند. چیزی که رژیم خمینی با همه‌ی ابزار سرکوب و فریب خود، از انسان دریغ داشته است. اگر طبقه کارگر دژ اصلی دموکراسی انقلابی و ستون

اکنون با توجه به وضعیت جدید، توده‌ها اشکال تازه‌ای برای بیان اعتراضات خود پیدا نموده‌اند. کارآیی ترین این اشکال، استفاده از محملهاست که تجمع طبیعی مردم را موجب میشود. این نوع اجتماعات هر قدر ابعاد بزرگتری داشته باشند، ایمنی قابل اتکاء تری را برای توده‌های شورشی تامین میکنند. مسابقات ورزشی یکی از محملهای مهم تشکیل چنین جمععات است. زیرا ابعاد است که رژیم بتواند این اجتماعات را یکسره ممنوع کند. حتی در صورت وقوع شورش در چنین جمعی، از آنجا که رژیم خود را با همه‌ی مردم رودررو می‌بیند، دچار آشفتگی شده و نه فقط به راحتی قادر به ردیابی عناصر سازمانگرنی بوده، امر سرکوب نیز کارآیی لازم را نخواهد داشت. در وضعیتی که سیطره ارتجاع خشن مذهبی، قاطبه اهالی به ویژه جوانان را از هر نوع تفریحات سالم محروم کرده و به ویژه بازار مسابقات ورزشی، خاصه فوتبال داغ است و زمینه استقبال وسیع توده‌ای دارد، توجه به آن اهمیت اساسی مییابد. اینجا در مقابل این سؤال که آیا با ادامه شورشیهای توده‌ای در میدانهای ورزشی، رژیم به تعطیل مجامع ورزشی اقدام نخواهد کرد؟ پاسخ منفی است. زیرا اگرچه خصلت ارتجاعی رژیم ولایت فقیه موجب شده تا در امروز ورزش هم محدودیتهایی بوجود آید، و حتی زنان در رشته‌های وسیعی از ورزش محروم شده‌اند، و بقول ملکوتی امام جمعه تبریز پوشیدن شورت‌های ورزشی در انظار عموم اسلامی نیست! با اینهمه اما رژیم مرگ پرور و زندگی سوز جمهوری اسلامی که اساسا دشمن هر چه سرزندگی و طراوت و تازگی است، به راحتی قادر به تعطیل ورزش در تمامی ابعاد آن نیست. رژیمی که میکوشد خود را از انزوای جهانی خارج ساخته و دست و پا میزند تا بصورت یک رژیم معقول جلوه کند، چگونه میتواند ورزش را تحریم کرده و بازی با توپ لاستیکی را در سراسر کشور غیرقانونی اعلام کند! ملایان که دم از مبارزه با اعتیاد می‌زنند، به سادگی زورشان

تصادفی نیست. بلکه نشان میدهد که مقاومت مردم از بچ بچه‌های خصوصی، اعتراضات پراکنده و گلایه‌های محفلی فراتر رفته و می‌رود تا در ابعاد بزرگ توده‌ای گسترش یابد. حتی اینجا و آنجا این مقاومت صراحت بیشتری یافته و در رویارویی با رژیم، پوسته محملی خود را هم دریده است. در تبریز و مشهد فراتر از تظاهرات امجدیه، تظاهرات مردم مشغول در دفاع از زندانیان سیاسی و مخالفت با اعدامها - شکنجه صورت گرفته است! در یک کلام باید گفت شورشیهای یاد شده بروشنی بیانگر این واقعیت است که فضای سیاسی میهن ما آستان انفجارات توده ایست، و کمر بندها را باید سفت کرد! بار کمر شکن جنگ‌گرانی، کمبودها، بیکاری... و خلاصه فلاکت اجتماعی و اقتصادی برگرده شهروندان، بویژه کارگران و زحمتکشان، تحمل وضع موجود را اگر نگوییم ناممکن، بسیار سخت و طاقت فرسا کرده است. اما فاسدان مطلق هر نوع آزادی و نظارت شبانه روزی ارگانهای سرکوب رژیم به جزئیترین بخش زندگی مردم، مانع اصلی بروز اعتراضات توده‌ای در اشکال مجاز است. و کوچکترین اعتراض با سرکوب تمام عیار مواجه است.

در چنین فضای تیره‌ای بیدار کردن اشکال مقاومت مناسبی که ضمن فلسف کردن کارآیی رژیم و محدود کسردن قدرت سرکوبش، امکان بیان ناراضیتهای ما را ممکن سازد، امری ضروریست. در پاسخ به چنین ضرورتی است که مردم با انکارات و حلاقیتهای خودجوش خود که همواره از دل نیازهای واقعی و مبرمشان برمیخیزد، امکان می‌یابند تا در هر مرحله از مبارزه و متناسب با وضعیت قوا، تاکتیکیهای رادر رویا - رویی با دشمن کشف کنند. و در تداوم مبارزه خود آن را تعمیق کرده و تجربیات خود را در این مورد غنا بخشند. برگزاری جهلم‌های پی در پی در یکساله قبل از انقلاب نمونه برجسته - و شاید منحصر به فرد - اتخاذ چنین تاکتیکیهاست که توانست دشمن را فلج کند.

### ورزشگاهها . . .

پیشروی بسوی سوسیالیسم در جامعه ماست ، و اگر ما وظیفه سازمان دادن اقتدار طبقه کارگر را داریم ، میباید از ماده اشتعالی بالفعل جنبش جامعه مان ، یعنی جوانان ، در راستای سازماندهی هژمونی طبقه کارگر استفاده کنیم .

می بینیم که پتانسیل عظیمی میتواند در مجامع ورزشی آزاد شود (کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی وظیفه دارند نه فقط در جنبش مجامع حضور داشته و سازمان یافته داشته باشند ، بلکه باید همزمان با شرکت فعالانه و سازمانگرا نه در جنبش اجتماعات و بردن شعارهای خستود در درون آن ، هر چه بیشتر مضمون اعتراضات را سیاسی تر کنند . برای شرکت با برنامها در جنبش جمعاعتی و همسوازات شرکت در آنها و مستقل از آن ، میباید به سازمان دادن تیمهای ورزشی در کارخانجات ، محلات ، دانشگاهها و مدارس اقدام نمود . با ایجاد این تیمها یوشش توده ای ارزشمندی بدست خواهد آمد که از طریق آن ، علاوه بر وصل ارتباطات و حضور زنده در محل کار و زندگی زحمتکشان ، میتوان آن را همچون سلولهای کارآورد اجتماعات بزرگ کرد و انفجارات بزرگ توده ای را سازمان داد . تیمهای ورزشی همیشه یکی از اشکال سازماندهی توده ای بوده اند . در دوره مقاومت ضدفاشیستی در اروپا و در جنبشهای آمریکای لاتین ، تیمهای ورزشی محلات نقش مهم ارتباط گیری و سازمانگری را داشته اند . هم اکنون یکی از پایگاههای مهم چپ در شیلی ، تیمهای ورزشی کارخانجات ، محلات ، دانشگاهها و مدارس است . بویژه اینکه خصلت این تیمها چنین است که علاوه بر خود بازیکنان ، توده قابل توجهی از مشتاقان تماشا بازی را نیز حول خود سازمان میدهد . در میهن ما ورزش فوتبال بخاطر هزینه کم و تحرک و هیجان زیاد ، بطور برجسته ای از این خصوصیت برخوردار است .

مادرمقاله "شورشهای انقلابی توده ای و وظایف ما" مندرج در شماره هشت نشریه خود ، رئوس عمومی نحوه فعالیت در شورشهای توده ای را توضیح داده و اهداف آن را بر شمرديم . در این جا رهنمودهای عمومی برای شرکت در تجمعات بزرگ توده ای بویژه ورزش ، و ایجاد تیمهای مستقل ورزشی ارائه مینمائیم . بدیهی است که پیش از همه این به عهده خود رفقاست که با خلاقیت انقلابی خود مبتنی بر شناخت دقیق هروضعیت معین ، شکل سازماندهی متناسب با آن وضعیت را پیدا کرده و در چهارچوب رهنمودهای داده شده ، فعالانه بکار گیرند :

- ۱ - تجمع های بزرگ از جمله تجمعات ورزشی نشان داده اند که آستان انفجار را توده ای هستند . با حضور سازمان یافته خود در آن شرکت نموده و با شکل گیری شورش ، بلافاصله شعارها را از سطح مسائل صنفی و ورزشی ارتقاء داده و آن را سیاسی کنید .
- ۲ - در جنبش اجتماعاتی برای یکدست نگه داشتن جمعیت ، آن دستا ز شعارها را که برای توده ها ملموس تر بوده و متناسب با وضعیت است ، تبلیغ کنید .
- منیاب مثال : اعدام یا شکنجه ، ممنوع باید گردد - زندانی سیاسی ، آزاد باید

### درگیری دهقانان "سید محله" با مزدوران رژیم

حدود اوایل شهریورماه عده ای از دهقانان زحمتکش و بی زمین روستای "سید محله" خز آباد (ساری) اقدام به تصرف زمینهای موات اطراف این روستا می نمایند . با این اقدام انقلابی روستائیان ، ژاندارم ها و پاسداران طبق حکم دادگستری ساری به منطقه رفته و خواهان پس گرفتن زمینها از دهقانان میشوند . دهقانان زحمتکش در مقابل آنها مقاومت کرده و در نتیجه کار به درگیری می انجامد . مزدوران رژیم به مردم حمله می کنند و شروع به تیراندازی هوائی می نمایند . در این درگیری عده ای از دهقانان و چند تن از پاسداران مزدور مجروح می شوند و عده ای از دهقانان نیز دستگیر می شوند . (از گزارشات ارسالی نشریه "پیام سرخ" - مازندران - وابسته به سازمان)

- گردد .
- ۳ - شعارهای سیاسی را تا قبل از پراکنده شدن جمعیت ادامه دهیم . اما در لحظه پراکنده شدن جمعیت ، بلافاصله باید به شعارها خاتمه داده و به سرعت از صحنه خارج شد . ادامه شعارها هنگام پراکنده شدن جمعیت ، همواره خطر دستگیری را در پی دارد . زیرا در چنین مواقعی عموماً دشمن در نقاطی که تظاهرات پراکنده میشود ، کمین میکند .
- ۴ - از آنجا که تجمع ورزشی ، تجمعی غیرسیاسی است . رژیم میکوشد با خفه کردن شورش در محل ، از گسترش آن جلوگیری کرده و یا حداقل مانع از پخش اخبار آن شود . در مقابل میباید - تا آنجا که موجب ضربه پذیری نشود - شورش را همراه جمعیت به نقاط مختلف شهر گسترش داد و خبر آن را از هر طریق ممکن همه جا پخش کرد .
- ۵ - تکرار این شورشها ، موجب خواهد شد تا رژیم با آمادگی بیشتری خود را سازمان دهد . بنابراین در هر حرکت با شناخت کامل وهوشیاری وارد عمل شوید .
- ۶ - روی سازماندهی تیمهای ورزشی بسبب شوبدواز طریق هوداران در کارخانجات ، محلات ، دانشگاهها و مدارس در ایجاد آن بکوشید . شرکت در اجتماعات بزرگ نباید ضرورت تشکیل تیمهای ورزشی را منتفی کرده یا صنفی بودن آن نادیده گرفته شود .
- ۷ - تیمهای ورزشی شکلی از یوشش توده ایست که میتواند در عین اینکه در خدمت ارتباطات طبیعی قرار گیرد ، به مثابه سلولهای ، سازمانده انفجارات بزرگ توده ای باشد .
- ۸ - همانقدر که در تجمع های بزرگ سیاسی کردن اعتراضات اهمیت حیاتی دارد ، صنفی نگه داشتن تیمهای محلات ، کارخانجات ، مدارس و دانشگاهها ضروری است . زیرا همانقدر که رژیم در تعرض به اجتماعات بزرگ ناتوان بوده و قادر به کنترل موج عظیم جمعیت نیست ، به همان اندازه در کشتن کردن و ضربه زدن به تیمهای ورزشی و اساساً تشکیلهای کوچک علنی ، کارآیی دارد □

# نان ، صلح ، آزادی ، حکومت شورائی !

تجارب مبارزات کارگری در یک رشته کارخانجات در طی سال ۶۲ نظیر عبارات کارگران کنتورسازی (تیرماه ۶۲)، فیات (آذر ۶۲)، شیشه قزوین (اسفند ۶۲)، سینادارو (اسفند ۶۲)، تیغ ناست (اردیبهشت ۶۳) و غیره موثدا همیت مجمع عمومی کارگری بعنوان یکی از اشکال مهم تشکل توده کارگران در لحظه کنونی

## نقدی بر پینش آنارشیستی "حزب کمونیست" گومله

### درباره مجمع عمومی کارگری

است. بررسی شرایط ویژه پیدایش این شکل تجمع توده‌ای کارگران، خاصیت عمده و مضمون آن و نیز محدودیتهای ویژه آن و وظیفه ما محسوب میشود زیرا بدون بررسی اشکال تاریخی معین جنبش توده‌ای کارگری، و روشنگری از ضرورت و اهداف آن، رهبری و پیوندی با کمونیست با توده طبقه ممکن نیست. وظیفه ما در مقابل جنبش توده‌ای کارگری، اختراع این یا آن شکل مبارزه نیست بلکه کشف و رهبری اشکال تاریخی معین جنبش توده‌ای است. در بررسی مجمع عمومی کارگری، همچنین ضروری است با نگرش آنارشیستی اتحاد مبارزان کمونیست درباره مجمع عمومی بماند به بدنه شوراهای کارگری مرزبندی نشائیم. ما بیشتر در مقاله "نقدی بر پینش آنارشیستی" "حزب کمونیست" گومله درباره تشکلهای غیر حزبی طبقه کارگر، ضرورت این امر را خاطر نشان کرده ایم.

### الف) مجمع عمومی و اتحادیه

مجمع عمومی، اجتماع ساده و مقدماتی توده کارگران برای طرح درخواستهای مشخصشان در واحده کارخانه میباشد. در ماه ۱۶۷ طرح قانون کار اسلامی "نوبین"، ترکیب مجمع عمومی واحد کار چنین تشریح شده است: "کلیه کارکنان شاغل هر واحد در سطوح مختلف از کارگر تا مدیر که تابع قانون کار هستند و حداقل ۱۵ سال سن دارند، مجمع

کارکنان را تشکیل میدهند". واضحست که چنین جمعی، تشکل طبقه کارگر نیست زیرا مدیر و بطور کلی نمایندگان کارفرما نیز در آن عضویت دارند. نمایندگان انتخابی این مجمع نیز از آن کارگران نیستند بلکه متعلق به کارفرمایان میباشد. در واقع، این تجمع، ارگان سازش طبقاتی کارگران با مدیران و کارفرمایان

است که بعنوان نخستین مافی انتخاب با اصطلاح نمایندگان کارگران در قانون کار اسلامی تعبیه شده است، هر چند که نقش اصلی در کنترل واحد کار، این ارگان نیز بعهده ندارد بلکه شعبه حراست در وزارت کار (همان دایره پیشین ساواک در وزارت کار) و شوراهای انجمنهای اسلامی بعهده دارند. شعبه حراست بر طبق ماده ۱۷۴ و تبصره آن در طرح قانون کار اسلامی موظف به تعیین صلاحیت منتخبین میباشد، این شعبه هم اکنون نظیر دوران شاه در طبقه دهم وزارت کار به اجرائی و وظیفه مشغول است. با این همه مجمع عمومی، در بیکرشته کارخانجات اهمیتی متفاوت با آنچه در قانون پیش بینی شده، یافته است. بدین معنا که اولاً مجمع عمومی بعنوان مجمع عمومی واحد کار تشکیل نشده بلکه مجمع عمومی کارگران بوده است با دقیقتر بگوئیم عمدتاً وزن کارگران را در مجمع عمومی واحد کار منعکس کرده است. ثانیاً این مجمع عمومی کارگری در مقابل خود وظیفه انتخاب نمایندگان را قرار نداده، بلکه دقیقاً بدلیل امکان دستگیری و اخراج نمایندگان کارگری توسط کارفرما و دولت، خودنما بندگی توده کارگران را برای درخواستهای فوری و آنی در واحد کارخانه بعهده گرفته است. مقدمات ضروریست آن شرایط عمومی را که موحدا همیت بافتن مجمع عمومی شده است، روشن نمائیم.

سرکوب کلیه دستاوردهای قیام توسط رژیم جمهوری اسلامی، توازن قوا را در واحد کارخانه نیز بنبط تسلط ارتجاع تغییر داد. نتیجه آن از یکسوی فقدان هرگونه تشکل توده‌ای کارگری و از سوی دیگر کسب نقش فائقه توسط شوراهای اسلامی در واحدهای تولیدی بود. شوراهای اسلامی، امروزه در کارخانجات قادر به متشکل نمودن توده کارگران نیستند، و در انظار اکثریت کارگران تبدیل به ارگان انتصابی سرکوبگر دستگاه حاکمه در واحد کارخانه شده‌اند. منع هرگونه تشکل توده‌ای (از جمله سندیکاها) و تسلط شوراهای اسلامی، کارگرانی را که تجربه یک انقلاب توده‌ای را پشت سر گذاشته و اکنون در مقابل تعرض اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داران و دولت قرار گرفته‌اند، بسوی اشکال مقدماتی اتحاد در واحدهای تولیدی سوق داده است، شکلی از اتحاد که تحت شرایط هارترین دیکتاتوری قادر است، وسیعترین توده‌ها را برای تدارک دفاعشان در مقابل تعرض سرمایه و دولت، بنحوی بسیار مقدماتی و اولیه آماده کند. این شکل اتحاد، به سه دلیل اهمیت ویژه‌ای کسب کرده است: الف) فقدان تشبیت نظم عادی سرمایه در واحدهای تولیدی: رژیم جمهوری اسلامی علیرغم آنکه کلیه دستاوردهای قیام را سرکوب کرده اما قادر به درهم شکستن جنبش کارگری نشده است، علاوه خصوصیات رژیم ولایت فقیه منابه یک دولت استثنائی مذهبی و تعارض آن با زیربنای اقتصادی جامعه بگونه‌ای است که امکان تشبیت نظم عادی سرمایه را در واحدهای تولیدی مشکل مینماید. طوّه‌های بارز این امر کشمکش بر سر تصویب یک قانون کار بفاصلت ارتجاعی و تعارضات مدیریت با انجمن‌ها و شوراهای اسلامی کارخانجات است. فقدان تشبیت نظم عادی سرمایه که خود را بصورت عدم وجود قوانین روشن در تشریح روابط کارگر با کارفرما و سرمایه‌دار از یکسوی و ترسیم توازن قوای بین مدیریت و شوراهای اسلامی به نفع دیکتاتوری مطلق سرمایه‌دار در واحدها





دنباله از صفحه قبل

تولید از سوی دیگر، نشان می‌دهد، مدام شرایطی ایجاد می‌کند که کارگران می‌توانند برای مبارزه متحد خود از آن بهره برداری کنند. این شرایط مساعد گاه از منازعه بین مدیریت و شوراها اسلامی و مداخله وزارت کار برای کنترل این منازعات در سطح سراسری (که در عین حال دردوره‌های اخیر غالباً با حمایت از مدیریت توأم بوده است)، نشأت می‌گیرد و بعضاً از فراخوانهای دستگا‌های دولتی برای این یا آن اقدام معین (نظیر طرح طبقه بندی مشاغل)، که خود مبین فقدان قانون کار تصویب شده است، ب) بایکوت ارگانهای رژیم در عمل؛ چنانکه پیشتر اشاره کردیم؛ شوراها اسلامی در اکثر کارخانجات توسط کارگران تحریم شده‌اند، کارگران بهیچوجه اعضای شوراها اسلامی را نمایندگان خود نمی‌شناسند. کارگران، اگرچه با عدم شرکت در این ارگانها، آنها را منفرد و بایکوت کرده‌اند اما قادر به انحلال این ارگانها نیستند زیرا انحلال این ارگانها منوط به مبارزه انقلابی بوده‌ای کارگران علیه کل رژیم می‌باشد. از اینرو کارگران با تشکیل مجمع عمومی این ارگانها را دور می‌زنند و در عمل بایکوت خود را اعمال مینمایند. این حمله‌ای از پهلو و غیر مستقیم جهت انحلال شوراها اسلامی محسوب می‌شود. ج) خطر اخراج نمایندگان واقعی کارگران و ضرورت ارائه نمایندگی توده‌ای؛ اخراج و دستگیری و اعدام کارگران پیشرو، یکی از مهمترین حربه‌هایی است که توسط آن رژیم و سرمایه‌داران مبارزات کارگری را سرکوب مینمایند. در چنین شرایطی، ارائه نمایندگی توده‌ای بجای نمایندگی فردی شیوه بمراتب موثرتر برای حفظ کارگران پیشرو و تداوم جنبش محسوب می‌شود. فی‌المثل در اکتساب ۲۴ ساعته کنترلسازی در تبر ماه ۶۲، کارگران در جواب به مدیریت که خواهان مذاکره با نماینده کارگران بود تا به این بهانه کارگران پیشرو را شناسائی و سرکوب نماید، اظهار داشتند: "ما نماینده نداریم و اگر صحبتی دارید با همه

ما در میان بگذارید. آنوقت گفتند باشد، فردا مجمع عمومی خواهیم گذاشت." (راه کارگر دوره دوم شماره ۱ به نقل از نشریه منطقه‌ای "پیام کارگر" شماره سوم تیرماه ۶۲) از این رو مجمع عمومی به عنوان شکل نمایندگی توده‌ای، در شرایط خطر اخراج نمایندگان واقعی کارگران اهمیت ویژه یافته است، بعبارت دیگر این شکل تجمع وسیله موثری برای تأمین همبستگی و تحکیم صفوف کارگران پیشرو با توده کارگران است. و اما مختصات و ماهیت مجمع عمومی کدامند؟ پاسخ به این پرسش مقام تاریخی مجمع عمومی را بعنوان اهرمی جهت ایجاد بدنه علنی اتحادیه‌های مخفی در لحظه کنونی روشن مینماید و بدین سان نحوه استفاده از مجمع عمومی را در خدمت ایجاد تشکل پایدار طبقه مشخص میکند. اشتباه نگرده‌ایم، هر آئینه پنج خصیصه زیر را در تبیین مضمون و مختصات مجمع عمومی کارگری در لحظه کنونی معین نمائیم: ۱) خودانگیختگی مجمع عمومی در لحظه کنونی؛ مجمع عمومی کارگری در مرحله کنونی خصیصه‌ای خودانگیخته دارد بدین معنا که همراه با هر مسئله مشخص متولد شده و می‌میرد. خصلت جنبشی و غیر مشتکل و در نتیجه غیر منظم و مداوم مجمع عمومی، و بزرگی آنرا در حال حاضر تشکیلی میدهد. ۲) خواستهای آتی طبقه محور اصلی تشکیل مجمع عمومی؛ مجمع عمومی در ارتباط با اعتراضات یا اعتصابات کارگری حول مطالبات آتی و ملموس توده طبقه تشکیل می‌شود. از اینرو مضمون عمده مجمع عمومی را درخواستهای اتحادیه‌ای طبقه (حول افزایش دستمزد، ساعات کار کوتاه‌تر و بهبود وضعیت رفاهی طبقه) و مقابله با تعرض سرمایه‌داران و دولت جهت تنزل سطح زندگی کارگران و اعمال فشار بر آنان (نظیر اخراج و بستن کارخانه) تشکیل میدهد. ۳) خصلت علنی و توده‌ای مجمع عمومی؛ مجمع عمومی شکل مقدماتی و ابتدائی اتحاد توده کارگران است و ناگزیر خصیصه‌ای علنی دارد. مجمع عمومی نه تنها قدرت اتحاد کارگری را برای توده کارگران روشن مینماید بلکه همچنین

در پاره‌ای موارد با نشان دادن قدرت متحد کارگران مدیریت را مجبور به عقب نشینی از تعرض به کارگران میکند. ۴) دمکراسی مستقیم و اولیه کارگری در مجمع عمومی؛ مجمع عمومی بعنوان ابزاری جهت بیان مطالبات فوری توده کارگران، نمایندگی مستقیم کارگران را بعهده دارد و از اینرو از نوعی دمکراسی اولیه کارگری برخوردار است. این دمکراسی اولیه با فرقه گرائی ایدئولوژیک در طبقه مابینت دارد و قادر است کارگران را صرفنظر از تمایزات مذهبی، ایدئولوژیک و عقیدتی حول مطالبات فوری و آتی طبقه متحد نماید. ۵) خصلت غیر سراسری و محدودست مجمع عمومی به واحدهای منفرد تولید؛ در حال حاضر، مجمع عمومی بعنوان محصول مبارزات و اعتصابات پراکنده کارگری در واحدهای تولیدی گوناگون، خصلتی غیر سراسری و محدودست و واحدهای منفرد تولید دارد. تنوع درخواستها و عدم هماهنگی مجامع عمومی در کارخانجات، یکی از ویژگیهای عمده مجمع عمومی کارگری در لحظه کنونی است. خصایص پنجگانه مذکور، مبین این حقیقت هستند که در شرایط دیکتاتوری خشن، بحران اقتصادی و سیاسی، طبقه کارگر ایران که تجربه اعتصابات توده‌ای سیاسی و شوراها کارخانه را پشت سر گذاشته است، مبارزات تدافعی، اقتصادی و پراکنده خود را علیه سرمایه و دولت به شیوه‌ای موثرتر نسبت به دوران شاه پیش می‌سازند. آنان، باشکالی ویژه و متناسب با سرکوب خشن، اتحادیه‌های کارگری را پی می‌نمایند. اگر چنین کارگری در اروپا، از طریق صندوقهای کمک متقابل راه خود را به سوی اتحادیه‌ها هموار کرد، کارگران اسپانیا، پرتغال و شیلی از طریق مجامع عمومی کارگری راه خود را به سوی کمیسیونهای کارگری بعنوان شکل ویژه فعالیت سندیکائی هموار نمودند. در کشور ما نیز مجامع عمومی در شرایط تعرض سرمایه، به هنگام مبارزات تدافعی اقتصادی و پراکنده کارگری حول خواستهای آتی طبقه و مشابه محصول اعتراضات و اعتصابات در واحدهای



## در افشای حزب منشویکی 'کمونیست' کومهله

دمکراسی علیه کمونیزم")، ویا چه جریانی بجز احزاب سوسیالیست پس از جنگ جهانی دوم تحت عناوین سوسیالیستی و دمکراسی طلبانه روند جنبشهای آزادیبخش ملی را بمثابة روند تسلط "ابرقدرت روس" و انقیاد ملل مستعمره توسط آن معرفی کردند؟ در پاسخ به این پرسش، نویسندگان محق خواهند بود اگر از ماژوتیسیم یاد نکنند یعنی از آبخور کهنه تئوریکشان، اما در آنصورت باید بگوئیم که کدامیک از جریانات ماژوتیست پیشین در حال حاضر یعنی در دوران تجزیه و تلاشی جریانهای ماژوتیستی وجود دارد که به مضمونهای از عقاید سوسیال دمکراتیک و آنارشیستی آغشته نباشد؟

بنا بر این اگر حزب کمونیست کومهله خود را ملزم به توضیح درباره اکاذیبش نمیداند تنها بدین سبب است که او فقط حرفهای کهنه شده منشویکی را در زورتی از عبارات تیردازیهایی انقلابی درباره انقلاب جهانی تکرار میکند. حزب کمونیست کومهله جاده صاف کن مارکسیزم لیبرال است، این تنها نقش حقیقی این حزب در عرصه مبارزه طبقاتی است. در حقیقت با بسط پرسید که فرق این مدافعین دروغین اکتبر با منشویکیهای نظیر شوکت که علیه اکتبر قلم میزنند، چیست؟ کافست این پرسش را مطرح کنیم تا دریابیم که در ماهیت امر فرقی وجود ندارد، نظریه عدم امکان ساختمان سوسیالیزم در یک کشور و سرمایه داری دولتی را واریسی کنید تا ببینید که چه چیزی بجز نفی انقلاب سوسیالیستی اکتبر و نفی اساس ضرورت آنرا در دست خواهد داشت. اسلاف حزب کمونیست کومهله مدتهاست که به این نتیجه منطقی رسیده اند و اگر این "حزب" تاکنون حرف آخر خود را نزنده است تنها بدلیل تلاش بی شماری "حزب" برای تطبیق دادن خود با رادیکالیسم جنبش انقلابی کارگری و دمکراتیک میباشند. ماست، رادیکالیسمی که در چهارچوب آن بلشویزم از سن ریشه داری برخوردار است. کافست عبارات تیردازیهایی که معمولا همراه با نفی امکان ساختمان سوسیالیزم درباره انقلاب جهانی عنوان میشود، کنار بزنید تا چه سره بقیه در صفحه ۲۶

رویزیونیستی معرفی شده و مبارزه قهرمانانه اتحاد شوروی علیه فاشیسم مهاجم که بجز هارترین محافظ امپریالیستی حتی بورژوازی پاشیست نیز مجبور به تصدیق آن گردید تحت عنوان "تبلیغ انواع جبهه های واحد ضد امپریالیستی و فاشیستی" تخطئه شده و آرزوی ناپودی نظام شوروی در جنگ جهانی دوم در سطر سطر عبارات اطلاعاتیه زیبانه میکشد. روند انقلابات رها کیش ملی در هندوچین، آمریکای لاتین و آفریقا بعنوان روند تسلط "استعمار و انقیاد نوین روسی" بجای استعمار انگلیسی، آمریکائی، فرانسوی معرفی شده و یاری اتحاد شوروی به انقلابات ویتنام، کوبا، آنگولا و گینه بیساو، موزامبیک، کامبوج، لائوس و غیره چونان روند شکلگیری اشکال و انواع نوینی از دولتیهایی بورژوازی و تحکیم سرمایه داری دولتی قلمداد گردیده است و سرانجام تعمیق وحدت یابی روند انقلاب جهانی، یکی از آنکه بعنوان یکی از اشکال "تجدید تقسیم مستعمرات" عنوان شده، شوروی "سرمایه داری دولتی" به امپریالیزم تمام عیار مبدل گردیده است!! نویسندگان اطلاعاتیه چنان به اشاعه اکاذیب مذکور مبادرت کرده اند که گویا شرحی از "وقایع تردیدناپذیر" ارائه میدهند. در حقیقت نیز نویسندگان خود را ملزم به توضیح و استدلال نمیبینند چرا که بخوبی میدانند اسلاف منشویکشان در این حوزه ها پیشتر به "استدلال" پرداخته اند و هم اکنون نویسندگان منشویکیهای ایرانی آگاهتری حنون محمد شوکت بجای آنان به ترجمه آثار منشویکیهای قدیم و جدید اشتغال دارند. برای چه کسانی بهتر از کائوتسکی سوسیال دمکرات قدیمی و بتلها بسم سوسیال دمکرات جدید درباره شوروی بعنوان "سرمایه داری دولتی" احتجاج نموده اند؟ و با چه کسانی بهتر از سوسیال دمکراتها درباره بقدرت رسیدن فاشیزم هیتلری توسط کمونیزم داد سخن داده اند؟ (در این مورد نیز نباید به کائوتسکی را نادیده گرفت مثلا رجوع کنید به رساله او تحت عنوان "سوسیال

اخیرا بمناسبت هفتم نوامبر سالگرد انقلاب اکتبر، کمیته خارج از کشور حزب منشویکی با مصطلاح "کمونیست" ایران، نمایندگی سازمان کردستان این حزب (کومهله) در خارج از کشور (تعجب نکنید، این "حزب" دو نماینده در خارج دارد، یکی پرولتاریای ایران و ستاژگی پرولتاریای سراسر جهان را نمایندگی میکند و دیگری پرولتاریای جوان کردستان را، زیرا "حزب" مذکور طرح سازماندهی حزبیش را از سوندیستها اخذ کرده است) و سازمان هواداران "حزب" با شعار پوشی "انقلاب اکتبر از آن ماست" کمونیزم ستیزی منشویکی خود را با لفاظیهای از عبارات تیردازیهایی انقلابی به نمایش گذارند. در اطلاعاتیه نمایندگی سازمان کردستان این "حزب" (کومهله) میخوانیم: "حزب کمونیست شوروی پس از لنین و انقلابیون بلشویک از اصول انقلابی مارکسیسم پله به پله پائین آمد و به رویزیونیسم سقوط کرد و به سرمایه داری دولتی در غلطید. این حزب با پشت کردن به انترناسیونالیسم و روی آوردن به آرمان "سوسیالیسم در یک کشور" از یک سو با تبلیغ انواع جبهه های واحد ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی بهمراه سایر "انواع بورژوازی" جنبش جهانی طبقه کارگر را به انحراف و شکست کناند و در ادامه این روند، جنبشهای آزادی بخش و دمکراتیک را نیز در سرتاسر جهان آلود، حق ملل را در تعییرون نوشت خویش زیر پا گذاشت، برخی از ملل ضعیف را به انقیاد کشید و به سیاستهای تجاوز کارانه و میلیتاریستی روی آورد و در اینراه از نیروهای نظامی خویش نیز بهره گرفت و به یکی از قطبهای جهانی امپریالیستی بدل گردید." ملاحظه میکنید، سلیبی از اکاذیب و مواضع خصمانه علیه انقلاب بلشویکی و دستاوردهای آن بدون هیچگونه توضیحی توسط اطلاعاتیه رواج داده شده است. شوروی سوسیالیستی به نظام "سرمایه داری دولتی" و "امپریالیزم" مبدل گشته، نظریه لنینی "امکان ساختمان سوسیالیزم در یک کشور" به عنوان "آرمان" و تیز

## آگاهی سوسیالیستی و سازمانهای توده‌ای کارگران

اکنون که بیش از ۳ سال از تعرض سراسری و دیمنشانه رژیم فکها به سازمانهای انقلابی چپ و تشکلهای گوناگون طبقه کارگر میهن ما میگذرد، خلاصه و شکاف موجود میان عناصر کمونیست و طبقه کارگر ذهن تمامی نیروهای چپ انقلابی را بخود معطوف کرده است. کمونیستهای میهن ما طبقه کارگر قهرمان آن بیش از ۳ سال در شرایطی دشوار و استثنائی با یکی از هارترین حکومتهای ضد مردمی و سرکوبگر قرن حاضر به مبارزه مرگ و زندگی پرداخته اند بدون آنکه در این مدت بتوانند یاری جدی به یکدیگر برسانند. از این روست که در شرایط کنونی فقدان یک رابطه گسترده و تنگاتنگ با طبقه کارگر مورد اعتراف تمامی گروهها و سازمانها چپ انقلابی است و لاقلاً در حد یک شعار، تمامی آنها مسئله پیوند با طبقه کارگر را بمثابة یک مسئله کلیدی و سرمد در دستور کار خود قرار داده اند.

اما آنچه مسلم است تنها با طرح شعار "پیش بسوی طبقه کارگر"، استقرار در میان کارگران تحقق نخواهد یافت. برای پاسخ عملی به این ضرورت باید ریشه بیماری را بدرستی شناخت و راه درمان آن را پیدا کرد و به کار بست.

علاوه بر این در همینجا باید به این نکته مهم نیز اشاره کنیم که استقرار در میان طبقه کارگر هر چند بمثابة یک وظیفه عام و مستقل از شرایط همواره در برابر کمونیستها قرار دارد، اما اهمیت حیاتی گشایش این گره اساسی از یک زاویه دیگر نیز باید مورد تاکید قرار گیرد. در انقلاب بهمن که قیام بزرگ تمامی طبقات جامعه بر علیه سلطنت بود، روحانیت با اتکاء به نفوذ ریشه دار ایدئولوژیک و سازمانی اش در میان اقشار خرده بورژوازی سنتی و بورژوازی سنتی توانست نیروهای گسترده و شورشی حاشیه تولید را که نیروی محرکه آغازین و ماده اشتعالی جنبش توده‌ای بودند تحت هژمونی خود

در آورد و بدین ترتیب به نیروی اصلی و بلامنازع سیاسی در جامعه ما تبدیل گردید. حال این سؤال مطرح میشود که در شرایط موجود که تصور بحران فراگیر اقتصادی - اجتماعی در میهن ما همچنان داغ است و تداوم بحران انقلابی و گسترش مقامتها و وسیع بولی هر چند پراکنده کارگران و زحمتکشان که در فواصل آن شورشهای انقلابی توده‌ای نظیر شورش در افسریه و امجدیه مشتمل میشوند و خیر از طوفان بزرگ میدهند چگونه میتوان تضمین کرد که انقلاب سراسری آتی بار دیگر در شکلی تازه به تراژدی ظهور یک فدا انقلاب تازه منجر نگردد؟ در پاسخ به این سؤال معتقدیم که تنها طبقه کارگر نیرومند و متشکل که از آگاهی سوسیالیستی برخوردار باشد میتواند همچون دژ نیرومندی مدافع پیگیر و تضمین کننده قدرتمند دموکراسی انقلابی در فردای انقلاب آتی باشد.

حال اگر پیوند جنبش کارگری و آگاهی سوسیالیستی آن حلقه مفقوده‌ای است که بدون کشف کامل آن و سپس محکم بدست گرفتن آن، زنجیره انقلاب و دموکراسی بدست نخواهد آمد ضروری است که مکانیزم این پیوند روشن گردد.

### آگاهی سوسیالیستی و

### سازمان حزبی طبقه کارگر:

هما نظر که لنین در "چه باید کرد؟" تاکید دارد آگاهی سوسیالیستی چیزی نیست که بطور خود بخود از مبارزه جاری طبقه کارگر ناشی گردد، بلکه از خارج باید به مبارزه طبقاتی پرولتاریا وارد شود. در همین رابطه است که ضرورت ایجاد سازمانی از کارگران آگاه و انقلابی که الزاماً هسته محدود و فشرده‌ای از پیشروترین عناصر طبقه کارگر را در برمیگیرد روشن میگردد. این سازمان محدود که عالیترین شکل طبقه کارگر و همان سازمان حزبی طبقه کارگر است بمنزله

نیروگاه اصلی ترویج و اشاعه آگاهی سوسیالیستی محسوب میشود. سیمانی که اجزاء و اعضای این سازمان را بهم پیوند میدهد ایدئولوژی است و کمونیست بودن آن خصیصت عمومی است که هویت اعضای آنرا معین میسازد و در مقابل این خصیصت عمومی هرگونه تمایزی میان حرفه‌های مختلف کارگران و همچنین تمایز میان کارگران و روشنفکران بطور کامل زدوده میشود. بدون این وحدت عالی حول ایدئولوژی و برنامه کمونیستی، اراده واحد در درون سازمان حزبی طبقه کارگر بوجود نمیآید و بدون آن از استراتژی و تاکتیک روشن برای تحقق انقلاب پرولتری نمیتوان سخنی میان آورد. ولی درست در همین جا باید به حقیقت بزرگتری تاکید گردد و آن اینست که برنامه انقلاب پرولتری هر چند بدرستی تدوین شده باشد اگر بمیان نرسد کارگران نفوذ نکنند و نیروی مادی طبقه کارگر برای تحقق آن به حرکت در نیاید منشاء هیچگونه تنفیزی در جامعه نخواهد گردید. اما آیا شرط وحدت توده‌های میلیونی کارگران برای آنکه بمثابة یک طبقه برای کسب قدرت سیاسی و تحقق انقلاب پرولتری متحد گردند اینست که در سطح میلیونی ایدئولوژی کمونیسم را بپذیرند؟ واقعیت آنست که در سازمانهای توده‌ای طبقه کارگر برخلاف سازمان حزبی طبقه کارگر هر نوع قالب ایدئولوژیک منجر به ایجاد فرقه‌های گوناگون در میان کارگران میگردد و هر نوع تلاش برای ایجاد تشکلهای توده‌ای ایدئولوژیک سدی محکم در برابر هویت یا بسی پرولتاریا بمثابة یک طبقه ایجاد میکند. البته کمونیستها همواره تلاش میکنند که آگاهی سوسیالیستی را به اشکال متنوع در میان طبقه کارگر رسوخ دهند و در سطح هر چه گسترده‌تر مسائل مربوط به کمونیسم را برای توده کارگران توضیح دهند و شرایطی

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر!

دنباله از صفحه قبل

فراهم سازند که از میان کارگساران تعداد هر چه بیشتری کارگران کمونیست پرورش یابند و صفوف حزب طبقه کارگر را مستحکم سازند. اما در عین حال کمونیستها در سطح توده های میلیونی از کارگران دعوت نمکنند که اول کمونیست بنوند و سپس برای کسب قدرت سیاسی و تحقق دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه و حتی انقلاب کنند. اکنون دیگر این مسئله یک واقعیت تاریخی و بکرات اثبات شده ای است که توده های میلیونی پرولتاریا میتوانند بمثابة یک طبقه متشکل شوند و برای احراز قدرت سیاسی انقلاب کنند و حتی ساختمان سوسیالیسم را آغاز کنند بدون آنکه اکثریت آنها کمونیسم را بمنزله ایدئولوژی خود پذیرفته باشند. در شوری حتی در سال ۱۹۲۵ و پس از کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا تنها ۶۱۱ هزار نفر عضو حزب کمونیست بودند. اما در عین حال میلیونها کارگر آنها حزب سیاسی خود میدادند و از برنامه آن پشتیبانی میکردند. این پیوند مستحکم میان حزب بلشویک و طبقه کارگر از آنرو فراهم شده بود که حزب بلشویک با سازمانهای توده ای گسترده و نیرومند طبقه کارگر و در رأس آن شوراها و اتحادیه ها که دو سازمان عمده غیر حزبی طبقه کارگر بودند بیوند تنگاتنگ برقرار کرده بود و از این طریق برنامه خود را به میان صفوف میلیونها کارگر سرخ داده و بدین ترتیب شرایط واقعی حاکمیت سیاسی طبقه کارگر را فراهم میساخت. بنابراین پرولتاریا برای آنکه هویت یابد و نقش تاریخی خود را ایفا کند صرفا وجود حزب کمونیست کافی نیست بلکه کارگران ضرورتا باید در سازمانهای توده ای خود بمثابة یک طبقه متشکل گردند. شرط لازم و کافی برای متشکل شدن در چنین سازمانهای توده ای تنها و تنها کارگری بودن و التزام به مبارزه مشترک بخاطر منافع کل حش کارگری میباشد. مارکس و انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" در آنجا که در باره رابطه پرولتاریا و کمونیستها سخن میگویند به صراحت توضیح میدهند که کمونیستها بیانگر منافع بخش خاصی از طبقه کارگر نیستند بلکه آنان

همیشه نمایندگان مصالح و منافع تمام جنبش هستند. اما متاسفانه در میهن ما درک فرقه گرایانه سازماندهی ای پوپولیستی باعث شده است که این سازمانها نتوانند نقش سازمانهای غیر حزبی طبقه کارگر را برای رسوخ ایده های سوسیالیستی بمیان توده های وسیع کارگران دریابند. بنا بر این از آنجا که این درک فرقه گرایانه مانع عمده پیوند جنبش کمونیستی با جنبش توده ای کارگران بوده است لازم است که برخی وجوه مهم تجلی این بینش در سبک کار سازمانهای مزبور در همینجا تشریح گردد:

۱- یکی از ویژگیهای پوپولیسم آنارشیستی درک آرمانخواهانه آن از نقش و عملکرد حزب طبقه کارگر است. در این دیدگاه حزب مقوله و نیروی محرآمیزی فهمیده میشود. که گویا فی نفسه معجزه آسا است. بیهوده نیست که چپ انقلابی در جمع بندی از علل شکست مبارزات گذشته همواره بفرمول ثابت "فقدان حزب طبقه کارگر" در ریشه یابی شکستها تاکید ویژه دارد. اما در این میان آنچه که بطور معمول فراموش میگردد سبک کار احزاب کمونیست پیروزمند در بسط نفوذ احزاب مزبور در میان توده کارگران است. طبق تعریف کمونیستی حزب غالبترین شکل طبقه کارگر است و این بدان معناست که در سطوح با شین تر نه جماعتی شکست یافته بلکه سطوح گوناگون شکلهای توده ای کارگران قرار دارد و در این میان حزبی میتواند واقعا رهبری طبقه کارگر را انجام دهد که بوسیله تسمه های نیرومند با تمامی این تشکلیها بمثابة اجزاء متنوع و ضروری کل جنبش طبقه کارگر در تماس بوده و با شیوه هسا و مکانیزمهایی همانقدر متنوع با همسه آنها در ارتباط محکم باشد. همچنین در سازماندهی حزب، واحدهای پایه همواره در محیط مشخص که حوزه کار یا محل زندگی توده ها و بطور اخص کارگران است استقرار دارند، تنها در این صورت است که واحدهای مزبور میتوانند بمنزله سلولهای زنده یک ارگان بیسم واحد با توده ها در ارتباط مستقیم، فعال و زنده قرار گیرند. در حالیکه در سازماندهی پوپولیستی سازمانهای چپ عنصری که به این سازمانها جلب

میشدند و برنامه آنها را میپذیرفتند از محیط های مشخص و روابط توده ای جدا گشته و در تیم های جدا از توده سازمان می یافتند. این سازمانها بخصوص در رابطه با طبقه کارگردارای یک نقشه هدفمند که کارگران را بمنزله کارگر و صرف نظر از عقاید آنها بمثابة یک طبقه سازمان دهند نبودند و همواره کارگران را بصورت فرقه های ایدئولوژیک و در تشکل هایی که با خصلت هواداری از این سازمان یا آن سازمان متمایز میشدند گرد هم می آوردند.

۲- ویژگی دیگر پوپولیسم آنارشیستی به حرکت در آوردن توده های بوسیله تهییج پوپولیستی حول اقدامات "پیشاهنگ" است. زیرا در بینش پوپولیستی حرکات مشخص مبارزاتی توده ها مبنای اتخاذ تاکتیک نیست بلکه ابتدا بر اساس اراده و آمادگی "پیشاهنگ" شعار و تاکتیک تعیین میشود و آنگاه "پیشاهنگ" به صحنه آورده میشود تا توده ها برای پیروی از شعارها و تاکتیک آن تشویق و تهییج گردند. در دهه ۵۰ در دوره مشی سلحسانه جدا از توده این تهییج حول عملیات سلحسانه سازمانهای چریکی صورت میگرفت و بس از قیام بیمن در دوره فعالیتهای علنی، تاکتیک محسوری سازمانهای چپ نمایشات خیا با نسی نیروهای هواداری بود تا از این طریق توده ها به نیوستن به سازمانهای چپ تهییج شوند و آنگاه به خیل هواداران آنها بیوندند. واقعیت آنستکه در دیدگاه پوپولیستی یا توده ها دارای اشکال مبارزاتی خاص خود نیستند و با اینکه اگر این حرکات قابل انگار نباشد در این دیدگاه از ارزش و رسمیت مبارزاتی برخوردار نمیشدند. در حالی که واقعیت غیر از اینست زیرا که تضادهای طبقاتی در جامعه به لحاظ عینی عملکرد مشخص دارد و طبقه کارگر و سایر طبقات تحت ستم که زیر فشار بهره کشی و خودکامی سربمیرند در شرایط گوناگون بسته به سطح رشد تضادهای مزبور و به تناسب تسوازن قوای نیروهای طبقاتی دارای اشکال مبارزاتی مشخص هستند و در این میان هر چند آگاهی سوسیالیستی بطور خود بخود از این مبارزه زائیده نمیشود و تنها

# آفریقای جنوبی در بستر آتشفشان

رژیم نژاد پرست آپارتاید که بنیاد خود را بر بی حقی عمومی گذارده است، همچنان به روشهای عقب مانده حکومتی ادامه میدهد. بعد از سرکوب خونین کارگران در شارپ ویل در ۱۹۶۰ که آخرین مقاومت دلیرانه سیاهان در هم شکسته شد، دهسال طول کشید تا جنبش کارگری برضعفهای خود غلبه کرده و تهاجم تازه‌ای را علیه نظام "آپارتاید" سازمان دهد. پرولتاریای سیاه هربار که از طرف رژیم برده‌دار سرمایه‌داری، در خون خود فروغلطیده با تن ندادن به شکست، بذر مقاومت آینده را افشاند. جنبش نوین کارگری که با اعتصابات دوربان آغاز گردید، وبه دیگر شهرها نیز گسترش یافت، با "جنبش بیداری" دانش‌آموزان در شورشهای سوتر بهم آمیخت. "جنبش بیداری" با قتل عام‌های پلیس در سوتو سرانجام به شکست انجامید. اما جنبش وسیع توده‌ای، حکومت نژاد پرست را چند قدمی بعقب راند. رژیم آپارتاید، ناگزیر شد که وجود اتحادیه برای کارگران سیاه را برسمیت شناسد. این آغاز عقب نشینی بود. ولی نژاد پرستان، میخواستند که این برسمیت شناختن، حتی الامکان با کمترین ضرر انجام گیرد. بنا براین نه فقط موانع دست و پاگیری بوجود آوردند، بلکه حق اخراج کارگران اعتصابی، حتی در صورت قانونی بودن اعتصاب، وعدم پرداخت حقوق ایام اعتصاب، را برای خود، درسیستم حقوقی، تامین کردند. حکومت نژاد پرست که در گذشته، حداقل بر بی تفاوتی و سکوت کارگران سفید در حنایات بشمار خود علیه پرولتاریای سیاه حساب میکرد، در سالهای ۷۰ با دشواریهای اقتصادی و بحران مزمسن مواجه شد و دیگر نمیتوانست آنان را راضی نگهدارد و هر از گاهی ناآرامی در میان کارگران سفید نیز دیده میشد. از اینرو، بلا دادن امتیازاتی به خرده بورژوازی رنگین پوستان سعی کرد، اختلافی با این لایه علیه کارگران سیاه پوست در

درجه اول، و علیه کارگران سفید را در صورت احتمال بروز حادثه‌های، سازمان دهد. لیکن وجود چهار جوب ننگین آپارتاید، هرگونه انعطاف سیاسی را از این رژیم سلب میکند. تشکل اتحادیه‌ای، بعد از به رسمیت شناخته شدن، گامهای مهمی در تشکل طبقه کارگر برداشت و تعداد اعضای اتحادیه‌های به شیت رسیده از ۱۰۰ هزار در سال ۱۹۷۹ به ۴۰۰ هزار در ۱۹۸۴ رسید (هنوز همه اتحادیه‌ها قانوناً به شیت نرسیده‌اند)، و دو فدراسیون مهم کارگری که اینسک مبارزات اتحادیه‌ای و دمکراتیک کارگران را رهبری میکنند، طبق قراری که گذاشته‌اند، در سال ۱۹۸۵، در هم ادغام گردیده و کنفدراسیون واحدی بوجود خواهند آورد.

مبارزات کارگران معدن، در دهه‌های گذشته، اگرچه همواره مبارز جویانه و خشن بوده، اما بدلیل فقدان تشکل لازم، دور بودن از مراکز صنعتی، پراکندگی و اسکان اجباری در مناطق تعیین شده از طرف رژیم، و وجود یک سرکوب‌ها رو بیرحمانه، از مبارزه عمومی کارگران مراکز صنعتی فاصله داشت. اکنون فقط دو سال از تاسیس رسمی "اتحادیه ملی معدن کساران" میگذرد که توانسته است در این مدت کم، ۷۰ هزار از ۴۸۰ هزار معدن کار سیاه را در خود جمع کند. در ژوئن همین سال، اتحادیه برای افزایش دستمزدی بیشتر از ۱۱ درصد (سال گذشته، این افزایش، در پاره‌ای از رده‌های سفلی ۱۵/۷ درصد بود)، که با امتناع "اطاق معدن" مواجه شد، با کارفرمایان درگیری پیدا کرد و بعد از اقدامات قانونی، ۱۷ پست مبررا بعنوان روزا اعتصاب تعیین نمود، چرا که افزایش ۱۱ درصد، عوارض ناشی از خشکالی و تورم را نمیتواند. این نخستین اعتصاب قانونی کارگران معدن طلا، تعمیدی از آتش و خون را از سرگذراند. از آن بی‌بعد، شورشهای بی وقته‌ای سراسر کشور را فراگرفته است. بدنبال اعتصاب کارگران

معدن طلا، کارگران معدن ذغال سنگ نیز اقدام به اعتصاب کردند، که اعتصاب آنان از نظر رژیم نژاد پرست، قانونی نبود. صاحبان معدن که از پیشروی سریع اتحادیه ملی معدن کاران - NUM - نگران هستند، خواستند پیشرویهایی چشمگیر اتحادیه را در اعتصاب ژوشیه ۸۲، که دهها هزار کارگر معدن در آن شرکت کرده بودند مسدود کنند. از اینرو پلیس با همدستی کارفرمایان معدن، علیه کارگران معدن طلا در آلسبورگ - ALSBURG، در اطراف ژوهانسبورگ یورش برده و ۱۰ نفر از معدنچیان را بضرب باتون و گلوله‌های پلاستیکی بقتل رسانده و ۵۰۰ نفر را زخمی کرد. در مرکز استخراج دیگری در همان منطقه، بین پلیس و ۸۰۰۰ معدنچی، زدو خورد روی داد و پلیس به روی کارگران آتش گشود. ابعاد جنایات پلیس چنان بود که به روزنامه نگاران، اجازه ورود به محل داده نشد. درهارل بیس فونتن - HARL BEESFONTEIN نیز، کارفرمایان، ۱۰ هزار از ۱۲ هزار معدنچیان را که دست از کار کشیده بودند، اخراج کردند. بنا بود که NUM، با قبول پیشنهاد ۱۵ درصد افزایش، کارگران را دوباره به سر کار فراخواند. اما دو مرتبه با بروز درگیری در معدن وست‌اند، سه معدنچی دیگر توسط پلیس بقتل رسید و یکصد نفر زخمی گردیدند. این درگیریها که در قلب صنایع آفریقای جنوبی بوقوع پیوست، برقراردادهای تجاری طلا به شدت اثر گذارد و ضربات جدی بر آن وارد ساخت. کارفرمایان نژاد پرست میخواستند با این اقدامات خود، شاید ضربه‌ای نظیر ۱۹۴۶ بر معدنچیان وارد آورند. در آن زمان همزاران کارگر اعتصابی به خاک و خون کشیده شدند که نتیجه آن تضعیف جنبش اتحادیه‌ای بود که برحول "شورای اتحادیه‌های غیر اروپائی" حلقه زده بودند.

اما علیرغم یورش و ضربات

بقیه در صفحه ۲۱

## اعتصاب ۲۷ هزار کارگر ساختمانی ذوب آهن

که يك مهلت ۱۵ روزه به مد پريت داده شد كه موضوع با دولت مطرح شود . طرح مد پريت در باره استخدام كارگران مشخص نيست . آيا سابقه كار بحساب مي آيد يا نه ؟ آيا بعد از استخدام بايد به شهرهاي ديگر منتقل شوند يا نه ؟ جواب اين مسائل توسط كارگران از مد پريت خواسته شد و قرار شد كه جواب در تاريخ ۶۳/۹/۷ داده شود . كارگران تهديد كردند كه در صورت عدم دريافت پاسخ اقدام خود را ادامه خواهند داد .

توضيح : جوهر طرح تعاوني اخراج ۲۷۰۰۰ كارگر ساختماني تحت پوشش ايجاد كار در بيرون از كارخانه مي باشد كه مد پريت را از پرداخت حقوق و بازنشستگي به كارگران معاف خواهد كرد . اين در حالي است كه بخش اعظم كارگران ساختماني از شروع پيدايش ذوب آهن در اين كارخانه جواني و زندگي خود را صرف ساختن ذوب آهن نمود هاند .

ارسالي از نشرية " فولاد " نشرية وابسته به سازمان كارگران انقلابي ايران ( راه كارگر - اصفهان )

كارگران با تشكيل مجمع عمومي از ميان خود نماينده انتخاب نمودند و از شهيري مد پريت شركت خواستند كه در باره اين طرح توضيح دهد . در روز سه شنبه ۲۲ آبان مجمع عمومي تشكيل گرديد و نماينده كارگران از زحمات و تلاش هايي كه كارگران ساختمان در رابطه با ساختن ذوب آهن نمود هاند قدر داني نمود و از مد پريت ذوب آهن خواست كه در اين باره توضيح دهد . مد پريت در باره تاريخچه ذوب آهن و طرحهايي كه در باره كارگران ساختماني وجود داشته صحبت نمود . و سه طرح را عنوان نمود ( ۱۰ طرح تعاوني كردن كارگران ۲ ) فرستادن كارگران به پروژه هاي ديگر ( ۳ ) استخدام كارگران . و گفت كه من با طرح سوم موافقم . نماينده كارگران سخنان مد پريت را مبهم قلمداد كرد و خواستار شد كه كارگران در روضعت فعلي خود باشند و طرح توسعه ذوب آهن اجراء گردد . و از مد پريت خواست كه اطلاعات بيشتري از مقامات بالاتر در رابطه با اين مساله در اختيار كارگران قرار دهد .

در سال ۶۱ طرحي از طرف مد پريت بنام " تعاون كارگران " براي بخش ساختماني مطرح شد كه با مقاومت كارگران و درگيري در مقابل در اصلي فولاد شهر كه منجر به دستگيري بخشي از كارگران شده بود مواجه گشت . و نتيجه اين كه اين طرح با عقب نشيني مد پريت به تعويق افتاد . تا اين كه در آبان ۶۳ در بخش پاينگاه صنعتي ذوب آهن يكي از عوامل كارفرما طرح تعاوني كردن كارگران را دوباره مطرح ساخت كه بدون درنگ با اعتصاب حدود ۱۵۰۰ نفر از كارگران اين بخش مواجهه گشت . خبر اعتصاب كارگاه صنعتي فولاد به ساير بخشهاي ساختماني سرايت داده شد و ۲۷ هزار كارگر ساختماني در بخش هاي مختلف ذوب آهن دست از كيار كشيدند . اعتصاب از روز يكشنبه ۲۰ آبان تا سه شنبه ۲۲ آبان ادامه داشت . كه با حمايت كارگران ساختماني فولاد شهر و كارگران ساختماني ذوب آهن در مجتمع فولاد مباركه و بخش بهره برداري قسمت كوره بلند و كوك سازي برخوردار گشت .

## اخبار مبارزات كارگران و زحمتگسان

### يورش رژيم جنائيتكار فقها به كارگران ذوب آهن

رژيم جنائيتكار جمهوري اسلامي كه در برابر اراده متحد ۲۷ هزار كارگر رزمنده ذوب آهن و ادار به عقب نشيني گشته بود همزمان با پايان اعتصاب و بسراي خنثي نمودن دامنه تاثيرات گسترده اين حركت عظيم بر روحيه كارگران و ساير زحمتگسان دست به يورش وسيعي بر عليه كارگران رزمنده ذوب آهن زد . در طي اين يورش صدها نفر از كارگران ذوب آهن دستگير شدند . طراح اصلي اين سر كوب كميته ويژه اي است كه از سوي دولت و بنا شركت همه ارگانهاي رنگارنگ سر كوب فقها براي مقابله با اعتصاب شكوه مند كارگران بوجود آمده است . چند صد نفر از كارگران بعنوان " عاملين محرك اعتصاب " مورد شناسائي قرار گرفته و در فاصله كوتاهي دستگير شده اند . ارگانهاي سر كوب فقها كه در برابر حركت يكيارچه و بسري سابقه كارگران ذوب آهن كاملا غافلگير شده بودند اکنون با بكارگيري تاكتيك دستگيري وسيع و همزمان در پي تضعيف روحي كارگران و شناسائي سازمان دهندگان ان هستند .

نه تنها حقوق صنفی - اقتصادي را از ما خواهد گرفت بلکه حق زندگي را نيز از ما سلب خواهد كرد .

وظايف كارگران ذوب آهن

- ۱- تشكيل مجمع عمومي در روز تعيين شده
- ۲- مذاكره با مد پريت بايد علني و در مجمع عمومي صورت گيرد ( مثل مذاكره با مد پريت براي توضيح طرح تعاوني )
- ۳- آگاه كردن بخشهاي ديگر ذوب آهن مثل بهره برداري و اين كه امثال اين طرح فردا در انتظار شماست .
- ۴- انتخاب نمايندگان از بخش هاي مختلف ساختماني

خواسته هاي كارگران :

- ۱- لغو طرح تعاوني كردن كارگران
- ۲- استخدام رسمي مشروط به اينكه :  
الف - سابقه كار محسوب گردد  
ب - ما به التفاوت پرداخت گردد  
ج - طرح توسعه ذوب آهن اجراء گردد .

كارگران مبارز ذوب آهن تامين دستگامها ، كوره ها ، ماشين ها از با زوان پرتوان شما به حركت در مي آيد . شما در اين مبارزه چيزي جز زنجير اسارت را از دست نمي دهيد . متحد شويد . سازمان كارگران انقلابي ايران ( راه كارگر ) كميته اصفهان ۶۳/۸/۲۸ استقلال ، آزادي ، حكومت شورائي

### اعلاميه كميته اصفهان

به كارگران مبارز ذوب آهن !  
كارگران مبارز !

رژيم جمهوري اسلامي پس از انقلاب ۵۷ نه تنها خواسته هاي كارگران را اجراء ننموده بلکه به دست آورد هاي مبارزات كارگران در دوران انقلاب يكي پس از ديگري تعرض نمود . ما ست رژيم جمهوري اسلامي به اين هم اكتفا نكرد به دست آورد هاي مبارزاتي كارگران در دوران ستم شاهي نيز حمله نمود ما ست حذف نهار گرم بخشي از كارگران ذوب آهن در اين رابطه مي باشد . رژيم جمهوري اسلامي مدتي است كه كمر همت بسته است كه بحران اقتصادي را از جيب كارگران و زحمتگسان و بئع كارفرمايان و مد پريت سرمايه داران محترم حل نمايد . يكي از اقدامات رژيم طرح تعاوني كردن كارگران مي باشد كه با مبارزات قهرمانانه شما در سال ۶۱ به عقب نشست . اين طرح اولين و اخيرين تعرض به حقوق و مزايای شما نمي باشد . اگر امروز بخش ساختماني مورد تعرض قرار مي گيرد فردا نوبت بخش بهره برداري است . از اين رو براي جلوگیری از تعرض رژيم به حقوق كارگران مي بايست دركي روشن از وظايف و خواسته هاي خود داشته باشيم . بدون آگاهي و شكل رژيم جمهوري اسلامي

# پایان پیروزمندانه اعتصاب ۲۷۰۰۰ کارگر قهرمان ذوب آهن اصفهان

دلشاد این کارها موجب آبروری جمهوری اسلامی در انظار جهانیان است. در این هنگام کارگری اظهار داشت که چنانچه انتقال کارگران به پروژه هملی دیگر در میان بوده است چرا این برنامه بطور دقیق اعلام نشده و مشخص نشده است که چه تعداد از کارگران و به کدام پروژه ها منتقل خواهند شد؟ استنادار که در مجموع از موضع کاملاً تدافعی برخورد مینمود سعی داشت که بهر ترتیب به سه ساله فیصله دهد.

ابراز ندامت رژیم در تلویزیون اصفهان هر چند که بیانگر هراس آشکار رژیم فقها از ادامه اعتصاب کارگران ذوب آهن و گسترش آن به واحدهای دیگر که بطور مستمر در تب و تاب هستند میباشند و هر چند این عقب نشینی محیلاًنه بطور آشکار بیانگر ناتوانی رژیم شکنجه و سرکوب در سرکوب این اعتصاب لااقل در لحظه کنونی است اما در عین حال باید توجه داشت که استنادار در سخنرانی مزبور پاسخی اثباتی به درخواستهای مشخصی کارگران نداده است.

طی خیر واصله کارگران در تاریخ ۱۹ آذر مجدداً به سرکار خود برگشته اند اما بی تردید با توجه به هشجاری که کارگران در این اعتصاب و نیز در طی مذاکرات از خود نشان داده اند آنها پایان پیروزمندانه این اعتصاب را تنها تنفسی موقت برای تدارک مقاومت متشکل آینده خود در برابر ضد حمله رژیم ضد کارگری خمینی تلقی خواهند کرد.

اتوبوسها، قهوه خانه ها، در محلات، ادارات و غیره با تحسین و استقبال عمومی اقشار و طبقات مختلف برخورد ارگردد. رژیم فقهای حکومتی که هرگونه مقاومت متشکل و بطور خاص هرگونه اقدام متشکل کارگران بخصوص در واحدهای بزرگ تولیدی، کابوس رشد شتابان حرکت های کارگران و زحمتکشان را در برابر چشمان ناپاک و ترسناک آن مجسم میسازد، دیگر سکوت را جایز ندانست و سراسیمه به تگاپو افتاد. استنادار اصفهان در روز پنجشنبه ۱۰ صبح ۱۵ آذر طی یک نمایش تلویزیونی وحشت بی پایان رژیم فقها را در انظار عمومی نمایان ساخت. او که در محیط سر پوشیده ای که در آن ۱۵۰۰ کارگر را جمع کرده بودند سخن میگفت زبونه اظهار داشت: «بیچوجه قصد اخراج شما در بین نبوده است. شرکت های دیگری وجود دارند که شما با احتساب سابقه کار به آنجا منتقل خواهید شد. همه شایعات مبنی بر اخراج توسط ضد انقلاب پخش شده است. در ضمن سخنرانی استنادار، کارگری اجازه صحبت خواست اما استنادار با پرخاش به وی گفت: «تو دخالت نکن» و به اعتراض بعدی این کارگر واقعی نهاد استنادار در ادامه سخنانش اضافه کرد: «این عوامل شرق و غرب هستند که اینگونه شایعات را می پراکنند. صنایع سنگین و در میان آن ذوب آهن پای اصلی اقتصاد کشور است و با توقف آن مملکت لنگ خواهد شد و دشمنان

در آبان امسال ۲۷۰۰۰ کارگر ساختنی که در بخش های مختلف ذوب آهن مشغول کار هستند در اعتراض به طرح باصطلاح «تعاونی کارگران» که پوششی ریاکارانه برای اخراج کارگران است متحد و یکپارچه بپای خواستند اعتصاب آنان در مرحله اول بمدت سه روز از یکشنبه ۲۰ آبان تا سه شنبه ۲۲ آبان بطول انجامید. در مجمع عمومی کارگران در روز سه شنبه ۲۲ آبان که در آن نماینده مدیریت از طرف کارگران احضار شده بود تا درباره این طرح به کارگران توضیح دهد هر سه طرح مدیریت توسط کارگران قاطعانه رد گردید. کارگران در برابر طرحهای مدیریت طرح خود را که در آن خواهان ادامه وضع موجود و اجرای طرح توسعه ذوب آهن شده بودند عنوان کردند و سپس بمدت ۱۵ روز به مدیریت مهلت دادند که موضوع را با دولت مطرح کرده و به کارگران پاسخ دهد. پس از پایان مدت اولتیماتوم در ۷ آذر کارگران بطور جمعی و با اراده واحد اعتصاب پرشکوه خود را از سر گرفتند. خیر این اعتصاب بزرگ بسرعت توسط سراسری پخش گردید و حتی از مرزهای اختناق جمهوری اسلامی عبور کرد و در سطح بین المللی توسط خبرگزاریهای خارجی منعکس گردید. فضای عمومی شهر اصفهان بطور مشهودی تحت تاثیر این اعتصاب قهرمانانه قرار گرفت و در همه جا در کارخانجات مختلف، در تاکسی ها،

## اعتصاب سه روزه را نندگان مجتمع فولاد مبارکه

مدیریت مجتمع فولاد مبارکه، ماشینهای تریلری را که مخصوص آوردن بار از بندر عباس به مجتمع هستند به شخص سرمایه داری بنام «ایرانپور» واگذار مینماید. رانندگان تریلرها که در این هنگام در داخل مجتمع بودند، با اطلاع از این تصمیم مدیریت دست از کار کشید و تریلرها را در ترابری پارک مینماید و راننده هر ماشینی که از بندر می آید با اطلاع از مسأله فوق دست از کار میکشد. مدیریت که با مقاومت رانندگان مواجه میشود، آنها را در داخل مسجد جمع کرده و اظهار میدارد که تریلرهای یک کابین و ۲ کابین که تعدادشان به ۹۰ عدد می رسد را اختیار «ایرانپور» قرار گرفته است و «ایرانپور» های مجتمع را از بندر عباس می آورد و گریه خود شرادریافت کرده و ماهانه ۸ هزار تومان به حساب مجتمع واریز می کند و در ابتدا نیز ۱۰ میلیون تومان چک به مجتمع داده و در پایان کار ماشینها را سالم باید تحویل دهد و رانندگان می توانند استعفاد دهند و برای او کار کنند. رانندگان شدیداً مخالفت کرده و می گویند: «چه

تضمینی وجود دارد که «ایرانپور» برای همیشه بتواند برای ما کار ایجاد کند و ضمناً ما در اینجا کار می کردیم و سابقه کار داریم حال چگونه استعفا بدیم و از همه مزایا محروم شویم. شما همه ماشینها را به رانندگان بدید ۱۰ اگر «ایرانپور» هر ماه ۵ راه بار برای شما می آورد ما آراه می آوریم، اگر او ۸ هزار تومان میدهد ما ۱۰ هزار تومان میدهم. ولی مدیریت قبول نمیکند و رانندگان هم می گویند: «ما نمی گداریم ماشینها را از ترابری حرکت دهید تا وضعیت ما مشخص شود». وقتی مدیریت با مقاومت رانندگان روبرو میشود می گوید: «هرکس مایل است می تواند برای «ایرانپور» کار کند و در عوض حقوق خود را از مجتمع بگیرد و هرکس هم مایل نیست می تواند در داخل مجتمع روی کامیون کار کند». اکثریت رانندگان مشغول کار در داخل مجتمع شده، تعدادی استعفا میدهند و تعدادی هم برای «ایرانپور» کار می کنند. اما از آنجا که «ایرانپور» نمی تواند تعداد راننده مورد نیاز خود را برای ماشینها تامین نماید، بعد از ۳ روز اعتصاب، رانندگان به قسمتهای خود برمیگردند (از گزارشات ارسالی نشریه «فولاد» اصفهان وابسته به سازمان)

## اعتصاب سه ساعته در کارخانه گونی بافی

در کارخانه گونی بافی که در قائم شهر واقع شده است، مدت یکسال سهمیه برنج و پارچه کارگران که جزو کمکهای غیر نقدی محسوب میشود و نیز ۲ ماه حقوق کارگران پرداخت نمی شود. کارگران با مراجعه های بسیار به مسئولان کارخانه خواهان حقوق حقه خود می شوند. اما مدیریت کارخانه هر بار جواب سر بالا می دهد. سرانجام پس از چند بار تهدید کارگران به اعتصاب، در تاریخ ۲۰ شهریور ماه کارگران دست از کار می کشند و در حیاط کارخانه تحصن می کنند و اعلام می نمایند تا تضمین برای پرداخت حقوقشان نگیرند به سرکار نخواهند رفت. مدیریت به دست و پا می افتد و شروع به وعده دادن مینماید، اما نتیجه ای نمیگردد، تا اینکه استنادار مازندران و فرماندار قائم شهر در محل حاضر شده و با تهدید و وعده وعیده به کارگران، کارگران را به سر کار برمی گردانند. این تحصن و اعتصاب بمدت سه ساعت از ساعت ۸ تا ۱۱ صبح بطول می انجامد. (از گزارشات ارسالی نشریه «پیام سرخ» مازندران - وابسته به سازمان)



## اعتصاب پنجروزه کارگران شرکت سیما راه

### مبارزه کارگران PU-51

کارگاه PU-51 وابسته به ذوب آهن از جمله پیمانکاران مجتمع فولاد مبارکه میاشد. این کارگاه دارای ۱۵۰۰ نفر پرسنل می باشد که حدود ۱۰۰۰ نفر کارگران ساده آن در قسمتهای (قالب بندی، آرماتوربندی، مونتاژکاری، اسکلت فلزی، جوشکاری و بنائی و ۷۰۰) مشغول بکار هستند. در تاریخ ۹ مرداد ماه جرحیل ۱۵۰ تنی که در قسمت مونتاژ کاری اسکلت فلزی مشغول بکار بوده از وسط دو نیم شده و بر روی زمین پرتاب میشود. ۵ نفر از کارگران زخمی میشوند. این حادثه باعث میشود که فردای آن روز کارگران مونتاژ اسکلت فلزی که تعدادشان ۲۷۰ نفر می باشد با پیش کشیدن این حادثه و بی توجهی مسئولین کارگاه نسبت به ایمنی ماشین آلات و نیز طرح دیگر خواسته ها دست از کار بکشند. خواسته های کارگران شامل:

- ۱- افزایش دستمزد ۲- حقی سختی کار
- ۳- دریافت رفت و آمد ۴- تعویض وسایل و ماشین آلات کهنه با نوع جدید آن و چک امنیتی آنها ۵- دادن وسایل ایمنی.

کارگران خواسته های خود را بر روی کاغذ نوشته و همگی زیر آنرا امضاء نموده و جلوی کب های خود می نشینند. بعد از ظهر همان روز قسمت آرماتوربندی و بتون ریزی هم دست از کار می کشند و به حمایت از کارگران اسکلت فلزی طومار حاوی خواسته های ذکر شده را امضاء مینمایند. صبح روز ۱۱ مرداد کارگران همچنان سرکار حاضر نمیشوند و مطرح مینمایند تا به خواسته هایشان رسیدگی نشود به سرکار بر نخواهند گشت. مهندس مشیری رئیس قسمت PU-51 میان کارگران آمده و شروع به سخنرانی می کند. او با گفتن حرفهائی نظیر اینکه: "ما در جنگ هستیم و کوچکترین دست کشیدن از کارها جز ضربی به انقلاب است. کار دیگری از پیش نمی برد" و اینکه حرکت کارگران اعتصاب محسوب میشود، کارگران را تهدید مینماید. مهندس مشیری از کارگران می خواهد که سرکار خود برگردند و در غیر آن، انتظامات را برای فشار آوردن به کارگران در حالت خواهد داد. کارگران با بیان نمودن این نکته که ما اعتصاب نکرده بلکه همان خواسته ها را که شما مهلت میدادید اما قول داده بودید مطرح کرده ایم و عامل دست از کار کشیدن ما هم شما هستید، بمقابله برخاستند. رئیس قسمت که تهدید را کارساز نمی بیند، با نرمش شروع به صحبت کرده و ضمن دریافت خواسته های کارگران و دادن قول به آنها که خواسته هایشان را بهتران خواهد فرستاد، کارگران را دعوت به بازگشت به سرکار مینماید. کارگران با دادن مهلت یک هفته به رئیس قسمت سرکار برمی گردند.

(از گزارشات ارسالی نشریه "فولاد" - اصفهان - وابسته به سازمان)

داده میشود که بعد از ظهر برای بر گرداندن کارگران به خانه هایشان مراجعه نکنند. کارگران نیز با سرویسهای مجتمع و یا با سرویسهای دیگر شرکت به خانه هایشان برمیگردند. کارگران در تاریخ ۶ آبانماه اقدام به نوشتن یک شگایت نامه به وزارت کار زرین شهر نمودند و از این اداره می خواهند که به وضعیت آنها رسیدگی نماید. در تاریخ ۱۷ آبانماه نماینده ای از وزارت کار به شرکت آمده و کارگران را تشویق به بازگشت به سرکار می نماید و مسایلی نظیر جنگ را بهانه می آورد، و از کارگران می خواهد که خواسته های خود را مطرح نمایند. کارگران خواسته های خود را که شامل ۱- پرداخت ۲ ماه حقوق خود ۲- پرداخت حقوق چند روزی که دست از کار کشیدند ۳- پرداخت حقوق در نیمه اول هرماه ۴- دادن وسایل ایمنی کار ۵- دادن حق اولاد برای کارگران با سابقه، ارائه میدهند. نماینده وزارت کار پس از صحبت با رئیس شرکت مجدداً شروع به سخنرانی نمود و به کارگران اطلاع میدهد که با خواسته های آنها موافقت میشود و از فردا بسرکار برگردند. کارگران نیز بسرکار خود برمیگردند. (از گزارشات ارسالی نشریه "فولاد" - اصفهان - وابسته به سازمان)

### نیروگاه حرارتی اصفهان

در تاریخ ۲۲ شهریورماه، یکی از کارگران نیروگاه، هنگام عبور از ربنگهائی، بعلت حمل یک قطعه کابل، با نیروی انتظامات این شرکت درگیری پیدا میکند. تعداد زیادی از کارگران که این صحنه را دیدند، در محل نگهبانی جمع شده و به این مسأله اعتراض می کنند. یکی از افراد نیروی انتظامات با سرسختی زیاد اجازه خروج به کارگر مزبور نداده و مصرا می خواهد او را به "سپاه" ببرد، اما بدلیل واکنش کارگران، گلنگدن اسلحه اش را میکشد که تمامی کارگران او را "هو" می کنند. یکی از کارگران می گوید: "اگر مرد هستید که گفتگ بکشید، بروید هوا پیمای رپوده شد به عراق را بازگردانید" یکی دیگر می گوید: "کسی نمی تواند روی کارگران اسلحه بکشد، اینجا اوین نیست"، و کارگر دیگری می گوید: "ما کارگران هم در هستیم و پشتیبان یک یگریم و باید کارگر را آزاد کنیم". نگهبان مزبور علیرغم اینکه نه تنها از طرف کارگران بلکه از طرف همکاران خودش نیز منزوی شده بود مقاومت زیادی از خود نشان میداد، بالاخره کارگران در یک حرکت دسته جمعی و ضربتی، نگهبان را همل داده و کارگر مزبور را به خارج از نیروگاه می برند.

(از گزارشات ارسالی از نشریه "فولاد" - اصفهان - وابسته به سازمان)

شرکت سیما راه از جمله شرکت های پیمانکاری مجتمع فولاد مبارکه می باشد. این شرکت دارای ۱۵۰۰ نفر پرسنل بوده که ۱۴۰۰ نفر آنرا، کارگران تشکیل میدهند که در قسمتهای آرماتوربندی، قالب بندی، بتن ریزی مشغول بکار هستند. کار این شرکت ساختن پروژه منبع حرارتی مجتمع فولاد مبارکه بوده و میزان قرارداد این شرکت با مجتمع ۷۰ میلیون تومان است. از ۲۰ مهرماه بعلت عدم پرداخت حقوق ماهیانه شهریورماه، در میان کارگران مسأله مطرح شده و بتدریج بصورت اعتراض فردی خود را نشان میدهند. کارگران با شنیدن این جمله از مسئولین شرکت که: "صورت حساب این ماه امضاء نشده و هر موقع امضاء شد پرداخت خواهیم کرد" و با گذشت مدت نسبتاً طولانی، سرانجام در تاریخ ۲۲ آبانماه، کلیه کارگران دست از کار کشیدند و جلوی ساختمان اداری شرکت جمع می شوند و خواهان پرداخت حقوق ماهیانه خود میشوند. در ساعت ۱۰ صبح، رئیس شرکت "عاملی" کارگران را جمع نموده و از نارسائیه و مشکلات سخن می گوید و طبق معمول به کارگران می گوید: "پس از گرفتن پول از مجتمع حقوق را پرداخت خواهیم نمود". کارگران جواب میدهند: "این حرفها برای ما تازگی نداشته و حالانیز بعد از یکماه است که ما را با این حرفها سرگردان نموده اید". کارگران به حرفهای رئیس شرکت گوش نداده و متفرق میشوند. در تاریخ ۲۳ آبان کارگران دست از کار می کشند و رئیس کارگاه شرکت سخنرانی نموده و به کارگران میگوید که از مجتمع پول نمیدهند و رئیس شرکت به تهران رفته تا پول دریافت نماید و از کارگران می خواهد که به سرکار خود برگردند. کارگران توجهی به حرفهای او نکرده و می گویند: "هر وقت حقوقمان را گرفتیم کار خواهیم کرد". رئیس کارگاه که مقاومت کارگران را می بیند، تهدید نموده و می گوید: "کاری نکنید که انتظامات مجتمع را در این کار در حالت بد هم" و سپس به نرمی سخنرانی را ادامه میدهد ولی زمانیکه از سخنرانی خود نتیجه نمی گیرد، میگوید تا فردا به شما مهلت میدهم که دست از این کارها بکشید و بکار خود مشغول شوید. فردای آن روز از طرف انتظامات مجتمع و به همراه رئیس انتظامات "لشکری" که یک فرد ارتشی بازنشسته است به محل تجمع کارگران آمده و "لشکری" می گوید: "در این زمان دست کشیدن از کار یعنی مخالفت نمودن با رژیم جمهوری اسلامی. شما در ساختن پروژه های هستید که در آینده مملکت سهم بسزائی دارد". کارگران همچنان از رفتن به سرکار خودداری مینمایند. کارگران در روز ۵ آبانماه بسرکار نمی روند. در این روز از طرف شرکت به سرویس مینی بوسها دستور



## پیروزی اعتصاب کارگران "پارس متال"

### اعتصاب در کارخانه اکریل تاب

کارخانه اکریل تاب در شهرستان بهشهر قرار دارد. حدود ۶۰ تن از کارگران مرد و زن کارخانه اکریل تاب بهشهر که خواهان طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش حقوق و پرداخت پول لباس بودند، بعد از مدت‌ها که از تقاضاهای و مراجعات مکرر خود به مدیریت نتیجه‌ای نگرفتند، در تاریخ ۶۳/۸/۹ بمدت ۳ ساعت دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه تحصن می‌نمایند. مدیریت کوشید با وعده و وعید آنها را به سرکار برگرداند. کارگران که بارها وعده‌های پوچ مدیریت را تجربه کرده بودند از رفتن به سرکار اجتناب کرده و خواهان تضمین برای دریافت خواسته‌های خود شدند. پس از مدتی فرماندار بهشهر و فرمانده گروهان ژاندارمری در محل کارخانه حاضر می‌شدند تا با صحبت با کارگران می‌پزیرند که مسایل کارگران در هفته بعد در مجمع عمومی کارگران مورد بررسی قرار گیرد. کارگران با این تضمین و با پافشاری بر روی خواسته‌های خود حاضر شدند تا تشکیل مجمع عمومی به سرکار برگردند.

ساعت روز سه شنبه مجدداً به سرکار برمیگردند. در روز چهارشنبه مدیریت کارخانه به تکلیف افتاده و به کارگران قول می‌دهد که در روز شنبه حق افزایش تولید را پرداخت خواهد نمود. کارگران اعلام می‌نمایند که در صورت عدم پرداخت پاداش از روز شنبه ۲۸ مهرماه به اعتصاب درازمدت و عمومی دست خواهند زد و تمام تولید را خواهند خواباند. اول وقت روز شنبه، مدیریت کارخانه شروع به پرداخت پاداش تمام کارگران می‌نماید. طبق اظهار نظر کارگران علت اصلی پرداخت پاداش در عرض چند روز، بدلیل جو حاکم بر سایر قسمتهای کارخانه بوده که خود را برای پیوستن به کارگران اعتصابی قسمت تولید آماده می‌نمودند. پیروزی اعتصاب باعث تقویت روحی کارگران گشته و بحثهای بسیاری در رابطه با موفقیت اعتصاب در میان کارگران بوجود می‌آید که همگی این پیروزی را حاصل حرکت یکپارچه و متحدانه کارگران میدانند.

(به نقل از "زندگی نوین" (۹) - ارگان هواداران سازمان - شرق تهران)

در تاریخ دوشنبه ۲۳ مهرماه، کارگران شیفت بعد از ظهر قسمت تولید کارخانه "پارس متال" در اعتراض به عدم پرداخت پاداش افزایش تولید و شیفت بعد از ظهر یکساعت در مقابل دفتر مدیریت تجمع کرده و خواستار پرداخت پاداش میگردند. کارگران که از قبل بمدت اعتصاب را یکساعت تعیین کرده بودند، پس از این مدت، بدون گرفتن نتیجه به سرکار خود بازگشتند. تا روز بعد همین شیوه اعتصاب را ادامه دهند. کارگران شیفت صبح، روز بعد بمدت یکساعت دست از کار می‌کشند و به حمایت از کارگران شیفت بعد از ظهر می‌پردازند. مهندس شیفت بعد از ظهر دست به تهدید کارگران می‌زند که در مقابل، کارگران یکپارچه‌اوارا هونموده و اعلام می‌کنند تا تحقق خواست خود به اعتصاب یکساعته ادامه خواهند داد. مهندس تهدیدکنان میگوید: "بجای پاداش، چدن به شما خواهیم داد"، کارگران مجدداً با هو کردن مهندس می‌گویند: "بجای چدن، پول بگیریم". کارگران بعد از اعتصاب یک

## تجمع کارگران و سرپرستان برای گرفتن حقوق

### کارگران افزایش تولید را نمی‌پذیرند

کارخانه کالری سازنده وسایلی حرارتی خانگی با حدود ۴۰ نفر کارگر در ابتدای جاده ابعلی قرار دارد. در اوایل مهرماه با شروع فصل سرما و رونق بازار بخاری، صاحبان کارخانه به فکر افزایش تولید بخاری افتادند. تولید متوسط روزانه این کارخانه با احتساب اضافه کاری حدود ۱۱۱ الی ۱۲۰ بخاریست. مدیریت کارخانه در جمع کارگران اعلام می‌کند اگر تولید روزانه را به ۲۰۰ دستگاه بخاری در روز برسانند، روزی ۳۵ تومان به دستمزدهای آن افزوده می‌گردد، اما این اضافه دستمزد در لیست دستمزدها منظور نمی‌گردد. کارگران لحظهای دچار تردید می‌شوند، ولی بالاخره یکی از کارگران که پی‌در پی حيله مدیریت برده بود سؤال میکند که آیا منظور مدیریت آن است که پرداخت این ۳۵ تومان تا زمانی است که به اضافه تولید احتیاج است و با پایان فصل سرما، افزایش تولید بخاری قطع میگردد؟ مدیریت پاسخ مثبت می‌دهد. کارگر مزبور می‌گوید ما با این شرایط حاضر به افزایش تولید نیستیم، اما در صورتیکه ۵۰٪ دستمزد رسماً به لیست حقوق اضافه شود تولید را به همان حد نصاب خواهیم رساند. مدیریت این پیشنهاد را نمی‌پذیرد و بهانه‌اش هم این است که نمی‌خواهد در افزایش دستمزد "بدعت گذار" باشد. کارگران پاسخ قطعی در مورد پذیرش یا عدم پذیرش پیشنهاد مدیریت را به بعد موکول می‌-

از سرپرستان می‌گوید: "خواست ما بر حق است و غیر قانونی نیست. همگی کار کردیم و خواهان حقوق کارکرد خودمان هستیم و این خواست ما را شما نمی‌توانید اعتصاب بنا کنید. اعتصاب موقعی است که کارگران بخواهند خساراتی را برای شرکت بالا آورده و یا اینکه کمک کاری نمایند. یکی از کارگران مساله افزایش دستمزد را پیش می‌کشد و ادامه می‌دهد که ۴ ساعت اضافه کاری روز پنجشنبه کارگران را هم می‌خورید و اضافه کاری را پرداخت نمی‌نمائید. مهندس مزبور عصبانی شده و می‌گوید: تا یکماه دیگر کارهایمان تمام میشود و احتیاجی به شما نداریم و احتیاجی هم نیست که حقوقتان را زیاد کنیم، اگر با همین حقوق می‌توانید کار کنید، بکنید، اگر نمی‌توانید تسویه حساب نمائید. مهندس مزبور که می‌بیند کسی به حرفهایش توجهی نمی‌کند به داخل اتاق می‌رود. یکی دیگر از مهندسان سخنرانی نموده و از کارگران می‌خواهد که تا روز یکشنبه بانها (شرکت) فرصت بدهند و سپس نامه‌ای را که در آن تقاضای پول از مجتمع شده بود، می‌خواند و از کارگران می‌خواهد که به سرکار خود بروند. کارگران هم به مهندس مزبور می‌گویند که به قول خود عمل نمائید و در غیر این صورت دوباره دست از کار خواهند کشید. (از گزارشات ارسالی نشریه "فولاد" اصفهان و ابسته به سازمان)

شرکت "پی فوند" یکی از شرکتهای وابسته به مجتمع فولاد مبارکه است. در تاریخ ۶۳/۸/۱۶ ساعت ۷ صبح، کارگران پس از پیاده شدن از سرویسهای کارگران بخاطر عدم دریافت حقوق ماهیانه مهرماه خود به سرکار نرفته و جلوی ساختمان اداری شرکت تجمع می‌نمایند. همسرا کارگران سرپرستان قسمتهای قالب بندی، بتون ریزی و آرماتوربندی نیز تجمع می‌نمایند. یکی از مهندسان شرکت از سرپرستانهای قسمتها می‌خواهد که کارگران را به سرکار برگردانند ولی سرپرستانها با اعلام این مساله که باید حقوقها پرداخت شود از بازگشت سرکار خودداری می‌کنند. مهندس مزبور می‌گوید: "ما از مجتمع فولاد پولی دریافت نمودیم تا حقوق پرداخت نمائیم و هر موقع که پول تحویل گرفتیم حقوق را پرداخت خواهیم کرد". یکی از سرپرستان می‌گوید: "ما گذشته که حقوقمان را ۲۸ روز دیر پرداخت کردید. کارگران اکثر پولشان تمام شده بود و مجبور به قرض کردن شدند. سرپرست دیگری می‌گوید: "حال که مدتهاست اینجا کار می‌کنیم حق اولاد را نمی‌دهید و اینکه حقوق مان را بموقع پرداخت نمی‌نمائید، چگونه انتظار کار دارید. مهندس مزبور در مقابل ایستادگی و مقاومت کارگران و سرپرستانها شروع به تهدید نموده و می‌گوید: "مقرر اصلی شما سرپرستانها هستید که کارگران را به اعتصاب واداشته‌اید. یکی

دنباله از صفحه قبل

## انتخاب نماینده در کارخانه البرز

مرتبه اداری است و اینکار از عهده زنها بر نمی آید، تلاش در جهت جلوگیری از کاندیدا شدن آنها بعمل آورند و سرانجام شورا مطرح میکند کسانی که کمتر از ۴ سال سابقه کار دارند حق کاندیدا شدن ندارند و به این ترتیب این ۲ کارگر زن از کاندیدا توری حذف شدند. در روز یکشنبه يك انتخابات فرمایشی صورت می گیرد. برای اینکه کارگران مجبور شوند که رای بدهند اسامی افراد به همراه شماره کارت انتخاباتی شان یادداشت میشود تا رای آنها مشخص شود. این حيله شورا برای جلوگیری از عدم شرکت کارگران در انتخابات فرمایشی انجام میگیرد، اما با تمام این حيله ها عده زیادی از کارگران در انتخابات شرکت نکردند و عده ای هم شماره کارشان را خط زدند. بعد از انتخابات فرمایشی برای کارگران روشن شد که یکی از انتخاب شدگان فقط ۲ سال سابقه کار دارد. وقتی کارگران به خاطر این مساله به شورا اعتراض مینمایند، شورا میگوید ما اطلاع نداشتیم!! (به نقل از "اتحاد سرخ" (۲) - مهر ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - تهران)

کارخانه البرز تولید کننده کلید و پرینز و لوازم الکتریکی با حدود ۶۰۰ کارگر مرد و زن در ابتدای جاده قم قرار دارد. از قبل، روز ۲۵ شهریورماه برای انتخاب نمایندگان کارگران در طرح طبقه بندی مشاغل اعلام شده بود. انجمن اسلامی کارخانه تبلیغات زیادی راه انداخت تا کارگران در انتخابات شرکت کنند. چهار کاندیدا از طرف شورای اسلامی کارخانه معرفی شدند که کارگران میبایست از میان آنها ۲ نفر را بعنوان نمایندگان خود انتخاب کنند. کارگران از میان خود ۲ نفر کارگر زن از قسمت مونتاژ را کاندیدا می نمایند. اما شورای اسلامی کارخانه بنا به مخالفت کرده و شروع به سمپاشی علیه آنها در میان کارگران مینماید، زیرا شورا میدانست که این ۲ نفر نماینده واقعی کارگران هستند و در صورت انتخاب شدن از منافع کارگران دفاع خواهند کرد. اعضای انجمن اسلامی مرتب در بین کارگران بر علیه این ۲ نفر تبلیغ کرده و با عنوان اینکه این ۲ نفر جدید هستند و برای قدیمیها کار نخواهند کرد، اینکسه اسلامی نیستند، و اینکه اینها زن هستند و اجرای طرح طبقه بندی نیازمند مراجعه

کنند. پس از آن کارگران در جمعهای مختلف به بحث پیرامون پیشنهاد مذکور پرداخته و کارگران آگاهتر برای بقیه روشن می کنند که با توجه به اینکه الف - تولید ۲۰۰ دستگاه بخاری نیازمند روزانه ۱۶ الی ۷ ساعت اضافه کاریست که موجب فرسودگی شدید کارگران شده و ۳۵ تومان بهیچوجه نمی تواند انرا بیوشاند، ب - موقتی بودن پرداخت و غیر رسمی بودن آن این اجازه را به مدیریت میدهد که هر وقت دلش خواست انرا قطع نماید. ج - این پرداخت شامل حال کارگران و کارکنانی که مستقیماً در تولید شرکت ندارند، نمی شود، با این نتیجه می رسند که این طرح کاملاً بضرر آنها میباشد و تصمیم به رد آن میگیرند مگر آنکه دستمزدها به میزان ۵۰٪ افزایش یابد و ساعات اضافه کاری لازم برای افزایش تولید نیز با همین مبنا محاسبه و پرداخت گردد. چون مدیریت پیشنهاد متقابل کارگران را نپذیرفت و کارگران نیز با هوشیاری زیر بار نیرنگ مدیریت نرفتند قضیه به این ترتیب خاتمه یافت و کار به روال سابق ادامه دارد. (۳) - آبان ۶۳ (ارگان هواداران سازمان - تهران)

## اعتراض کارگران روز مزد "مجمع فولاد مبارکه"

دسته ۴۵۰۰ ریال، خواروبار برای گروه اول ۸۰۰ ریال و دوم ۴۰۰ ریال که مجموع آن به زحمت بمقدار حقوقی میرسد که کارگران روز مزد قبل از بستن قرارداد می گرفتند. و تنها در این میان، مرخصی ماهیانه و حقوق روزهای تعطیل رسمی به کارگران تعلق میگیرد. کارگران همچنان از وضع موجود ناراضی هستند و دریافته اند که در صورت اتحاد و فشار آوردن بر رژیم، می توانند حداقل بخشی از حقوق حقه خود را مطالبه نمایند. (به نقل از نشریه "فولاد" (۸) - هرداد ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - اصفهان)

بعد از شکایت اخیر کارگران روزمزد مجمع به اداره کار و بستن قرارداد ۸۹ روزه مجمع با آنان، بدلیل آنکه حقوق ثابت آنان ۶۷۵ ریال تعیین شده بود و مزایای متعلق به کارگران نیز نامشخص بود استعفای دسته جمعی و انفرادی کارگران از بخشهای مختلف مجمع بخصوص بخش "امانی" شدت گرفت. مسئولین مجمع که با کمبود کارگر ساده و ماهر روبرو شده بودند، طبق اطلاعاتی از حقوق ثابت کارگران را ۹۴۰ ریال و مزایای آنان را به این شرح اعلام نمودند: حق مسکن برای ماهلین ۳۰۰۰ ریال و برای افراد مجرد ۲۰۰۰ ریال. هزینه غذا برای هر دو

## مخالفت کارگران با طرح

## "سرگروهی" مدیریت

روزشنبه ۸ آبانماه، مجمع عمومی کارگران قسمت ریختهگری "ماشین سازی اراک" توسط مدیریت کارخانه (ابراهیمی) ترتیب داده میشود. در این مجمع، مدیریت کارخانه در ابتدای سخنرانی خود به نیروهای سیاسی حمله نموده و سپس شروع به گلایه کردن از کارگران می نماید. مدیریت از کارگران می خواهد که با طرح "سرگروهی" که قبلاً مطرح شده بود و با عکس العمل مخالف کارگران روبرو شده بود - حمایت نموده و از این طرح بعنوان يك طرح سیستم شناخته شده مدیریت که در سطح دنیا اعمال میشود، مخالفت نکنند!! "ابراهیمی" مطرح مینماید که سطح تولیدات نسبت به ماههای قبل، خیلی افت داشته و علت آنرا در ماههای قبل کمبود امکانات و مواد اولیه کارخانه ذکر میکند. او اظهار میدارد که کاهش کنونی تولیدات دیگر بدلیل موارد ذکر شده نمی باشد! او اظهار میدارد که میزان ضرر دهی و پرداخت دستمزدها نسبت به درآمد کارخانه در صد بالائی را در برمیگیرد! و خواهان افزایش تولید میشود. هنوز صحبتهای "ابراهیمی" تمام نشده بود که زمزمه مخالفت با طرح "سرگروهی" در میان کارگران بالا میگیرد. یکی از کارگران به "ابراهیمی" میگوید: "اگر با استدلال و مدارک ثابت کنیم که طرح سرگروهی به نفع ما نیست و فقط نیروی انسانی کارخانه را

## سرا نجام اختلاف بین مدیریت و انجمن اسلامی "بنزخا ور"

در این کارخانه بعد از مدتی کشمکش بین مدیریت و انجمن اسلامی، مدیریت کارخانه تعداد ۴ نفر از اعضای مرکزی انجمن اسلامی را اخراج می نماید. لازم به یادآوری است که افراد انجمن عمدتاً همان افراد شورای اسلامی می باشند که نزدیک به ۲ سال پیش از طرف مدیریت منحل گردید، شورا و انجمن اسلامی در این کارخانه بعد از ۳۰ خرداد ۶۰ با از بین بردن شورای واقعی کارگران و شلاق زدن یکی از اعضای اصلی آن بنام "کازرانی" در مقابل کارگران، قدرت را در کارخانه بدست می آورد ولی با تعیین مدیر از

به هزر میرد، قبول می کنید که چنین طرحی عملی نشود؟" مدیریت ضمن جواب منفی با اصرار میگوید "این طرح به منظور فشار بر کارگران نیست بلکه جهت تقسیم کار و مسئولیت باید عملی شود". کارگر میگوید: "طرح سرگروهی يك طرح طاغوتی است، و ما با تجمع کردن در سال ۵۸ توانستیم طرح فوق را منحل کنیم". کارگر دیگری گفت: "اولاً این طرح يك طرح ظالمانه است و ثانیاً اگر چند کارگر روز جمعه کار کنند باید چندین نفر کنترل مرغوبیت و سرگروه و سرشیفت و غیره باید بیایند و مراقب کارانان شوند، آن وقت شما میگوئید کارخانه ضرر میدهد، خوب جلوی همین کارهای زاید را بگیرید". (از گزارشات ارسالی نشریه "فولاد" اصفهان وابسته به سازمان)

سرا نجام اختلاف ...

طرف دولت این قدرت بدرج محدود گردید تا اینکه بالاخره انجمن اسلامی با اخراج اعضاء اصلی اش عملاً منحل گردید .

در تاریخ ۱۸ مهرماه ۶۳ خبر اخراج تعدادی از مرکزیت انجمنی ها از طرف کارگران انجمنی بین کارگران پخش گردید . آنها با پخش این خبر سعی در بسیج کارگران علیه مدیریت داشتند . این خبر سریعاً بین کارگران منتشر گردید و کارگران در جمعهای خود در این مورد به بحث و گفتگو پرداختند . محور عمده این صحبتها در بیان کارگران برای پشتیبانی از انجمنی ها و یا عدم حمایت از آنها بود . کارگران می گفتند : " اینها ( انجمنی ها ) سبب شدند که شورای واقعی ما از بین برود ، اینها مسبب آن شدند که نماینده واقعی ما را در جلوی چشممان شلاق بزنند . حالا اینها دارند سزای اعمال خود را می بینند . اما عده دیگری از کارگران معتقد بودند که نوبت اینها و نه مدیریت هیچکدام برای ماکاری انجام ندادند پس دلیلی ندارد که ما از آنها حمایت کنیم " و عده کمی از کارگران که افراد ساده انجمنی بودند می گفتند : " درست است که انجمنی ها خوب نیستند ولی در مقابل مدیریت باید از آنها حمایت کرد زیرا در صورت نبود انجمن آنها ( مدیریت ) ما را خورده خواهند کرد " .

در حدود ساعت ۱۰ صبح اطلاعیه ای از طرف انجمن اسلامی به دیوارهای کارخانه نصب میگردد که در آن در ارتباط با اخراج انجمنی ها به مدیریت حمله نموده و از او خواسته شده بود که با اظهار پشیمانی افراد انجمنی را بازگرداند ، نتیجه تمام فعالیت انجمنی ها در آن روز این بود که تعداد کمی از کارگران برای نماز مسجد رفتند ، و چون اکثریت قریب با اتفاق کارگران از انجمنی ها حمایت نکردند نماز یا سخنرانی پیش نماز در حمایت از انجمنیها به پایان رسید .

در همان روز و روزهای بعد چند ماشین کمیته در مقابل کارخانه مستقر شده و عده زیادی از عناصر سپاه و کمیته با لباس شخصی حول و حوش کارخانه مراقب اوضاع بودند . در روز شنبه افراد اخراجی سعی می کنند که با ماشین پیش نماز مسجد به داخل کارخانه بیایند که نگهبانسی از ورود آنها جلوگیری می کند و این مسأله سبب زد و خورد پیش نماز با یکی از نگهبان ها میگردد . در همین موقع یکی از اعضاء مدیریت در درگیری دخالت می کند که از طرف انجمنی ها کتک می خورد ، و بدنبال آن افراد کمیته دخالت کرده و شروع به تیراندازی هوائی می کنند ، که سرانجام پس از دستگیری انجمنی های اخراجی ، درگی به پایان میرسد . کارگران با صدای تیسر اندازی از ماجرا مطلع میشوند ، و با گفتن این جمله که بین انجمنی ها با مدیریت زد و خورد شده است ، از هیچکدام حمایت نکردند .

( از گزارشات ارسالی نشریه " پیک کارگران " وابسته به سازمان ۶۳/۸/۳ )

## اعتراض کارگران به اخراج درکارخانه زمینکو

کارگران کارخانه زمینکو که چندی پیش برای خواستهای صنفی نظیر حقوق ایاب و ذهاب ، سرویس حمام و یخچال و غیره دست به اعتراضاتی زده و به نیمی از خواستهای خود دست یافته بودند . در تاریخ ۱۴ شهریورماه مواجه با اخراج ۲ تن از کارگران پیشرو بدستور مدیریت میشوند . کارگران مذکور در روز قبل به سخنان سرپرست کارگاه در رابطه با ضرورت افزایش تولید اعتراض نموده و به دفاع از منافع تمامی کارگران برخاسته بودند . کارگران با اطلاع از اخراج این کارگران ، متحداً برای حمایت از آنها تجمع کرده و تصمیم میگیرند تا وضعیت ۲ کارگر مزبور مشخص نشود ، بسر کار برنگردند . هیئت مدیره برای جلوگیری از کشیده شدن دیگر کارگران به این حرکت ابتدا از کارگران قسمت مونتاژ می خواهد که در سالن غذاخوری تجمع کنند تا یکی از اعضاء هیئت مدیره با آنها صحبت کند . سایر کارگران قسمت های دیگر نیز خواهان تجمع در سالن غذاخوری میشوند که با مخالفت یکی از سرپرستها مواجه می شوند . کارگران در سالن نمایشات تجمع کرده و همچنان از شروع به کار خودداری می کنند . صاحب کارخانه که از این جریان مطلع میشود ، در جمع کارگران حاضر شده و می پرسد چرا به سرکار نمی روید . یکی از کارگران می گوید " دلیل آنکه ۲ نفر از ما را اخراج کردید " . صاحب کارخانه با لحن تهدید آمیزی میگوید اخراج این ۲ نفر ربطی بشما ندارد . کارگران جویای علت اخراج میشوند که صاحب کارخانه

## اعتراض کارگران به عدم پرداخت حقوق

در کارخانه جیت سازی ( بهشهر ) ، حقوق اضافه کاری کارگران قسمت بافندگی بعد از چند ماه به تعویق می افتد . مدیریت کارخانه در مقابل اعتراض و مراجعات مکرر کارگران با وعده و وعید و یا به بهانه اینکه بودجه لازم را ندارند و یا اینکه جنگ است ، از پرداخت آن سر باز میزنند . کارگران برای دست یافتن به حقوق خود از ۲۵ شهریور دست به کمکاری زدند و مدیریت نیز تهدید می نماید که کارگران محرك را اخراج خواهد کرد و انجمن اسلامی کارخانه نیز شروع به " تجسس " می نماید تا " عوامل محرك " را شناسائی کنند . با ادامه کمکاری ، کارگران در تاریخ ۳۰ شهریورماه بطور جمعی به دفتر مدیریت مراجعه کرده و تقاضای خود را یکبار دیگر تکرار می کنند . اما مدیریت باز هم بهانه آورده و کارگران را تهدید به اخراج می نماید و سرانجام نیز چند نفر از کارگران را اخراج می نماید .

( از گزارشات ارسالی نشریه " پیام سرخ " مازندران - وابسته به سازمان )

علت آنرا بدروغ کمکاری ، توهین به سرپرست و رفتار و اخلاق بد ذکر می کند ، در حالیکه همه کارگران مطلع شده بودند که اخراج آنها بخاطر اعتراض به افزایش تولید بوده است . ۱۲ نفر از کارگران بعنوان اعتراض به اخراج ۲ کارگر مزبور تصمیم به استعفاء میگیرند . روز چهارشنبه تمام کارخانه تعطیل شده و سایر کارگران قسمتهای دیگر نیز دست از کار می کشند . روز شنبه میان کارگران بحث حول استعفاء دسته جمعی یا بازگشت بسرکار بحث در میگیرند . ۱۲ نفری که قبلاً مصمم به ترک کارشان در اعتراض به این اخراجها بودند ، از استعفاءی دسته جمعی حمایت کرده و از کارفرما می خواهند تسویه حساب نمایند . کارفرما که وضع را چنین می بیند ، به این عده از کارگران التیامتوم میدهد که اگر به چنین اقدامی دست زنند طبق قانون اساسی و قانون کار عملشان حکم اعتصاب و اخلال داشته و اگر بسر کار برنگردند ، سپاه را خبر خواهد کرد . ۱۲ کارگر فوق تصمیم میگیرند هرروز ۲ تا ۳ نفرشان استعفاء دهند ، بقیه کارگران نیز به سرکار برمیگردند . یک هفته بعد هیئت مدیره کارخانه کارگران را جمع کرده و وعده اضافه کردن مبلغ ناچیزی به حقوق روزانه و اضافه کردن حق خواروبار و مسکن و نیز وعده دادن ماشین لباسشویی را در هر هفته به یکی از کارگران قدیمی و متاهل را میدهد .

( به نقل از نشریه " کارگر " ( ۱۲ ) - مهر ۶۳ - شیراز - وابسته به سازمان )

## کلاسهای اجباری آموزش قرآن در مجتمع فولاد مبارکه

از حدود اوایل تیرماه بدستور مهندس غرقانیان ، مجری طرح مجتمع فولاد مبارکه ، کلاسهای اجباری آموزش قرآن هر روز صبح بعد از یکساعت برای قسمتهای مختلف کارکنان این مجتمع برگزار میشود . این جلسات که شرکت در آن برای کارکنان اجباری است ، در جلسات اول با عدم استقبال کارکنان مواجه شد . روابط عمومی تهدید کرد که لیست کسانی که در جلسات شرکت نکنند تهیه خواهد شد . این تهدید چندان موثر واقع نشد ، بعنوان مثال از قسمت معاونت مهندسی مجتمع که در حدود ۴۰۰ پرسنل دارد بطور متوسط هر هفته حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر در این جلسات شرکت می کنند .

( از گزارشات ارسالی نشریه " فولاد " - اصفهان - وابسته به سازمان )

## گزارش از کارخانه "سایپا"

## اخبار کوتاه

جنرال پلاستیک: کارگران این کارخانه برای تحقق خواسته‌های خود: ۱- کاهش ساعات کار از ۴۸ ساعت به ۴۴ ساعت در هفته ۲- لغو اضافه کاری اجباری، ۳- پذیرش نماینده کارگران از طرف مدیریت بیک اعتصاب سه روزه دست می‌زنند. کارفرمای کارخانه پس از ۳ روز با خواسته‌های کارگران موافقت می‌کند.

کارخانه شیشه نشکن:

این کارخانه در عظیمه کرج واقع شده و حدود ۳۰۰ کارگر دارد و تولید شیشه ماشین می‌باشد. بدنیال صحبت‌هایی که شده بود، جلسای با حضور نماینده مدیریت، اداره کار و کارگران تشکیل شد. در این جلسه ۲ نفر از کارگران از طرف مدیریت و اداره کار به عنوان نماینده برای گرفتن حق اضافه تولید معرفی شدند که با مخالفت و اعتراض شدید کارگران روبه‌رو شدند و کارگران به طرفداری از نمایندگان انتخابی خود شعار دادند. کارگران بالاخره موفق شدند ۲ نفر را به نمایندگی خود برگزینند.

ایران ابزار: بعد از اخراج دسته جمعی کارگران به بهانه کمبود مواد اولیه، فشار برای بالابردن تولید بطرز چشمگیری افزایش یافته است. در قسمت بیل سازی با وجود اخراج بیش از نیمی از کارگران، تولید بیل دو برابر شده است. کارگران را با کوچکترین اعتراض و کمکاری اخراج می‌نمایند. فشار کار بحدی است که بهیچوجه کارگران (با وجود کار سختی که انجام می‌دهند) نمی‌توانند بنشینند و کوچکترین تهر از اجرای دستورات مدیریت مساوی با اخراج است.

دارو پخش: مبلغ ۲۰٪ اضافه حقوقی که بنا بر تصویب مدیریت به کارگران پرداخت می‌شد مدت ۲ ماه (تاریخ گزارش شهریور ماه) است که قطع گردیده است. علت قطع این اضافه حقوق، بخشش‌های بوده که از طرف وزارت کار به کارخانه ابلاغ شده مبنی بر اینکه برای متعادل کردن حقوق کارکنان خانات اضافه حقوق این کارخانه می‌باید قطع گردد!

## تصحیح و پوزش

در شماره ۴ نشریه "راه کارگر" خبر مربوط به "نیروگاه حرارتی اصفهان"، اشتباهات نیروگاه اتمی اصفهان ذکر شده بود که بدین وسیله تصحیح میشود.

مدیر عامل جدید، کیفیت غذای رستوران کارخانه پائین می‌آید و نیز ۲ اطلاعیه ضد کارگری در تاریخ ۳۱ شهریور جهت محدودیت بیشتر برای کارگران، استثمار بیشتر و افزایش واقعی ساعات کار اعلام میشود. در این اطلاعیه‌ها، یک ربع ساعت صبح و یک ربع ساعت در بعد از ظهر از وقت استراحت کارگران کسر گردیده و سرویسها نیز یک ربع بعد از پایان کار حرکت می‌کنند، در حالیکه قبلاً ۵ دقیقه قبل از پایان کار حرکت میکردند.

در روز اول مهر، روز اجرای اطلاعیه‌ها، موقعی که کارگران از سرویس‌های پیاپی شده و قصد ورود به کارخانه را داشتند با ازدحامی در بیرون کارخانه مواجه شدند. نگهبانان بدستور مدیر عامل از ورود کارگرانی که کفش ایمنی یا کارنداشتند و نیز از ورود ۵ تن از کارگران آهنگری که در روزهای قبل اخراج شده بودند، جلوگیری میکردند و این امر باعث ازدحام در بیرون و داخل شرکت شده بود.

بدین ترتیب کارگران روز اول هفته جنگ را با "هو" کردن جمعی به نشانه اعتراض به اطلاعیه‌ها و مانع از ورود به کارخانه، آغاز نمودند. با توجه به وسعت اعتراض فوق، نگهبانان مجبور به اجازه ورود به کارگران شدند، و در همان روز با پارهای پاره‌های مدیران قسمتها، پنج کارگر قسمت آهنگری نیز بسر کار خود برگشتند. صبحانه بطور مخفیانه در قسمتها صرف گردید و عمل آشکار، شکل پنهانی بخود گرفت. کارگران برای صرف نهار از ساعت ۱۱ و ربع بجای ۱۱ شروع کردند و حتی در ساعت ۱۲ که باید پایان صرف نهار باشد، همچنان صف کارگران در رستوران وجود داشت، ضمن آنکه بدلیل بدی غذا و عدم سرویس‌دهی مناسب که از ثمرات و ابتکارات مدیر عامل جدید بود، همچنان "هو" کردن در چند نوبت در رستوران ادامه یافت. کارت زدن یک ربع دیرتر از روزهای قبل و بنا بر این سوارشدن به سرویسها نیز با توجه به دستور مدیر عامل انجام گرفت که با فحش و ناسزا و پرخاشهای کارگران در همه جا و بخصوص در سرویسها همراه بود.

بدلیل درگیریهای موجود در میان هیات مدیره و نیز مقاومت کارگران با شکل گوناگون از جمله "هو" کردنهای مداوم و کمکاری، باعث شده که منصور "عقب نشینی" های محدودی بنماید، اما تاکنون موفق نشد است برنامه افزایش تولید و بالابردن کیفیت تولیدات را عملی سازد.

در کارخانه "سایپا" مدت ۶ ماه است که به جز ۵۰۰ تومان علی‌الحساب، حق پاداش افزایش تولید پرداخت نشده است. (به نقل از گزارش ارسالی: "واحد شهید صمد" ۶۳/۷/۲۱)

این شرکت، یکی از کارخانجات اتومبیل سازی ایران است، که با همکاری شرکت سیتروئن فرانسه اتومبیل‌های رنو و ژیان تولید می‌کند.

در تاریخ سه شنبه ۲۷ شهریور در کارخانه اعلام میشود که در ساعت ۱۲/۱۵ ظهر پس از صرف غذا، "رضوانی" مدیریت عامل گروه خود رو وزارت صنایع سنگین در مورد وضعیت کارخانه سخنرانی خواهد نمود. از تمام کارگران خواسته میشود که در مجمع فوق حضور یابند، ولی اکثر کارگران پس از صرف نهار برای استراحت به قسمتها رفتند. حدود ساعت ۱۳ با وجود اینکه بلندگوها بطور مرتب کارگران را برای سخنرانی "رضوانی" فرا میخواند، لکن جز ۲۵ نفر که نیمی از آنها انجمنی و طرفدار رژیم بودند، کسی در سالن غذاخوری حاضر نمیشد. بلندگوها لحنی تهدیدآمیز از سرپرستان می‌خواهد که پرسنل خود را به رستوران بیاورند.

"رضوانی" در صحبت‌هایش عنوان کرد که دو مساله در سطح گروه خود رو و وزارت صنایع سنگین مطرح می‌باشد، یکی کاهش وابستگی ارزی که برنامه‌های جهت ساخت وسایل داخلی و ذخیره ارزی بمبلغ ۷۰۰ میلیون دلار است و دیگری مساله کیفیت تولیدات می‌باشد. "رضوانی" عنوان کرد که جریانها که قبلاً بر روی عدم سوددهی کارخانجات انگشت می‌گذاشته و خواهان فروش آن به بخش خصوصی بود، اکنون بر روی عدم کیفیت تولیدات انگشت می‌گذارند و خواهان فروش کارخانه‌های دولتی به خصوصی برای افزایش کیفیت کالاهاست، بهمین جهت بخشش‌های توسط نخست وزیر صادر شده که کیفیت کالاها افزایش یابد. بدین ترتیب "رضوانی" خواهان بالا رفتن کیفیت اتومبیل رنو، وانت نیسان گردید و تهدید کرد در صورتیکه کیفیت بالا نرود، کارخانه را تعطیل خواهند کرد. او در ادامه سخنانش عنوان کرد با ساخت سالن جدید وانت نیسان به ۳۰ الی ۳۵ عدد در روز باید برسد و سرانجام مدیر عامل جدید "منصور" را معرفی نمود.

مهندس منصور با خواندن آیه‌های متعدد، کارگران را مورد تهدید قرار داد که کارخانه همانند جبهه‌های جنگ است و هرگونه خلاف، بی‌انضباطی و... به مانند جبهه‌های جنگ با آن رفتار خواهد شد و اظهار داشت که باید ۸ ساعت کار حلال باشد. او ضمن مقایسه خود با "الفرد ایزه" سرمایه‌دار و صاحب قبلی کارخانه "سایپا"، بیان کرد ضمن داشتن قاطعیت به وضع کارگران نیز رسیدگی خواهد کرد! کارگران قبل از پایان سخنرانی "منصور" بتدریج سالن غذاخوری را ترک کرده و "منصور" نیز مشاهده این وضع، حرف‌هایش را در گرفت. در تمام همین روشی ضد کارگری

# اخباری از کردستان قهرمان

در تاریخ ۲۱ آبان، مزدوران رژیم یکی از اهالی روستای "شیخ چوپان" در منطقه گورگ را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. اهالی روستا خشمگینانه به اعتراض پرداخته و روستایی مذکور را از چنگ افسار مزدوران رها مینمایند. مرد مشعار مرگ بر پاسدار مرگ بر خمینی سر میدهند. مزدوران رژیم اهالی روستا را جمع کرده و عمل خود را توجیه میکنند. مردم در پاسخ و بلا اعتراض میگویند شما تا بحال ۳ نفر از اهالی همین روستا را شهید کرده و هر بار عمل خود را توجیه نموده اید. فرمانده مزدوران با لحن پرخاشگرانه ای شروع به صحبت میکند لذا اهالی روستا اعتراض کتان جلسه را ترک نموده و از مزدوران رژیم میخواهند که روستا را ترک نمایند.

در تاریخ ۱۵ آبان، مزدوران مستقر در پایگاه "باوان" بداخل این روستا که از توابع بخش سوه است هجوم برده و از مردم میخواهند که برای حفاظت از روستای خود به تسلیح اجباری تن دهند. مردم روستا در اعتراض به این مسأله، از ساعت ۸ صبح تا ۳ بعد از ظهر در مقابل پایگاه دشمن دست به تحصن میزنند. مزدوران با شیوه های مختلف سعی در پراکنده کردن مردم مینمایند. در ساعت ۳ بعد از ظهر مزدوران رژیم بمردم اطلاع میدهند که از مسلح کردن آنها منصرف شده و دیدین ترتیب مردم را پراکنده میکنند. فردای آن روز یکی از فرماندهان پایگاه به روستای "باوان" رفته و در مسجد ضمن سخنرانی خود خطاب به شورای اسلامی روستا میگوید که شورا باید به مسوولان روستا جهت سرپا زگیری اجباری کمک کرده و اسامی جوانانی را که به سرپا زنی نرفته اند را در اختیار پایگاه قرار دهند. مردم بلا شنیدن صحبت های فرمانده مزدور، مجدداً به اعتراض میپردازند.

در اواسط آبان ماه، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به روستای بیرم در بخش "محال یل تمبر" یورش برده و شروع به آزار و اذیت مردم نموده و بمردم میگویند: "شما با پیشمرگان همکاری میکنید تا بر سر راه ما مین کار بگذارند". اهالی ده بخصوص زنان دست به اعتراض میزنند. مزدوران عده ای از مردم ده را میگیرند که بر اثر اعتراض مردم مجبور میشوند دستگیر شدگان را آزاد کنند. مزدوران رژیم در اطراف پایگاه ۲ نفر جوان را بعداً گرفته و با خود به داخل پایگاه میبرند. مردم تصمیم میگیرند بعنوان اعتراض به شهر مهاجرت کنند. زنان در پیشاپیش به راه می افتند و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بطرف مهاجرت میروند. دشمن به تقلا افتاده و دو جوان دستگیر شده را به پادگان شهر مهاجرت میبرند. سرانجام بر

اثر اعتراض مردم مزدوران مجبور به آزاد کردن دو جوان مذکور میشوند.

در تاریخ ۱۶ آبان ماه، مزدوران رژیم روستاهای خامسان و پیرمقار را محاصره مینمایند. این اقدام مزدوران بخاطر تسلیح اجباری جوانان و حتی پیرمرد های روستا انجام میگردد. اهالی روستا همدار اعتراض به این اقدامات جنایتکارانه رژیم به شهر سندانج رفته و در جلوی فرمانداری شهر به تظاهرات و اعتراض دست میزنند.

در تاریخ ۷ آبان، مزدوران رژیم یکی از اهالی روستای "نجنه علیا" را دستگیر و به شهرپانی میبرند. اهالی روستا به محض اطلاع از این دستگیری تجمع کرده و به طرف شهرپانی حرکت میکنند. در مسیر راه عده ای از اهالی روستای سپی داره نیز به آنها ملحق میشوند. مردم ضمن تجمع در جلو اطلاعات سپاه، خواستار آزادی روستای مذکور میشوند و اعلام میدارند که تا آزادی وی محل را ترک نخواهند کرد. این حرکت اعتراضی اهالی نجنه علیا و سپی داره چند روز ادامه مییابد و چندین بار رژیم با شیوه های مختلف تلاش کرد که مردم را از اعتراض باز دارد، لیکن مردم پا پایداری کرده و سرانجام موفق به آزاد کردن فرد مذکور شدند. چند روز بعد، مزدوران رژیم مجدداً اقدام به دستگیری چند نفر از جوانان معترض نموده و آنها را به پایگاه میبرند. بار دیگر مردم تجمع کرده و خواستار آزادی دستگیر شدگان میشوند و رژیم نیز مجبور به آزاد کردن آنها میگردد.

در تاریخ ۱۴ آبان ماه، عده ای از جاشهای محلی، استفاده از آب برای اهالی روستای "کوخان" ممنوع میکنند. زنان روستا با تجمع خود به این عمل جاشها اعتراض کرده و با گسترش اعتراضات کلیه اهالی روستا تجمع نموده و سرانجام مردم به جاشها حمله مینمایند. مردم یکپارچه کتک مفصلی به جاشها میزنند. جاشها به عنوان اعتراض و شکایت از مردم به شهرپانی میروند.

پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران، در آن ماه به عملیات نظامی متعددی در مناطق مختلف کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی دست زدند. در تاریخ ۶ آذر ماه، نیروهای مزدور رژیم روستای "هاوله" از مناطق بانه را مورد تهاجم قرار میدهند. پیکار قهرمانانه پیشمرگان حزب علیه مزدوران رژیم در طی یک عملیات هماهنگ سه حمله متوالی رژیم را عقیم گذاشته و با وارد آوردن تلفات زیاد به دشمن، آنها را مجبور به عقب نشینسی مینمایند.

تظاهرات زحمتکشان "چشم موشک" در اعتراض به بی آبی!

قریه "چشم موشک" در ۳ کیلومتری جنوب اراک واقع شده است. این قریه گرم چه در دامنه کوه قرار دارد، لکن تابستانها فوق العاده گرم است، و در بعضی از روزها فقط ۳ ساعت در روز آب دارند. ساعت ۹ صبح روز ۳۱ مرداد ماه جمعیتی حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر شعار گویان از بالای راه آهن که مسیر "چشم موشکی" برای ورود به اراک است، حرکت می کنند. زحمتکشان در مسیر حرکت شعار می دهند، "بی آبی، بی آبی، بی آبی، مستضعفان - مهدی پسا، مهدی پسا - رهبر مستضعفین العطش، العطش". زحمتکشان بهنگام عبور از بالای راه آهن و در مسیر امام خمینی در جلوی سپاه، تعدادی از مردم ستمکشان اراک به آنان پیوسته و جمعیت روبه افزایش، شعار گویان تظاهرات را ادامه می دهند. پاسداران و کمیته چپی ها از وحشت آنهارا محاصره می کنند. بدلیل تعداد کثیر جمعیت، مزدوران بهراس افتاده و توانائی هر عکس العملی را از دست داده بودند. در جلوی سپاه که در رهای آن بسته بود و پاسداران به درون خزیده بودند، آهنگران فرمانده منفور سپاه از راه پیمان می خواهد که جهت نماز و شنیدن گفتار او بمسجد بروند. (به نقل از "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - گیلان)

زورآباد "اراک: آب، آب، العطش

"زورآباد" اراک یکی از محلات کارگر نشین است که اکثر کارگران این منطقه از کارگران روزمزد ساختمانی هستند و در حدود ۱۵۰ خانوار در آن زندگی می کنند. این محله فاقد آب لوله کشی می باشد. اهالی این منطقه بارها با مراجعه به شهرداری اراک خواهان آب لوله کشی میشوند که هیچ توجه ای به خواسته های زحمتکشان این محله نمی شود. در تاریخ یکشنبه ۱۸/۶/۶۳ مردم که از بی آبی پستوه آمده بودند، با دست گرفتگی ظرفهای آب، تمامی افراد اهالی زن و مرد و کودکان به جلوی ساختمان شهرداری می روند و با کوبیدن ظرفها بیکدیگر، شعار می دهند: "آب، آب، العطش! رژیم جنایتکار فقها که تحمل کوچکترین حرکتی از جانب توده ها را ندارد، پاسداران مزدور خود را جهت سرکوب مردم گسیل میدارد. مزدوران باتیراندازی و دستگیر نمودن تعدادی از زحمتکشان مبارز، موفق به پراکنده کردن مردم "زورآباد" از جلو ساختمان شهرداری می شود. (به نقل از "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - کارگران هواداران سازمان - گیلان)



پلیس، دامنه اعتصاب و شورش به مدارس، سایر بخشهای کارگری و نیز شهرکها گسترش یافت. پلیس دیگری به تنهایی توانایی مقابله با جنبش توده‌ای را که کارگران عمده نیروی شرکت‌کننده در آن بودند، رانداشته و از ۲۳ اکتبر به بعد ارتش و پلیس، دستکم ۳ مرتبه به اقدام مشترک علیه شورش انقلابی کارگران سیاه و رنگین پوست و دانش‌آموزان دست زده است. از اعتصابات ماه اوت به بعد، حداقل ۲۰۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی و بیش از ۱۰۰۰ نفر زندانی شده‌اند. در ۵ و ۶ نوامبر، سندیکاهای کارگری، بمدت ۲ روز دعوت به اعتصاب همگانی کردند که ۵۰۰ هزار کارگر و ۳۰۰ هزار دانش‌آموز در آن شرکت کردند. شب قبل از آن، هزاران تراکت در شهرکها پخش گردید که کارگران و دیگر بخشهای مردم و رنگین پوستان را که علیه آپارتاید مبارزه میکنند، دعوت به اعتصاب میکرد. در یکی از آنها چنین آمده بود: "شیره جانتان، کار و توانانتان، در طول دهها و صدها سال مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. خون فرزندانانتان، نسلها و نسلها، بیهوده و بی ثمرانه بر زمین ریخته است. بپاخیزید ای ستمدیدگان و لگدمال شدگان! بیدار شو ای ستم کشیده و استثمار شده..."

رهبران اتحادیه میگویند که "این صرفاً یک هشدار است". دامنه اعتصاب و شورش چنان وسیع بود که حکومت نژاد پرست، ناگزیر از اقدامات دیپلماتیک برای قانع کردن دولت‌های امپریالیستی در مورد حفظ بنیادهای رژیم خودش، در این دوروز، بسیاری از منازعه‌های بزرگ بسته ماند و بسیاری از صنایع از کار افتاد، و در شهرک سوتر، هیچ مدرسه‌ای باز نبود. شرکت کارگران در این اعتصابات در بعضی مناطق، نظیر مثلث وال، تا ۹۰ درصد میرسید. کارگران اتحادیه، اکنون انسجام و سازماندهی خوبی پیدا کرده‌اند و مصمم تر از پیش به مبارزه

روی آورده‌اند. در طول اعتصاب پلیس سعی کرد که کارگران را با زور به سر کار برگرداند که شمری نداشت.

تاکتیک "درخانه بمان!" که بارها بطرز موفقیت آمیزی از طرف پرولتاریای سیاه بکار گرفته شده است، این بار نیز در اعتصاب همگانی بکار بسته میشود. تامی مالمی THAMI MALI از "جبهه متحد دمکراتیک" U.D.F. میگوید: "این فقط آغا زکار است. ممکن است که درخواست "در خانه بمان!" حتی در ابعاد وسیع تر تکرار شود. ما اکنون قدرت را در دست داریم و آنرا میتوانیم هر طور که خواستیم بکار ببریم. با وجود یورش‌های پلیس و ارتش، اتحادیه‌ها، مواضع خود را سرسختتر کرده‌اند و تنها بر خواسته‌های مادی خود افزودند، بلکه خواسته‌هایشان رنگ سیاسی بخود میگیرد، و این امر، بیش از پیش بر نگرانی حکومت آپارتاید می‌افزاید. وزیر کشاورزی نژاد پرست هشدار میدهد که اتحادیه‌ها نباید در سیاست مداخله نمایند: "دولت اجازه نخواهد داد که اتحادیه‌های کارگران بعنوان تخته پیرشی برای قدرت سیاسی عمل کنند". سعد از اعتصابات پلیس عده‌ای از رهبران اتحادیه‌ها را دستگیر کرده‌است، اما احتمال عکس‌العمل کارگران، موجب شکاف در طبقه حاکم گردیده است. بنحوی که نه فقط سیاستمداران اپوزیسیون، بلکه بطرز حیرت‌انگیزی، تجار محافظه کار و مرتجع نیز در مقابل این اقدام جهت‌گیری کردند. بزرگترین سازمانهای تجاری کشور، یعنی "اطاق تجارت آفریقا"، "اطاق فدراتیو صنایع" و "مجمع اطاقهای تجارت آفریقا" در بیانیه مشترکی هشدار دادند که "خطر آن می‌رود که توقیف رهبران اتحادیه‌ها، تعادل "بسیار دشواری" را که هم اکنون بین کار و صنعت وجود دارد، وخیم‌تر سازد" و "بخش خصوصی عمیقاً دلمشغول این توقیف‌ها در حین لحظه حساسی میباشد."

"جبهه متحد دمکراتیک" U.D.F. مبارزات علنی توده‌ها را سازمان میدهد. U.D.F.، بعنوان بزرگترین سازمانی که نزدیک به ۶۰۰ گروه و مجمع و اتحادیه را در خود جمع کرده است، در راس مبارزه علنی توده‌ها علیه آپارتاید قرار دارد و شایستگی خود را در هم آهنگ کردن اعتصابات اخیر کارگری و قرار گرفتن در راس تحریم انتخابات، بخوبی نشان داد. حکومت نژاد پرست بعد از دستکاریهای شایدانه در قانون اساسی، میخواست با حفظ چهارچوب آپارتاید، پارلمانی برای سیاهان و رنگین پوستان علم کرده و با اصطلاح آنان را در "قدرت مشارکت دهد". این مانور خردنگینی، خشم سیاهان را برانگیخت. اما حکومت نژاد پرست دچار اشتباه محاسبه شدیدی شده‌است، چرا که برای اولین بار است که با سازمانی به این گستردگی مواجه گردیده‌است. U.D.F. با نوشتن یک دادخواست، طبل بیکار را بمدا درآورد: "ما میخواهیم که حکومت بر مخالفت پیگیری مردم علیه آپارتاید و دامنه حمایت آن از U.D.F.، وقوف حاصل نماید" بعد از آن، U.D.F.، اقدام به برگزاری میتینگهای در سراسر کشور، چه در شهر و چه در روستاها کرد. یکی از سخنویان آن میگوید: "ما میخواهیم که جنبش دمکراتیک ملی، حضور خود را در همه بخشهای جامعه نشان دهد". بسرای اولین بار است که در نتیجه فعالیت‌های U.D.F.، حمصبت روستایی شمال ترانسوال، مستوانند، گردهم آمده و در باره مسائل اساسی سیاسی، به بحث و گفتگو بپردازند. ومشول U.D.F. ترانسوال، اظهار میدارد که "آفریقایها، هندیها، دورگه‌ها و سفیدهای دمکرات، باید برای ساختن یک جامعه دمکراتیک غیر نژادی، بر پایه اصول منشور آزادی، متحد شوند". پلیس آفریقای جنوبی اعتقاد دارد که U.D.F.، بعنوان پوشش علنی "کنگره ملی آفریقا"، یعنی مهمترین

## آگاه‌هی سوسیالیستی و ...

از بیرون و توسط کمونیست‌ها ست که باید میان طبقه برده شود اما کمونیست‌ها تنها از طریق تبلیغات سیاسی مشخص، زنده و بی‌امان بر مبنای ارتقاء مبارزات خود بخودی و واقعاً موجود کارگران است که میتوانند آگاه‌هی سوسیالیستی را بدون طبقه کارگر سازمان دهند.

۳- طرح کلی سوسیالیسم برای طبقه کارگران روی سکه تهییج پوپولیستی و خصوصیت دیگر پوپولیسم است. سازمان‌های پوپولیستی در اوج درخشش خود ابتدا چون رعد در آسمان بدون ابزار طریق تاکتیک‌های مشتع و جدا از توده خود را برای مردم مطرح می‌زنند تا از این طریق به توده‌ها آتوریت خود را تحمیل کنند و آنگاه در ازاء اقدامات قهرمانانه خود خواهان آن هستند که توده‌ها با اعتماد کامل به آنها ایدئولوژی و برنامه آنها را بطور کامل بپذیرند. بیهوده نیست که این سازمان‌ها همواره در هیئت ایدئولوژیک خود را در معرض قضاوت توده‌ها قرار میدهند و از طریق جذب آفرینی برای فرمول‌های کلی ثنوریک خود در صدد توده گیر کردن آن بر می‌آیند. اما حقیقت مسلم اینست که هیچ‌اصل ایدئولوژیک در شکل فرمول‌های کلی ثنوریک به میان توده کارگران رسوخ نمی‌آید. هر اصل برنامه‌ای باید به شعارهای متنوع اقتصادی و سیاسی تجزیه شده و سوار بر مؤلفه‌های متعدد از شعارها و خواستهای بیواسطه میان توده‌ها برده شود تا توده‌ها را تحت تاثیر قرار دهد و شرایط جلب توده‌های وسیع را به شعارهای با واسطه جلب نماید. با توجه به این نکته تصادفی نیست که سازمان‌های حزب با اینکه مصرانه سر کمونست بودن خود تاکید داشته‌اند و در تبلیغات خود حتی بد می‌نمیرد از شعارهای "برنامه حداقل خود" پائینتر نیامده اند ولی با اینهمه هرگز نتوانسته‌اند طبقه کارگر را در مدار نفوذ خود بکشانند. علاوه بر این در رابطه با اقتدار و طبقات زحمتکش نیز این سازمانها بطور مشاه عمل میکنند و ابزارهای بکسان خواهان جلب آنها به برنامه خود هستند. در این نوع برخورد سیاست اشتراکی روشن و صریح که با توجه به

سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر و توازن مشخص نیروهای طبقاتی خواهان پیشبرد برنامه انقلاب پرولتری باشد جائسی ندارد و هر نوع اتحاد عمل مشروط به هژمونی کمونیست‌ها میگردد.

با توجه به خصوصیات که درباره تجلی فرقه گرائی پوپولیستی بر شمرديم به این نتیجه میرسیم که مهمترین مانع در برابر سازماندهی آگاه‌هی سوسیالیستی در میان طبقه کارگر ذهنیت پوپولیستی سازمان‌های چپ و درک فرقه‌گرایانه آنها از سازماندهی مبارزات توده‌ای است. این درک انحرافی بطور مشخص خود را در عدم درک نقش و شیوه تبلیغ کمونیستی و عدم تفکیک جایگاه و عملکرد سازمان حزبی و سازمان‌های توده‌ای طبقه کارگر نشان میدهد. بدون مبارزه ایدئولوژیک همه جانبه با سبک کار پوپولیستی در این حوزه راه نفوذ آگاه‌هی سوسیالیستی بدون طبقه کارگر همواره نخواهد شد. اکنون ضروری است که در ادامه بحث، مقوله تبلیغ سیاسی بشیوه کمونیستی و نحوه تفکیک سازمان حزبی و سازمان‌های غیر حزبی طبقه کارگر را مورد بررسی روشنتر و دقیقتر قرار دهیم.

## تبلیغ سیاسی و سازمان‌های توده‌ای کارگران:

طبق تعریف لنین درباره ترویج و تبلیغ: "مروج ایده‌های متعدد را به یک یا چند شخص میرساند اما مبلغ فقط یک یا چند ایده میدهد ولی در عوض آنها را به توده‌ای از اشخاص میرساند". بر اساس این تعریف برخلاف ترویج که مورد خطاب آن اشخاص محدودی هستند مورد خطاب تبلیغ توده‌های وسیع و قبل از هر چیز توده کارگران صنعتی هستند. بنا بر این هدف تبلیغ کانالیزه کردن و متمرکز کردن احساس و اندیشه توده‌های کارگری بر روی یک مسئله و شعار مشخص و آماده سازی آنها برای یک اقدام جمعی در راستای منافع مشخص و مشترک توده‌های کارگران است که بطور عینی در دستور کار مبارزه کارگران قرار گرفته است. اما توده‌های وسیع که زیر پوشش تبلیغ قرار میگیرند توده متراکمی از شن نیستند بلکه انبوهی متراکم از اراده فعال و

زنده هستند. آنها بطور خود بخود دارای حرکات مبارزاتی مشخص هستند و این حرکات را تحت لوای شعارها و تاکتیک‌های معین پیش میبرند. از اینرو همانطور که ماهی زنده، بدون آب وجود ندارد طبقه کارگر نیز جدا از اشکال مبارزاتی و اشکال سازمانی مبارزه خود مفهومی ندارد. بنا بر این سبک سازمان کمونیستی اگر بخواهد توده‌ها را تحت پوشش تبلیغات خود قرار دهد و در عین حال هدف تبلیغات خود را در سازماندهی آگاه‌هی سوسیالیستی و در نتیجه اقدام آگاهانه و خلاقانه توده‌های کارگران قرار دهد میباید با این ارگانسیم زنده و دارای حرکت، ارتباط مستقیم و مادی برقرار کند. اما با این تفصیل روشن است که مضمون این ارتباط نمیتواند آگاه‌هی سوسیالیستی در قالب مواد کلی برنامه‌ای باشد، زیرا برخلاف ترویج که در آن با اشخاص محدود میتوان حول ایده‌های متعدد به وحدت رسید در رابطه با تبلیغ چون وحدت توده‌های وسیع مورد نظارت ضرورتاً این وحدت و اقدام مشترک حول یک ایده در هر مورد تبلیغ بدست میآید. بنا بر این اگر در ترویج وزن عمده روی روشن کردن جهات عمده مبارزه طبقاتی است در تبلیغ وزن عمده روی سازمان دادن مبارزه طبقاتی جاری و بالفعل طبقه کارگر و بر این اساس سوق دادن آن در جهت نزدیکی و پیوند با برنامه سیاسی پرولتاریا میباشد. از اینروست که همواره بسای اصلی تبلیغ بر روی وضعیت بالفعل مبارزه طبقاتی استوار است. در همین رابطه است که فی المثل در رهبری مبارزه طبقاتی کارگران تلفیق مبارز اقتصادی و سیاسی اهمیت می‌یابد. همینطور در مورد اشکال مبارزه تاکتیک مارکسیسم - لنینسیم بر کشف اشکال عمده مبارزه طبقاتی بر اساس آموختن از مبارزه خود کارگران است. بنا بر این این یک سازمان کمونیستی تنها در صورتی میتواند توده‌های وسیع کارگران را بشمابه یک طبقه و بمنزله یک ارگانسیم زنده تحت پوشش تبلیغات خود قرار دهد که تشکلهای توده‌ای کارگران و اشکال مبارزاتی آنان را به رسمیت بشناسد. زیرا توده‌های کارگر تنها



ن‌باله از صفحه قبل

در سازمان طبقاتی خودمیتواند از هویت طبقاتی برخوردار باشد. بنا بر این سازماندهی آگاهی سوسیالیستی دقیقا درگرو استقرار درمیان سازمانهای توده‌ای طبقه کارگر و برقراری مرکز ثقل تبلیغ سیاسی در سازمانهای مزبور قرار دارد. به لحاظ شکل سازمانی برای دست یافتن به این هدف، سازمان سیاسی طبقه کارگر باید واحدهای پایه‌اش را درمیان کارگران مستقر سازد و از طریق فراکسیونهای خود پایه‌های سازمانی ضروری برای رهبری مبارزات کارگران را بدست آورد. اما این شکل سازمانی باید از مضمون شیوه کار کمونیستی نیز برخوردار گردد تا ارتباط مستقیم وزنده با طبقه کارگر بمعنای واقعی برقرار گردد. در رابطه با این مضمون و شیوه کار کمونیستی درمیان کارگران نکته اساسی که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که هرچند آگاهی سوسیالیستی آنچیزی است که نه درمیان کارگران موجود است و نه بطور خودبخودی میتواند بوجود آید، اما از سوی دیگر آن زمین باروری که بذره‌های آگاهی باید در آن رویا نشسته شود، مبارزه جاری و روزمره خود کارگران است زیرا کارگران هر چند که بخودی خود به آگاهی سوسیالیستی دست نمی‌یابند اما تحت فشار بهره‌کشی خودکامگی بطور جبری به مبارزه می‌پردازند و در جریان این مبارزه خود بخودی غرایزی در آنها بیدار میشود که آنها را مستعد پذیرش آگاهی سوسیالیستی مینماید. بنا بر این سوسیالیست‌ها باید توده‌ها را یک پروسه صرفا تئوریک نیست بلکه توده‌ها تنها براساس تجارب مبارزاتی و پراتیک جاری مبارز طبقاتی که در سطح کل جامعه جریسان دارد آماج و قدرت جذب آگاهی سوسیالیستی را بدست می‌آورند. از این زاویه تبلیغ سیاسی، ابزار وحدت برنامه سیاسی و جنبش کارگری بر مبنای پراتیک و تجربه مبارزاتی توده‌های وسیع کارگران است. لنین در "چه باید کرد؟" این مکانیسم را چنین توضیح میدهد: "هرگاه کارگران در وقایع و حوادث مشخص سیاسی و آنهم حتما روزمره (یعنی دارای جنبه فعلی) یادگیرنده‌ریک از طبقات دیگر جامعه

را در تمام مظاهر حیات فکری، اخلاقی و سیاسی شان مورد مشاهده قرار دهند، هرگاه آنها یادگیرند تجزیه و تحلیل ما تریالیستی و ارزیابی ما تریالیستی را عملا در تمام جوانب فعالیت و حیات تمام طبقات و قشرها و دستجات اها لسی بکار ببرند، در اینصورت معرفت توده‌های طبقه کارگر نمیتواند معرفت حقیقتا طبقاتی باشد".

طبقه کارگر برای خواست‌های متنوعی مبارزه میکند و برای رسیدن به این خواسته‌ها اشکال متنوع مبارزاتی و تاکتیک‌های گوناگون را بکار میگیرد. قبل از هر چیز این مبارزات در دوشاخه اصلی اقتصادی و سیاسی جریان دارد و در هر شاخه نیز اشکال متنوع مبارزه علنی و مخفی و تاکتیک‌های مختلف را بکار میبرد. علاوه بر این طبقه کارگر از لایه‌های گوناگون تشکیل میشود که آمادگی و استعداد آنها در حمایت از این شکل یا آن شکل از مبارزه و در یک مقطع مشخص با یکدیگر تفاوت دارد. کمونیستها وظیفه دارند که تمامی این سطوح گوناگون مبارزه را بدرستی رهبری کنند و آنها را در راستای آگاهی سوسیالیستی سازمان دهند. هر سطح از مبارزه در صورتیکه بنحودرستی هدایت شود خود زمینه‌های جذب سطح بالاتر مبارزه را فراهم می‌آورد. فی‌المثل مبارزه اتحادیه‌ای طبقه کارگر هرچند که هدف بلاواسطه و مستقیم آن مبارزه برای درخواستهای اقتصادی است اما همین مبارزه اتحادیه‌ای در عین حال ابزار آگاهی و اتحاد طبقه کارگر هم هست و آنطور که مورد تاکید لنین است اتحادیه‌ها در عین حال مکتب مقدما تسی و ضروری برای کمونیسم و اعمال دیکتاتوری پرولتاریا نیز میباشد. کمونیستها از طریق هدایت این سطوح گوناگون مبارزه طبقه کارگر است که میتوانند هر شعار با واسطه و برنامه‌های خود را بر روی شعارهای بیواسطه متعددی استوار کنند بنحویکه مولفه تمامی این شعارهای خرد و ریز پذیرای این شعار با واسطه مورد نظر گردد. بعبارت دیگر همانطور که یک ارکستر کامل که مجموعه‌ای از نوازندگان متعدد را در بردارد آهنگی واحد را به اجرا در می‌آورد که کمال کیفیت نوین و تازه‌ای نسبت به آهنگ منفرد

تک تک نوازندگان دارد در رابطه با مبارزه توده‌ها نیز حرکات متنوع در سازمانهای توده‌ای گوناگون باید آنچنان درهم آمیزد و شعارهای گوناگون باید چنان با هم ترکیب شود که شعار و تاکتیک بالاتر و عالیتر محصول مجموعه آن باشد. لنین در "بیماری کودکی" "چپ‌روی" "کمونیسم" در آنجا که روابط بین پیشوایان - حزب - طبقه - توده را بررسی میکند بخوبی این مکانیسم را که چگونه حزب کمونیست بنا اتکاء به همراه با انواع سازمانهای غیر حزبی طبقه کارگر بر بنا می‌پرولتاریا به مرحله اجرا در می‌آورد و در نتیجه تشریح مینماید: "دیکتاتوری توسط پرولتاریا که در شوراهای متشکل است عملی میگردد. خود پرولتاریا تحت رهبری حزب کمونیست بلشویک‌هاست که مطابق آمار رکنگره حزبی اخیر (آوریل ۱۹۲۰) ۶۱۱ هزار عضو دارد." بخوبی روشن است که از نظر لنین دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری حزب کمونیست و بطور عددی دیکتاتوری ۶۱۱ هزار عضو کمونیست آن نیست بلکه دیکتاتوری میلیونها کارگری است که در شوراهای متشکل شده اند و شوراهای نیز در زمره سازمانهای غیر حزبی طبقه کارگر محسوب میشود. لنین در همین اثر خود سازمانهای اتحادیه‌ای کارگران را پایگاه دیگر حزب و دیکتاتوری پرولتاریا معرفی میکند: "حزب در کار خود مستقیما به اتحادیه‌ها تکیه دارد که اکنون طبق آمار رکنگره اخیر (آوریل ۱۹۲۰) بیش از ۴ میلیون عضو دارند و رسما غیر حزبی هستند" لنین در ادامه بحث از سازمانهای توده‌ای غیر حزبی دیگری هم که دیکتاتوری پرولتاریا بر آنها تکیه دارد نام میبرد.

بنا بر این در شرایطی که پرولتاریا پس از کسب قدرت سیاسی بخاطر اجرای برنامه سیاسی خود تا این حد به سازمانهای توده‌ای غیر حزبی نیاز دارد و بالاتر از آن از طریق اعمال هژمونی بر این سازمانها است که اساسا قدرت اجرایی برنامه سیاسی خود را بوجود می‌آورد، طبیعی است که در پروسه سازماندهی مبارزه توده‌ها در راستای برنامه سیاسی پرولتاریا در جهت دستیابی به قدرت

دنباله از صفحه قبل

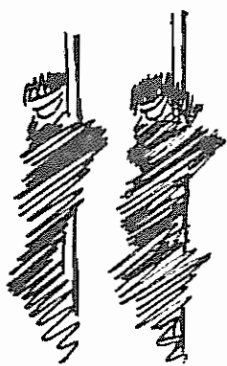
سیاسی، نیاز آن به سازمانهای توده‌ای از این نوع، نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه ضرورت حیاتی نیز می‌یابد. از اینروست که با اعتقاد ما در اوضاع و احوال موجود فی‌المثل سازماندهی سندیکاها، مخفی کارگری بمنزله هسته اساسی سازمان اتحادیه‌ای طبقه کارگر و بمنظور رهبری بخش مهمی از سازمانهای علنی و نیمه‌علنی کارگران در شرایط کنونی ضرورتی مبرم دارد. سازمان سیاسی طبقه کارگر نه تنها برای رهبری مبارزه اقتصادی طبقه کارگر بر علیه سرمایه‌داران و رژیم فقها به چنین تشکلی اساساً باید متکی باشد بلکه کارگران با آموختن درس اتحاد و تشکل در این مبارزه و بکارگیری تاکتیک‌های مناسب و ایجاد شبکه‌های ارتباطی متناسب با شرایط سرکوب فاشیستی موجود سنگرهای تدافعی خود را گسترش داده و مستحکم می‌گردانند و آماده شرکت فعال و سازمان‌یافته در مبارزه سیاسی و سرنوشتی رژیم فقها و تدارک مستگیری به طرف سوسیالیسم می‌گردند. بدون سازماندهی این نوع تشکلهای توده‌ای، سازمانگری آگاهی سوسیالیستی در میان طبقه کارگر از حدشعار فراتر نخواهد رفت. علاوه بر این در شرایط کنونی سازمان ما طرح "شعارجبه‌واحد کارگری" را تا کیتک ضروری دیگری برای اتحاد طبقه کارگر در مبارزه همه‌جانبه علیه رژیم فقها میدانند کمونیست‌ها در عین حال که همواره بر مبارزه ایدئولوژیک و ایجاد صف مستقل پرولتاریا تاکید ویژه دارند اما در حوزه مبارزه سیاسی در عین حال برخورداری از سیاست اشتلائی اصولی و روشن را نیز ضروری میدانند سیاست اشتلائی نه تنها اتحاد پرولتاریا با طبقات دیگر را در مراحل مشخص مبارزه طبقاتی دنبال میکند بلکه حتی برای اتحاد صفوف درونی خود پرولتاریا نیز ضرورت مبرم دارد. تاکتیک جبهه واحد کارگری که از جانب انترناسیونال ۳ به احزاب کمونیست پیشنهاد می‌گردد قبل از هر چیز اتحاد صفوف کارگران را که بخش قابل توجهی از آنان تحت رژیم سوسیالیسم دمکرات قرار داشتند دنبال مینمود. هم اکنون نیز تاکتیک

جبهه واحد کارگری که از جانب سازمان ما مطرح میگردد بطور مشخص هدف آن مبارزه با فرقه‌گرایی و تامین وحدت و همگرایی لایه‌های گوناگون طبقه کارگر می‌باشد. واقعیت آنست که بخشهای گوناگون طبقه کارگر هیچگاه ابتدا به ساکن به برنامه سوسیالیستی پرولتاریای آگاه جلب نمیشوند بلکه برخلاف ساده‌اندیشی‌های بلانکیستی، آنها همواره در طی این مسیر در ایستگاههای میان راه توقف میکنند. در این میان وظیفه کمونیست‌هاست که با کار منظم و صبورانه در میان توده‌های وسیع کارگران، بخشهای عقب مانده‌تر را که معمولاً تحت تاثیر برنامه‌های سایر طبقات قرار می‌گیرند بر مبنای تجارب خود آنان بسوی برنامه خود جلب نمایند و این کار بدون مصالحه‌های ضروری تحقق نمی‌یابد.

همچنین سیاست اشتلائی روشن برای تحقق بخشیدن به اتحاد پرولتاریا با سایر طبقات و اقشار زحمتکش در راستای برنامه حداقل پرولتاریا ضرورت حیاتی دارد. در روسیه حزب بلشویک با اتکاء به کارگران متشکل در شوراها که ستاد طبقاتی - و نه حزبی - پرولتاریا محسوب میشدند میلیونها دهقان را تحت رژیم پرولتاریا گرد آورده بدین ترتیب با جلب دهقانان که کثیرالعددترین طبقه جامعه روسیه بودند به برنامه حداقل پرولتاریا، حزب کوچک بلشویک رهبر و فرمانده سیاسی میلیونها کارگر و دهقان روسیه گردید. کمونیست‌ها تنها با برپائی سازمانهای توده‌ای طبقه کارگر محور استوار تشکل کارگران و زحمتکشان را حول پرولتاریا بوجود می‌آورند بلکه علاوه بر آن ضروری است که با سازماندهی فراکسیونهای خود در سازمانهای توده‌ای طبقات غیر پرولتر نیز زمینه جلب آنها را هم برنامهم حداقل پرولتاریا فراهم آورند. طبیعی است که سازمانهای توده‌ای طبقات غیر پرولتر پایگاه هر نوع جبهه توده‌گیر برای دمکراسی انقلابی بحساب می‌آیند.

خلاصه کنیم: در شرایط کنونی که بحران هژمونی و بی‌سازمانی توده‌ها و بطور اخص طبقه کارگر عامل اصلی ضعف و پراکندگی مبارزات توده‌ای است، سازماندهی اراده پیشرو طبقه

دنباله از صفحه ۲



## رفیق نسرین بقائی

نسرین در اواخر سال ۶۰ با رفیق حسین قاضی که از کادرهای برجسته مؤسس سازمان ما بود ازدواج کرد. او با مردی پیمان زناشویی بست که از هر حیث شایسته او بود. ایندو رفیق تا لحظه مرگ پرشکوه خود دوش به دوش یکدیگر برای آرمان والای کمونیسم شجاعانه جنگیدند.

نسرین در ۱۶ مهر ۱۳۶۲ همراه همسر خود رفیق حسین قاضی در تور بلژیکی دشمن گرفتار و دستگیر گردید و بلافاصله به زندان اوین منتقل گردید. رفیق نسرین در زندان نیز یکی از آزمونهاى سخت زندگى خود را با سر بلندی و افتخار بسر آورد. او اسرار سازمانی خود را با امانت و وفاداری کامل در سینه پاک و استوارش حفظ کرد و بالاخره در سحرگاه روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۳ با قامت افراشته در برابر جوخه اعدام قرار گرفت. اما رفقای آتش عشق بزرگی را که او در سینه داشت سینه به سینه نقل خواهند کرد.

ما بسیاریم!

کارگر شرط ضروری شکلگیری یک جبهه توده‌ای نیرومند حول دمکراسی انقلابی در جامعه بحران زده و روبه ویرانی ما ست از اینرو کمونیست‌ها در لحظات خطیر کنونی باید با آگاهی لازم و اراده مستحکم در جهت زدودن میراثهای کهنه سوسیالیسم از اندسته و عمل خود اقدام کنند و با سرعت و قاطعیت در جهت سازماندهی آگاهی سوسیالیستی در میان کارگران از طریق اتکاء به سازمانهای توده‌ای کارگری گام بردارند □

## نقدی بر بینش...

منفرد تولید پدید آمده‌اند. این شکل با خصیصه علنی و توده‌ای خود نمیتواند حنیه پیگیر و دائمی پیدا نماید مگر آنکه بوسیله کمیته مخفی متشکل از کارگران پیشرو رهبری شود. این کمیته باید بمثابة هسته مخفی یک سندیکا عمل نماید یعنی رهبری مبارزات کارگران را حول مطالبات اقتصادی سعیده گیرد و خود را به مجمع عمومی کارگران بعنوان بدنه علنی "سندیکا" متکی نماید. این هسته یا کمیته مخفی باید کارگران را در طی اعتراض و اعتصابات هدایت نماید و خواستهای جاری آنان بصورت متشکل بیان کند. بدون کمیته مخفی متشکل از کارگران پیشرو حول سازماندهی و رهبری مبارزات اتحادیه‌ای طبقه، صرفنظر از اعتقادات مذهبی یا ایدئولوژیک این پیشروان، نمیتوان محدودیتهای جدی مجمع عمومی فائق آمد و نوده کارگران را حول مطالبات آنی سازمان داد. مهمترین محدودیتهای مجمع عمومی در لحظه کنونی عبارتند از: خصلت خود انگیزه و غیرمنظم و مداوم این مجمع، خصلت غیرسراسری این مجمع، ناروسنی نوده کارگران درباره اهداف مبارزه و نحوه استفاده صحیح از تضادهای فیما بین مدیریت با جنبهها و شوراها اسلامی، خصلت علنی مجمع که تحت شرایط سرکسوب شدید، بدون تلفیق موثر با مبارزه مخفی قادر به ادامه کاری نیست و بدون رهبری موثر محبور به سازش و امتزاج با ارگانهای قانونی است. این محدودیتها، در صورت نبود رهبری مخفی هسته ای از کارگران پیشرو میتواند منجر به تغییر استای مجمع عمومی کارگری به ارگان کورپوراتیستی واحد کارخانه (یا آنطور که دلخواه "قانون" است یعنی مجمع عمومی واحد کار) تبدیل شود. این مسئله را در زیر مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

## ب) مجمع عمومی کارگری یا مجمع عمومی واحد کار

مهمترین خطری که فعالیت متشکل طبقه کارگر کشور ما را در دوره کنونی تهدید میکند، سندیکاها ی زرد

معنای مصطلح کلمه نیست بلکه تشکیلهای وابسته به رژیم (اعسم از سندیکا های پلیسی دوران شاه یا شوراها ی اسلامی دوران خمینی) است. استقلال فعالیت اتحادیه‌ای طبقه از دولت، شرط ضروری، تکامل جامع نوده‌ای طبقه میباشد. و اما مجمع عمومی کارگری بنا به محدودیتهای فوق الذکر، بدون رهبری مخفی، امکان تبدیل شدن به تشکیلی وابسته را در خود دارند. زیرا این مجمع نه در شرایط تعرض کارگران بلکه در طی مبارزات اقتصادی، پراکنده و تدافعی طبقه بکار گرفته میشوند، بصورتی علنی و در چهارچوب قانون و نه علیه نظم قانونی کارگران، در حال حاضر نمیتوانند در مجمع عمومی شعارهای سیاسی بدهند و تقابلشان با دولت و کارفرما در فلان یا بهمان کارخانه علیه این یا آن کارفرمای منفرد است. همسازي این مجمع با نظم قانونی و محدودیت موجودیت آنها در جدارده‌تنگ واحدهای منفرد تولید و حقوق اقتصادی که این مجمع به دفاع از آن برمی‌خیزند، زمینه تحول این مجمع را به ارگانهای کورپوراتیستی و وابسته فراهم مینماید. تدوم بخشدن به این مجمع، اگر بمعنای قانونیت یافتن این مجمع تلقی شود، و نه پیوند موثر این مجمع با رهبری مخفی کارخانه، چیزی بجز تحول این مجمع به ارگانهای کورپوراتیستی در لحظه کنونی نیست. ظرفیت رزمنده مجمع عمومی کارگری در لحظه کنونی یعنی در شرایطی که رهبری مخفی در کارخانه چندان پا نگرفته است، از همین خصیصه خودجوش و خودانگیزه این مجمع بعنوان مجمع اعتراضی و اعتصابی نشأت میگیرد و البته همین خودانگیزه گرائی یکی از عمده‌ترین محدودیتهای این ارگان میباشد. برای آنکه مجمع عمومی کارگری به مجمع عمومی واحد کار تبدیل نشود و در سطح تجمع خودسودی نوده کارگران باقی نماند، باید تحت رهبری مخفی کارگران پیشرو (یعنوان هسته مخفی سندیکا)، بمثابة بدنه علنی یک سندیکا خدای منظم، مداوم و سازمانیافته کسب نماید. بدون روشنی در اهداف و مطالبات نوده کارگران، بدون تامین رهبری مخفی و بدون نظم بخشدن به جلسات مجمع عمومی حول خواستهای آنی طبقه، امکان

جذب مجمع عمومی در دستگای دولتی وجود دارد. واحدهای پایه کمونیستی در کارخانجات میباید از طریق ایجاد رهبری مخفی متشکل از کلیه کارگران پیشرو، مجمع عمومی کارگری را بصورت منظم و متمایز و مستقل از ارگانهای دولتی سازمان دهند.

## ج) اتحاد مبارزان کمونیست و مسئله مجمع عمومی

اتحاد مبارزان کمونیست، مجمع عمومی کارخانه را محور شوراها ی واقعی کارگری تلقی میکند. فی المثل در مقاله "درسهایی از مبارزه کارگران قیات" مندرج در نشریه کمونیست شماره ۴ میخوانیم: "ما در این میان بویژه مجددا بر نقش مجمع عمومی کارخانه بعنوان مجرای دخالت مستقیم و فعال نوده کارگران، ارگان ابراز وجود قدرتمند آنها، ضامن امنیت و ادامه کاری کارگران پیشرو، مکان آموزش عمیق کارگران در امر مبارزه و ستون فقرات و محور شوراها ی واقعی کارگری تاکید میکنیم" (تاکیدات از ماست) و یا در مقاله "سندیکالیسم در پوشش سرخ" بقلم آقای تقوایی چنین ملاحظه میکنیم: "ما تاکنون در نوشته‌ها و اسناد متعددی با تعریف شورای واقعی بمثابة سازمانی که باید تمام کارگران کارخانه را در خود متشکل کرده و به مجمع عمومی منظم کارگران متکی باشد..." (کمیست شماره ۱۱، تاکیدات از ماست). ما بیشتر به نقل از اسناد کمینترن در ساره شوراها، اظهار داشتیم که: "شوراها ی "مصنوعی" پریها هو" در بهترین حالت به مجمع کوچکی با ایده‌آلهای قدرت توراتی انحطاط می‌یابند، و در بدترین حالت "شوراها ی" بوجی که فقط قادرند این ایده‌آلهای را در انظار اکثریت مردم سازش کنند، تبدیل میشوند." (قطعاً ما کنگره دوم کمینترن درباره "در حه هنگامی و تحت کدام شرایط شوراها ی نمایندگی کارگران میتوانند تشکیل شوند") و در نقد دیدگاه حزب کومله مسنی بر تشکیل "شوراها" در لحظه کنونی گفتیم که این دیدگاه مسیر "بدترین حالت" را طی خواهد کرد زیرا محور

دنباله از صفحه قبل

تشکیل "شوراها" را در حال حاضر مجمع عمومی کارخانه میبندد و بدین ترتیب نه تنها ایده آلپای قدرت شورائی را در انتظار اکثریت کارگران به سازش میکشاند بلکه تفسیر بغایت نادرستی از نقش مجمع عمومی کارخانه بدست میدهد. چرا؟ زیرا اولاً مجمع عمومی در شرایط کنونی نه بعنوان نطفه قدرت شورائی عمل میکند و نه وظیفه کنترل کارگری را در برابر خود دارد. این مجمع عمومی، نه در شرایط تعرض جنبش کارگری بلکه در شرایط مبارزات تدافعی، اقتصادی و پیراکنده کارگری بکارگرفته میشود و از اینرو نه مکان "موزش عمیق کارگران" است و نه "ستون فقرات و محور شوراهای واقعی کارگری" بلکه شکل بسیار مقدماتی و ابتدائی اتحاد توده کارگران میباشد، شکلی از اتحاد که از لحاظ خصوصیات و مضمون فعالیت خود نقش پیشا اتحادیه‌ای دارد، بعبارت دیگر حتی از شکل سندیکاى نیز عقب‌تر میباشد. ثانیاً بیش از آنکه این مجمع را "ضامن امنیت و ادامه کساری کارگران بی‌شور و معرفی نمائیم، باید هسته مخفی از کارگران پشورورا به مثابه هسته مخفی سندیکاى، ضامن ادامه کساری این مجمع تلقی کنیم زیرا این مجمع خصلت علنی و توده‌ای دارد و تحت شرایط دیکتاتورى خشن، میباید خود را تا حدودی با ابزارهای قانونی فعالیت "دساز" کند، و این موضوع تداوم این مجمع را بدون رهبری مخفی فوق العاده شکننده مینماید. ثالثاً "حزب کمونیست" کومله بدلیل نقش محوری که به مجمع عمومی به مثابه ستون فقرات شوراها میدهد، قادر به تشخیص خطر تبدیل این مجمع به ارگان کورسوراستی و بسته به دولت نیست، درحقیقت نیز اگر به مجمع عمومی که نه علیه نظم قانونی بلکه در چهارچوب قانونی ساگرفته است، نقش ستون فقرات شورا را اعطاء نمائیم، در آن صورت ایده آلپای قدرت شورائى را به سازش کشانده ایم یعنی آنرا در سطح دسازى با قدرت موجود و نه به مثابه قدرت دوگانه تنزل داده ایم و این سدا سمعناست که حشمانداز تثبیت قانونی "شوراها" را در چهارچوب نظام حاکم در برابر کارگران گشوده ایم. جنبش تلاشی فراتر از رفرمهای درشوراهای

اسلامی موجود در کارخانجات نخواهد بود. رفرمهای برای "دمکراتیزه کردن" شوراهای اسلامی جهت افزایش نقش توده کارگران در "انتخابات" شوراهای اسلامی، بدینسان مجمع عمومی بقیامت سیاست "دمکراتیزه کردن" شوراهای اسلامی (افزوده شدن تعدادی از نمایندگان واقعی کارگران به ترکیب انتصابی شوراهای اسلامی)، نهادی خواهد شد و جذب دستکاهای دولتی خواهد گردید. این مابازای عملی سیاست تشکیل "شوراها" با برپائی مجمع عمومی کارخانجات در حال حاضر است، زیرا "شوراهای" مدنظر این "حزب کمونیست" نه پایه قدرت دولتی محسوب میشوند و نه ارگان کنترل کارگران برتولید. بینش آنارشیستی حزب کومله در برخورد به مسئله مشخص مجمع عمومی کارخانه، ماهیت رفرمیستی خود را آشکار میکند. حقیقت اینست که "حزب کمونیست" کومله برپا به نظریه "انقلاب بورژوا دمکراتیک" خود، اساساً به کنترل کارگری به مثابه اقدامی انتقالی از سرمایه داری به سوسیالیزم باور ندارد، این جریان حداکثر خواهان بهبودهای درگذران زندگی کارگران میباشد، اصلاحاتی که فشار جامعه بورژوائی را بر کارگران "کم در دستر" نماید. از اینرو کمسیونهای بازرسی کارگری و نه ارگانهای کنترل کارگری جهت بررسی وضعیت رفاهى کارگران، سطح دستمزد و ساعات کار روزانه باید مورد توجه قرار گیرند، کمسیونهای که در انگلستان نیمه دوم قرن نوزدهم برای بررسی وضعیت طبقه کارگری وجود آمدند. از اینرو در طرح برنامه اتحاد مبارزان، خسری از کنترل کارگری نبود. اما پسوند "انقلاب بورژوا دمکراتیک بحرای زای" سب طرح کنترل کارگری بعنوان وسیله ای جهت دامن زدن به شورش کارگران مطرح گردید. آنچه مدنظر این حزب است، چیزی جز شورنگری خام نیست که ناشره‌اش بنا به اراده "حزب کمونیست" برافروخته میشود. از اینرو هرگونه جنبش توده کارگران در نزد وی مترادف با شورش انقلابی توده کارگران علیه نظم موجود پنداشته میشود و بعنوان اقدام به تشکیل "شوراها" معرفی میگردد. اما حقیقت اینست که کارگران بنحوی متفاوت از روشنفکران

### در آشنای حزب ...

آشکارا منشویکی این "حزب" را ملاحظه کنید. اما نظریه سرمایه داری دولتی قادر نیست مدت طولانی ماهیت ضد انقلاب خود را در شرایط حدتیبایی تضاد اردوگاه کاربای سرمایه که یکی از جلوه‌های برجسته آن تضاد اردوگاه سوسیالیستی با اردوگاه امپریالیستی است، بپوشاند. انقلاب اکتبر اولین ضربه مهلک تاریخی بر بیکر منشویسم را وارد آورده است، ضربه‌ای که برخی از منشویکها را نیز مجبور به دفاع از این سنت کرده است، هر چند که این دفاع سالیوسانه است اما قطعا اکتبر آخرین ضربه بر بیکر منشویسم نبوده است. اکتبر مانیز سهم خود در تلاش منشویسم نقش مهمی ایفا خواهد کرد □

### مبارزه دهقانان برای زمین

شرکت "ران"، يك شرکت دامپروری است که در گذشته متعلق به وابستگان دربار رژیم مغفور شاه بود. این شرکت بعد از قیام در اختیار دولت قرار گرفت. مقداری از مراتع این شرکت توسط دهقانان فقیر اطراف "خز آباد" (ساری) جهت کشاورزی صادره انقلابی شده بود. چندی قبل شرکت با ادعای اینکه مراتعش کافی نیست قصد باز پس گرفتن زمینها را داشت که دهقانان می‌گفتند برای حفظ زمینها تا پایان جان می‌ایستند.

حدوداً و اواخر مرداد ماه شرکت "ران" با مراجعه به دادگاه تقاضای حکم تخلیه زمینها را می‌نماید و موفق به دریافت حکم تخلیه میشود و آنرا به دهقانان ارائه داده و از آنها می‌خواهد که هرچه زودتر زمینها را تخلیه کنند. دهقانان زیر بار این حکم نمی‌روند، و دسته جمعی به شهر رفته و با تجمع ۱۵۰ نفری خود در روز ۲۰ شهریور در جلوی "دادگاه انقلاب" ساری خواهان لغو حکم میشوند. اما دادگاه به خواست آنها واقعی ننهاد و دهقانان توسط پاسداران مزدور رژیم متفرق می‌شوند. و بدنبال آن شرکت "ران" هر روز فشار خود را بر دهقانان افزایش میدهد. (از گزارشات ارسالی نشریه "پیام سرخ" مازندران - وابسته به سازمان)

خرده بورژوا و دهقانان تهیج میشوند و بنحوی متفاوت نیز متشکل میشوند. درک این مطلب را از حربانی کسه عمیقاً روحیات آنارشیستی و رفرمیستی خرده بورژوائی را نمائندگی میکند، نمیتوان انتظار داشت □

## رژیم ولایت فقیه

ماهیت رژیم خمینی برای مردم کردستان باشد که چون مدت‌هاست رژیم خمینی از هر جهت در کردستان افشاء شده است، حزب دمکرات به آن نیازی ندارد. (همانجا، ص ۹). با معیارهایی که سازمان مجاهدین ارائه میدهد، قاعدتا چنین برمی آید که رژیم خمینی پیش از ۳۰ خرداد ۶۳ "مشروعیت" داشته که این سازمان با آن به مذاکره و گفتگوی سیاسی می‌پرداخته و اما پس از ۳ خرداد رژیم "مشروعیت" خود را از دست داده و سرعت چنان تضعیف شده که اکنون در آستانه "سقوط قطعی" قرار گرفته و همین روزهاست که ساقط شود. جنین - رکی از وضع رژیم جمهوری اسلامی طبعاً جزئی لابنفک از مجموعه استراتژی و تاکتیک سازمان مجاهدین خلق است که تاکنون عواقب وحشتناکی بساز آورده و مسلماً اگر همین درک در کردستان منسای عمل قرار می‌گرفت، مدت‌ها قبل جنبش مقاومت خلق کرد در هم شکسته بود. زیرا خلق کرد تا سال ۶۰ مباحث از هر نوع مبارزه مسلحانه با رژیم فقیه احتنا ب میکرد و اکنون نیز

باید بجای سازماندهی یک مقاومت توده‌ای (که احتمال دارد طولانی و فرساینده نیز باشد) به سقوط قریب - الوقوع رژیم خمینی دلخوش کند. از همان سال ۵۸، که هنوز نسبت به رژیم خمینی در غالب نقاط ایران توهم گسترده‌ای وجود داشت و هنوز توده‌های وسیع مردم آنرا مظهر حاکمیت انقلاب و اراده مردم نمی‌پنداشتند، خلق قهرمان کرد چهره‌گریه رژیم خمینی را شناخت و مسلحانه در برابر آن ایستاد. در آن هنگام ما بحق کردستان را "دژ مقاومت انقلاب بهمین" در برابر رژیم ارتجاعی خمینی - مینا میدیم، اکنون پس از پنجمال جنگ بی‌امان، کردستان نشان داده است که پایداریترین دژ مقاومت انقلاب ایران در برابر رژیم فقیه است. بیچارگانی در کردستان در راهائی سراسر ایسران از جنگال خونین ولایت فقیه، نقش بسیار حیاتی خواهد داشت. این بیچارگانسون بنزجله‌ای رسیده که با بدسراتب بیشتر از پیش ریشه‌های را در اعماق خاک کردستان محکم کند، با بدسراتب بیشتر از پیش توده‌های خلق کرد را متشکل کند. در شرایطی که بخش اعظم مناطق آزاد شده

غیر قابل حفظ هستند، دیگر مقاومت دهها هزار نفر برای تداوم مقاومت کافی نیست، بلکه باید مقاومت دهها هزار نفر و توده‌های میلیونی را سازمان داد. مقاومت را با بیدر همه اشکال آن و نه تنها در عالیترین شکل آن (یعنی مقاومت مسلحانه) سازمان داد. انتقال از جنگ جبهه‌ای به جنگ پارتیزانی تمام عیار، تنها در صورتی میتواند تداوم و گسترش مقاومت را تضمین کند که علاوه بر تداوم بیسرتکنیکی، هر چه بیشتر به برنامہ انقلابی متکی باشد. هر قدر خلعت پارتیزانی جنگ بیشتر شود، وزن زحمتکشان در آن بیشتر خواهد شد و وزن "لایه‌های بهره‌کشی و مرفه‌کاسته خواهد شد و بنا بر این عیار اجتماعی بیکار با لاخواهد رفت. دیگر نمیتوان هم‌لایه‌ها و اقشار خلق کرد را تنها با مسئله ملی به حرکت در آورد و سازمان داد بلکه باید هر چه بیشتر روی تکیه‌گساره طبقاتی جنگ محاسب کرد و هر چه بیشتر به سازماندهی کارگران و زحمتکشان کردستان پرداخت. این مسئله‌ای است که حزب دمکرات، بمشابه سازمان اصلی رهبری کننده جنبش خلق کرد نباید به آن بی‌اعتناء بماند □

## آفریقای جنوبی

سازمان سیاسی زیرزمینی، عمل میکند و یکی از رهبران U.D.F، چنین نظر میدهد که "وظیفه ما اینست که مقاومت و د را بیشتر کرده و وضعیت غیر قابل حکومتی بوجود آوریم". U.D.F، از خواسته‌ها و مبارزات خارج از محدوده نشینان و سکنه‌حلی آبا دها، نیز حمایت حدی بعمل می‌آورد خشکالی و فقر و فلاکت هولناک در روستاها، باعث هجوم بیسابقه سطرف شهرها گردیده است و هر ماه حدود ۸۵ هزار نفر از روستاها گریخته و در اطراف شهرها جمع میشوند. عکس العمل دولت نژاد پرست اینست که آنها را گرفته و به محل سدا بر میگردداند، خانه‌ها بشان را با بولدر خراب کرده یا به آتشش میکشد. مقاومت مردم در برابر بربلیس، غالباً شدید است و پلیس برای فرونشاندن مقاومت آنان از گاز اشک‌آور و اسلحه استفاده میکند. یکی از سکنه میگوید: "تقریباً من هر روز خانه‌ام را خراب میکنم. اگر خراب نکنم، آنها فوراً

سر میرسند و آنرا میسوزانند. در ساعت ۳ یا ۴ بعد از ظهر با زخانه‌ام را میسازم، یعنی همیشه قبل از شب". فقیدان مسکن در شهرها نیز حناست که در هر یک از خانه‌ها تا ۱۴ نفر زندگمی میکنند. اخیراً شهرداریها، که سا رژیم نژاد پرست همکاری کامل دارند، اجار این خانه‌ها و نیز بول آب و برق را بالا برده‌اند که یکی از علل شورشهای اخیر است. در بعضی مناطق برق خانه‌ها را بخاطر نپرداختن بول برق قطع کرده‌اند.

سیتم آموزشی، آبارتاید نیز، مقاومت شدید از طرف دانش آموزان و دانشجویان را برمی‌انگیزد. اکنون چند ماه است که جوانان سیاه آفریقای جنوبی، پیژواک مردم سیج شده علیه آبارتاید هستند. گسترش شدید تبلیغات در مدارس، یادآور حوادث حماسی سوتو است. با اینهمه اگر چه سرکوب پیدا میکند، وعده جوانان کشته شده بدست پلیس به دهها نفر میرسد، اما وضعیت از ۱۹۷۶ به بعد

تغییر کرده است. با بکوتی که از ماه اوت به بعد توسط دانش آموزان سه اجرا در آمده، دوسر تبه خواسته‌های مستقیم مربوط به اصلاح سیستم آموزشی را مطرح کرده است که جزو خواسته‌های کارگران اعتصاب همگانی نیز بود. بازگشائی مدارس بسته شده بعد از تظاهرات، الفاء، تنبیهات بدنی، متوقف کردن تبلیغات حکومتی در مدارس، برسمیت شناختن شورای دانشجویان که توسط خود آنان انتخاب شده است. مخالفت با قانون اساسی جدید را نیز باید بدان اضافه نمود. در برابر وقاحت بیش از حد گردانندگان رژیم نژاد پرست، مبارزه با درجه بیلائی از سازماندهی نسبت به ۱۹۷۶ برخوردار است.

سظور کلی جنبش توده‌ای و جنبش مستقل اتحادیه‌ای چنان ریشه دوانده است که فقط با قتل عامهای وسیع در جنبش، شاید ستوان آنرا تضعیف کرد. اکنون این موج در باست که میخروشد و نه خمی تند و گذرا... □

بوسه

درین دورستانِ غربت مرا آرزوئی ست  
 درین دورستان که اکنون میان من ومیهن من ،  
 بسا قامت کوه و پهنای دریاست حایل ،  
 مرا آرزوئی ست یاران !  
 مرا آرزوئی ست :  
 که روزی سحرگاه ، ناگاه ،  
 به بالِ نسیمی وزان سوی میهن .  
 بر آفاقِ خونینِ ایران زمین برگشایم ،  
 فرود آیم آنجا به دامان البرز .

سراغی بنگرفته ازهیچ یارورفیقی  
 - وحتى سوی رزم افزار خود رونکرده -

شایان ،

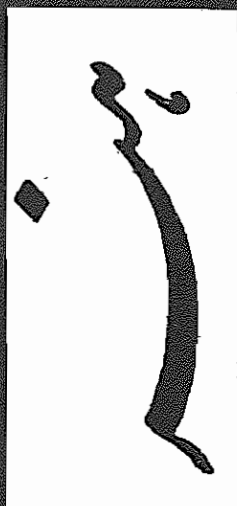
رؤم سوی سلولهای اوین وحصارو کمیته ،  
 گذر کرده از جدول میله های مشبک ،

زسوراخ دریا گذارم به سلولهای عزیزان ،  
 و گلزخمها را به اندام این نوجوانان بمبوسم .

شفق بر آینه شوره زار . . .

شفق بر آینه شوره زار می شکند  
 سپیده در دل خونین یار می شکند  
 سکنج گیسوی شب در کمندر شعله خون  
 ز داغ پیرهن سوگوار می شکند  
 جنین سوخته در بطن مادران شهید  
 به روی شانه بوی بهار می شکند  
 لهیب ناثره ظلم در شقاوت شب  
 به باد پای سیاوش وار می شکند  
 شراب مصله عشق در گذرگه باغ  
 شکیب طلعت گل بیقرار می شکند  
 بلور اختر فریاد سرخ بیمرگان  
 به سربلندی خونین دار می شکند  
 میان بند ، به کانون دست کودکی صبح  
 دل ستاره دنباله دار می شکند  
 ز قلب عاشق ده ساله باغ می شکند  
 به پای کوه ، غم جویبار می شکند  
 شکوه آبروی آفتاب و جلوه نور  
 به چشم ظلمت خونبار خار می شکند

از مجموعه شعر: غزلواره ها  
 م - سحر



از مجموعه شعر: به هوای میهن  
 نعمت میرزا زاده

آنخل کرسپو

تولد: سال ۱۹۲۶ در سیدودا درنرال (واقع  
 در ایالت مانش) اسپانیا .

ترانه نان

لفظ نان چون شلیک سلاحی آتشین است  
 وقتی که دهانی گرسنه آنرا بر زبان بیاورد ،  
 با نگوشت ، رسا است چون گلوله ای  
 که روشنائی را آشکار میکند

نان رنگ پوست کارگر را دارد  
 رنگ پوست سخت ،  
 و در درونش عشقی ابتدائی است .  
 یک زندگی سپیدویی آرایش

پیش از نان شدن ، گندم خشم بود  
 مزرعه و خورشید ، باران ، زمین شخم خورده بود  
 دست بود و داس و رنگ طلائی ،  
 عرقی به روی پوستی زرد رنگ .

ترجمه قاسم صنعوی

"از کتاب برگزیده شعر معاصر اسپانیا"

در روزگاران تاریک

- در روزگاران تاریک ،  
 آواز هم میتوان خواند؟  
 - آواز هم میتوان خواند :  
 از روزگاران تاریک .

منتشر شده است :

اسماعیل خوئی :

- ۱- زیرا زمین زمین است .  
 (مجموعه شعر)
- ۲- در نابهنگام  
 (مجموعه شعر)

الفبا شماره های ۱ - ۲ - ۳ - ۴

(شماره ۶ و ۵ زیر چاپ است) .

(فصل نامه ای فرهنگی ، اجتماعی)  
 به همت دکتر غلامحسین سعادی

شعرا: برتولت برشت  
 ترجمه: آخار

چيست كه تباہ ميکند

در نخستین ماههای حکومت نازی ها  
 کارگری در دهکده ای نزدیک مرز چک  
 بخاطر قاچاق اعلامیه های کمونیستی به  
 زندان افتاد  
 یکی از پنج کودک او از گرسنگی مرده بود  
 وقاضی که به حبس طولانی وی مایل نبود  
 در جلسه علنی دادگاه از او پرسید :  
 مگر نه این است که او گناهی نداشته  
 و شاید

تبلیغات کمونیستی روحش را تیسر ساه  
 کرده است ؟

کارگر جواب داد :

منظور شما را نمی فهمم  
 اما میدانم که کودکم را  
 گرسنگی تباہ کرده است .



## فقها، طبیب میشوند!

فقدان وسایل پزشکی و کمبود دارو، عدم امنیت شغلی، اعزام اجباری پزشکان به کشتارگاه جنگ، وسلطه اختناق قسرون وسطائی در رژیم فقها، موجب شده است بسیاری از پزشکان به طرق مختلف از کشور فرار کنند. بطوریکه برابر آمارهای خود رژیم اکنون برای هرسه هزار نفر، یک پزشک وجود دارد و این پزشکان هم اکثراً در تهران سکونت دارند. بسته شدن در دانشگاهها نیز که با زور سرنیزه ملایان صورت گرفت، تا مین گادر پزشکی را در چشم انداز نزدیک، ناممکن کرده است.

اما فقها که برای همه چیز راه حلی "اسلامی" در آستین دارند، پس از شکست سیاست "جذب متخصصین"، برای غلبه بر این مشکل هم چاره ای "اسلامی" پیدا کرده اند. آنها پس از تربیت وزیر و وکیل و مدیر

و رئیس جنهور، از حوزه علمیه قم، عزم جزم کرده اند که پزشکان مورد نیاز کشور را هم از این "مکان مقدس" تامین کنند. بدین منظور در کنار رمل و اصطراب و کتاب دعا و باد ترله، روحانیت را بیک کتاب "بهداشت نیز مجهز خواهند کرد!

علیرضا مرندی وزیر بهداشتی فقها اعلام کرد "اخیراً کتابی تحت عنوان "بهداشت" برای حوزه علمیه قم نوشته ایم. ۲۰۰۰ تیراژ آن روحانی بتوانند پس از فراگیری آن، با استفاده از نفوذی که بین مردم دارند، این کتاب را به مردم آموزش دهند." (۱۰ مهر صاحب باکیهان)

مبارک است! در هر صورت این اقدام اسلامی اگر هیچ سودی برای مردم نداشته باشد و یا نتواند ملاحا را پزشک کند، حداقل این یک حسن را دارد که آقایان فقها خود با الفبای موازین بهداشت آشنا شوند!

## سویسید را با زداشت کنید!

روز شنبه بیست و یکم مهر، رضوی نماینده تبریز در مجلس، طی نطقی راه حل مشعشعی برای خروج از بحران اقتصادی به رژیم فقها ارائه کرد. وی ضمن پیشنهاد حذف سویسید در همه زمینها، گفت: "۲۰۰۰ راینده ما بایک خطری مواجه هستیم بنام سقوط عمومی اقتصادی در اثر این مولود ناشروع طاغوت بنام سویسید که به نظر بنده بزرگترین گناه و تقصیر طاغوت همین سویسید است."

فلاکت اقتصادی، رشد روزافزون تورم و رکود همه جانبه تولیدی به حدی است که دولت مردان رژیم اسلامی قادر به پنهان کردن آن نیستند. زیرا فشار این ورشکستگی اقتصادی را عموم مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان روی کرده خود احساس می کنند. با اینهمه اما فقها می کوشند ناتوانی خود را در امر سازمان دادن تولید که ناشی از خصلت بحران زا و عملکرد انارشیک آنان است، و همچنین نقش جنگ را در ویرانی اقتصاد با تکیه به محملهای پنهان کنند. آنان همچون غریقی به هر چیز جنگ می اندازند. و این بار نماینده مجلس

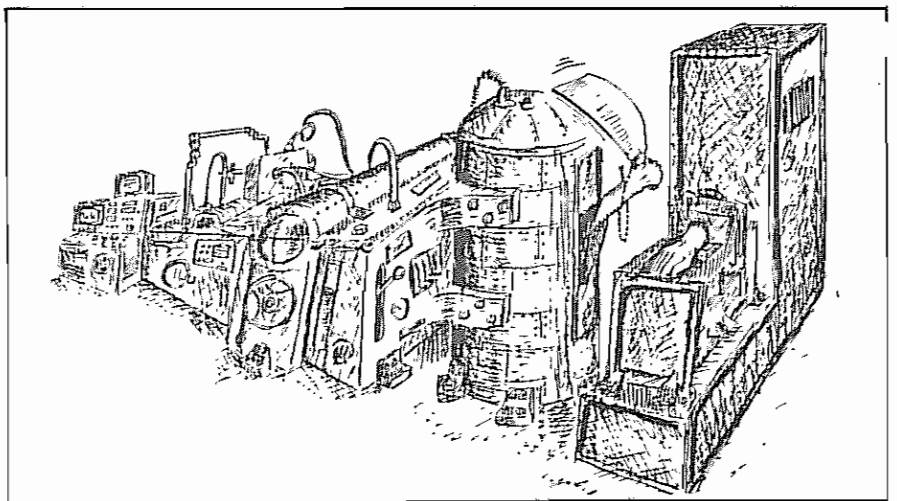
برای لاپوشانی ناتوانی رژیم به حبل المتین سویسید چسبیده است! اما رضوی با پیشنهاد مزورانه اش نکته مهمتری را دنبال می کند. او می خواهد با حذف سویسید که از فروش نفت تامین میشود، ضمن پائین آوردن قدرت خرید کارگران و زحمتکشان، ارز آزاد شده صرف خرید جنگ افزار شود تا با ادامه جنگ، خواب طلائی صد و ر انقلاب اسلامی واقعیت پیدا کند.

## وقایع و حقایق

### ماشین دست بوری برای اجرای حدا سلامی

آماده کرده است. میر غضب مذکور برای آنکه ضرورت اجرای عدل اسلامی را برای سراسر جهان خاطر نشان شود، در باره علت دزدی در دنیا می گوید: "گمان نکنید که همه سرقتها در دنیا در رابطه با فقر است چون واقعاً تصور نمی کنم که در جمهوری اسلامی کسی باشد که در رابطه با تهیه نان و یا پوشاک و یا چیز-

سرا انجام مجریان احکام شرع، ماشین برش برای قطع دست سارقین را یافتند و به برکت این اختراع نوین، یکی از مشکلات مهم رژیم جمهوری اسلامی برای اجرای پیگیرانه قوانین اسلامی عهد بربریت رفع شد. این خبر به نقل از عباس هاشمی اسحاق پور سرپرست میر غضبان (خودشان می گویند: سرپرست پلین قضائی) در



تعداد کمتر از ۳۰ نفر برای بار دوم و شاید یک نفر برای بار سوم مبادرت به شرب خمر نمود هاند. بنا بر این "قاعیت اسلامی" همانطور که در مورد شرب خمر کار ساز بوده، در این مورد نیز بسیار چاره ساز خواهد بود. میر غضب که بر طبق احکام اسلامی فقر اکثریت توده های کارگر و زحمتکش را نظیر ثروت اقلیتی از سرمایه داران و روحانیون چپا ولگسر و مفتخوار مشیت الهی می داند و برای مالکیت تقدس شرعی قائل است، علت دزدی را در "جنون سرقت" و نه نظام استثمارگرانه سرمایه داری جستجو می کند. بدین ترتیب قوانین متحجر هزار و چهار صد سال پیش که به شکنجه و مثله کردن خلاصه میشود، تحت رژیم جمهوری اسلامی احیا می شود تا شرایط حداکثر بهره گیری از کارگران و زحمتکشان را به قهر فراهم نماید و هر گونه تعرض به تقدس مالکیت را به شدیدترین وجهی سرکوب نماید. از این بساط شکنجه گری تنها میر غضبان اصلی یعنی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و دستیاران آنان و صاحبان سرمایه سود می برند.

های دیگر این کار را انجام بدهد. حتی محرومترین بخشهای ایران، بلکه عده ای ممکن است جنون سرقت داشته باشند. سپس وی جهت اثبات ضرورت قطع دست برای رفع جنون "سرقت" به نمونه "سلاق زنی" شرابخواران اشاره می کند و می گوید: "از آهزار و ۸۰۰ مورد حد شرب خمر که در حدود یکسال داشته ایم تنها

کیهان مورخ ۳۰ آبان ۶۳ درج شده است. وی در مصاحبه خود با کیهان ضمن تذکر این مطلب که "تاکنون پلین قضائی حد سرقت را اجرا نکرده است منتها تعداد محدودی در مملکت جاری شده است" مژده می دهد که از این پس "پلین قضائی وسیله ای بنام ماشین برش برای قطع دست سارقین که بسیار سریع عمل می کند



که حملات روزنامه ها در رادیوی ایران به کویت بطور روز افزون شدت میگیرد تا اینکه واقعه هواپیمایرانی اتفاق می افتد. اما واکنش دولت کویت که در طولانی شدن ماجرا موثر افتاد موجب شدیدترین تبلیغات ضد رژیمی در مطبوعات جهان شد. افکار عمومی جهان یک بار دیگر فرصت یافتند تا با چهره کریم رژیم جمهوری اسلامی روبرو بشوند. کشتار مسافران و شکنجه آنان، نمونه کوچکی است از آنچه در ایران میگذرد. تقریباً تمامی روزنامه ها به نقش ضمنی

"تمام کوشش" دولت کویت چیزی جز اجابت تمام و کمال درخواست هواپیمایران معنی نمیدهد و تا سقف خامنه ای جلاد نیگز چیزی جز حمایت علنی از راینندگان نیست. اظهارات ضد و نقیض مقامات ایرانی در رابطه با حمله گوماندوئی به هواپیما نیز بیانگران است که رژیم جمهوری اسلامی نهایت سعی خود را بکار برد تا با طولانی شدن ماجرا، فشار بر رژیم کویت افزایش یابد و زندانیان مورد نظر آزاد شوند. آنان از یک طرف گفتند که

## هواپیمایرانی و دم خروس جمهوری اسلامی

ایران در این ماجرا اشاره کردند و اعمال وحشیانه هواداران رژیم را با اعمال خود رژیم مقایسه کردند. رژیم جمهوری اسلامی یک بار دیگر نشان داد که در راه رسیدن به مقاصدش از هیچ اقدامی فروگذار نمی کند و هر لحظه حاضر است تمامی موازین بشری و بین المللی را فدای منافع خفیه ی حاکم بکند.

"تصفیه حساب" رژیم با کویت از طریق هواپیمایرانی، بر حقیقت دیگری نیز دلالت دارد و آن بن بست رژیم در جنگ با عراق است. رژیم که تا چندی پیش کشورهای منطقه را تهدید به اشغال و تهاجم نظامی میکرد، حال که نتوانسته است در برابر عراق به پیروزیهای نظامی چشمگیری دست یابد، دیگر قادر نیست از موضع قلدر منطقه به دیگران امر و نهی کند و آنان را تهدید نماید. از این روی تصفیه حسابهای از این دست را در پیش گرفته است. هواپیمایرانی به نوعی ادامه جنگ با عراق به روشهای تروریستی است. رژیم جمهوری اسلامی "انتظار" آن را دارد که اولین دولتی باشد که رسماً و صریحاً بکار گرفتن این نوع شیوه ها را تأیید کند. اگر کسی در نقش ایران در این ماجرا تردید داشت با نطق رفسنجانی در نماز جمعه ۲۳ آذر، دیگر بر طرف شد. رفسنجانی گفت که: "ما در این ماجرا دست

دولت کویت مسئولیت خسارات احتمالی ناشی از اقدام نظامی را بعهده نمیگیرد (کیهان ۱۸ آذر) و از طرف دیگر گفتند ما از همان آغاز در تدارک حمله بودیم و تنها میخواستیم که حتی المقدور مسافری آزاد شوند تا تلفات کمتر شود (کیهان ۲۰ آذر). نتیجه این شد که برخلاف نمونه پیشین (حمله سریع به هواپیما ی ربوده شده عربستان سعودی) این بار ماجرا تا سرحد امکان کش داده شود. اهرم فشار در این مدت نیز خشونت بی سابقه راینندگان بود که الحق نشان دادند از تبار جمهوری اسلامی هستند. کشتن دو مسافر، تظا هر به کشتن دو تن دیگر (انها را وادار به دراز کشیدن کرده و روی آنها سوس گوجه فزنگی ریخته بودند). همین صحنه بود که مورد عکس برداری عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی قرار گرفت. نیوزویک ۲۴ دسامبر) و شکنجه مسافری آمریکائی و کویتی با آتش سیگار (نیوزویک عکس یکی از مسافران را که پوشیده از زخم سوختگی ناشی از سیگار است، چاپ کرده است). تا کنون در هیچ عملیات هواپیمایرانی راینندگان قبل از مداخله پلیس اقدام به تیراندازی به روی مسافران نکرده بودند، بدعت گذاری این عمل نیز به هواداران جمهوری اسلامی تعلق میگیرد.

اما گذشته از مسائلی که در حین توقف هواپیما در ایران، همدستی مقامات رژیم با این عمل را نشان میداد، پیش زمینه موضوع نیز خوبی نشان میداد که انتخاب هواپیما ی کویتی و فرود آن در تهران تصادفی نبوده است. چندی پیش زمانی که یک هواپیما ی ربوده شده ایرانی اجازه فرود در فرودگاه کویت را گرفت هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه اعلام کرد که سیاست خارجی ایران بر اساس اصل قصاص مبتنی بر "ضربه در برابر ضربه" است و به انهایی که برای راینندگان هواپیما های ایران "امکانات و تسهیلات" فراهم میکنند هشدار داد که منتظر اقدام ایران باشند. در همین بین کویت اعلام کرد که سه جزیره خود را در اختیار عراق میگذارد. این اقدام واکنش شدید جمهوری اسلامی را موجب گردید. رفسنجانی در چهارم آذر مستقیماً کویت را خطاب قرار داد و وعده "گوشمالی" داد. پس از آن است

بالاخره ماجرای هواپیمایرانی با جرای گذاردن دو کشته به پایان رسید. در جریان این هواپیمایرانی دو موضوع توجه همه را به خود جلب کرد. این دو موضوع مرکزی خود نشان دهنده ویژگی این هواپیما - ربائی است. اولین نکته مساله هویت هواپیمایران است. تا کنون عمل هواپیما - ربائی که عمدتاً به جهت تبلیغ حول یک مسئله و یا درخواست معین از جانب گروهی صورت میگیرد با تبلیغات وسیع حول ارتباطها و اهداف گروه اقدام کننده توأم است. آنان با اعلام هویت خود از این طریق سعی در جلب توجه افکار عمومی جهان به سمت ارمان خود میکنند.

اما در مورد اخیر هواپیما - ربایان حاضر به افشای نام خود نشدند و هر آنچه پیرامون این مساله در مطبوعات جهان انتشار یافت برخاسته از حدس و گمانهای این و آن بود. این نکته، در کنار خواست هواپیمایران، یعنی آزادی اعضای سازمانهای اهل اسلامی و حزب - اندوه که در عملیات حمله به سفارت آمریکا در کویت شرکت کرده بودند، نشان میدهد که اگرچه آنان از بیان اشکار هویت خود تأکید بیست از رابطه های که بین این گروه و کشور "میزبان" یعنی ایران وجود داشته است، چه همگان از ارتباط نزدیک سازمانهای مذکور و رژیم جمهوری اسلامی یا خبرند. این حرکت هواپیمایران تلاش بی نتیجه ای برای حداقل، رسمی نشدن این ارتباط بود. نکته دیگری که توجه همه را به خود جلب کرد از همین جا ناشی میشود و آن نقش مستقیم یا غیر مستقیم ایران در این غائله است. رژیم بلافاصله بعد از هواپیمایرانی، این عمل را بطور رسمی محکوم کرد اما بدلائل "انسانی" فرودگاه مهرآباد را برای فرود آنان باز گذاشت. در همان حال مطبوعات ایران در رابطه با درخواستهای راینندگان برای آزادی "مجاهدین زندانی" تبلیغات حمایت آمیزی را دامن زدند. همدلی

مقامات ایرانی خود را در اجابت سریع درخواستهای خرد و درشت راینندگان نشان میداد. فرستادن عکاس برای عکس برداری از جنايات آنان در داخل هواپیما چاپ مکرر در مکرر بیانیه های آنان در روزنامه های رژیم، افشاکاری از نقش رژیم کویت در جنگ ایران و عراق، همه و همه در متن تبلیغات حمایت آمیزی صورت گرفت. مهدوی کنی ضمن "محکوم کردن این عمل، در نماز جمعه تهران گفت که "حکام منطقه که تلگراف میزنند و حمله سریع قضیه را طلب میکنند چرا در رابطه با هواپیما های ما که دزدیده میشوند چیزی نمیگویند؟" این گله گذاری در حالی صورت میگرفت که مقامات رژیم اشکرا هیچ عجله ای برای ختم موضوع نداشتند و حتی خامنه ای اعلام داشت: "متأسفانه دولت کویت تمام کوشش خود را برای حل و فصل مساله امتیاز هواپیما ی ربوده شده بکار نگرفته است". (کیهان ۱۸ آذر)

## کشورهای سوسیالیستی :

سی و نهمین اجلاس کومکون در کوبا برگزار شد

ماه گذشته سی و نهمین نشست کومکون (سازمان همکاریهای متقابل اقتصادی کشورهای سوسیالیست) در هاوانا پایتخت کوبا برگزار شد. تمامی کشورهای عضو در این نشست حضور داشتند. چندین هیئت نمایندگی از کشورهای گوناگون چون نیکاراگوئه، اتیوپی، موزامبیک، انگولا، افغانستان، یمن جنوبی، لائوس، یوگسلاوی و مکزیک بعنوان ناظر در این اجلاس شرکت کردند. طبق گزارش کمیسیون کار رشد عمومی تولید ناخالص ملی در کشورهای عضو در سال گذشته، بطور متوسط برابر ۸/۳٪ بوده است. رشد بخش صنعت ۴/۲٪ و رشد کشاورزی حدود ۳٪ ارزیابی شده است. در طی سال گذشته حجم معاملات تجاری متقابل کشورهای عضو بمیزان ۱۱٪ نسبت به سال پیش افزایش نشان میدهد. شرکت کنندگان در اجلاس در برنامه ریزی اقدامات سال آتی بر روی همکاری های تکنیکی و علمی هرچه گسترده تر و نزدیکتر در زمینه های الکترونیک، مینی کامپیوترها و روباتها (آدم مکانیکی) تاکید ویژه ای نمودند. در قطعنامه پایانی کنفرانس بر لزوم تقسیم کار وسیعتر سوسیالیستی در چارچوب کومکون و توجه ویژه به رشد کشورهای دارای سطح رشد کمتر (ویتنام، کوبا و مغولستان) اشاره شده است. شرکت کنندگان در اجلاس ضمن تجلیل از تلاشهای درخشان کوبا در راه پی ریزی ساختمان سوسیالیسم حمایت کامل خود را از این کشور و نیکاراگوئه در برابر محاصره اقتصادی و تهدیدات نظامی امریالیسم نیکی اعلام داشتند. رفیق فیدل کاسترو در نطق پایانی خود ضمن قدردانی از شرکت کنندگان اعلام داشت که تأثیر تصمیمات و راهنمائی های کمیسیون کوبا کومکون در رابطه با برنامه ریزی و اجرای طرحهای اقتصادی کوبا در رشد شتابان اقتصادی، خود بهترین شاهد عینی نتایج مثبت وجود کومکون است. او اعلام داشت که کوبا در راه اجرای تعهدات خویش نسبت به سایر کشورهای عضو تلاش بازهم بیشتری خواهد کرد. در طی مدت برگزاری اجلاس بیش از ۶۱ قرارداد همکاریهای فنی و اقتصادی میان کشورهای مختلف شرکت کننده امضا شد.

## کوبا : نمونه درخشانی از برتری سوسیالیسم

دبیر کل یونسکو، طی کنفره اخیر بهداشت کودکان که در هاوانا برگزار شد، گفت: "اگر همه کشورهای امریکای لاتین از نمونه کوبا پیروی می کردند، تعداد مرگ و میر اطفال در سال ۱۹۸۳ از یک میلیون به ۲۰۰ هزار کاهش می یافت" او اضافه کرد که کوبا کشوری است که در آن حقیقتاً شعار "هرچیز بهتر برای کودکان" اجرا میشود. در گزارش سالانه یونسکو آمده است که نرخ مرگ و میر کودکان، که خود شاخص وضع بهداشت عمومی جامعه است، در کوبا در سطح کشورهای پیشرفته صنعتی اروپا نظیر فرانسه قرار دارد. رفیق کاسترو در نطق افتتاحیه خود اشاره کرد که چگونه در

## اخبار جهانی

## فلسطین :

اجتماع یاران عرفات

در سایه کاخ پادشاهی اردن

کردندگان سازمان فتح، طبرغم تحریم کلیه سازمانهای فلسطینی دیگر، هدف همین "اجلاس ملی فلسطین" را بزرگوار کردند. در این اجلاس که توسط نطق آمرانه و اخطار امیر شاه حسین، جلاد خلق فلسطین، در جهت "استفاده از آخرین شانس فلسطینی ها در دست یابی به صلح" مورد پسند آمریکا و اسرائیل آغاز شده، اساسی ترین خواسته خلق فلسطین در بارگشت به فلسطین اشغالی و حق داشتن دولت مستقل در سرزمین فلسطین، نادیده انگاشته شد. شرکت کنندگان تمایل خود را به محدود کردن فعالیت در چارچوب قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل اعلام کردند. آنان همچنین از محکوم کردن ملاقات عرفات با حسنی مبارک که برخلاف مصوبات اجلاس شانزدهم بود خودداری

کردند. برگزاری این اجلاس و بررسی نتایج آن نشان میدهد که چگونه جناح راست جنبش فلسطین از اهداف اساسی جنبش فلسطین دور شده و هرچه بیشتر با اتکاء صرف به مانورهای دیپلماتیک چشم امید خود را به ارتجاع منطقه و "مراحیم" امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی دوخته است. اقدام آنان به برگزاری جداگانه این اجلاس آنها در سرزمینی که قتلگاه فلسطینیان بوده، ضربه جدی به وحدت انقلابی جنبش فلسطین است. یقیناً نیروهای انقلابی و پیگیر نهضت مقاومت با تشدید کار سازمان نگران خود در فلسطین اشغالی خواهند کوشید تا بر نفوذ سنتی شخصیت های چون عرفات در ساکنان مناطقی اشغالی غلبه کنند. کار پیگیر آگاهگران و ادامه جنبش توده های و مسلحانه مقاومت بر علیه اشغالگران تضمین کننده پیروزی هستند. انقلابیون جهان با افسوس سیاست سازش جناح راست، یار و یاور انقلاب فلسطین خواهند بود.

## پرو : اعتصاب سراسری

بدعت سندیکا های کارگری که توسط کمونیستها رهبری میشوند، کارگران پرو ماه گذشته بمدت ۲۴ ساعت دست از کار کشیدند. حدود ۷۰٪ کارگران در این اعتصاب اخطار گونه شرکت کردند و روند عادی زندگی اقتصادی کشور را بطور سراسری مختل ساختند. این اعتصاب در

اعتراض به سیاستهای ضد کارگری رژیم حاکم و در دفاع از سطح زندگی کارگران فراخوانده شده بود. کارگران پرو با این عمل خود نشان دادند که در برابر فشارهای سرمایه داران ساکت نخواهند نشست و از سلاح همیشگی طبقه کارگر یعنی اعتصاب در مقابله با این تضيقات استفاده خواهند جست.

## شیلی : موج دستگیری مبارزان

رژیم فاشیستی پینوشه که خود را با رشد روز افزون جنبش توده ها روبرو می بیند بسان تمام رژیمهای ارتجاعی محتضر به آخرین حربههای خود روی آورد است. حکومت نظامی، دستگیری و شکنجه در ابعاد بی سابقه، باردیگر شیلی شاهد

ان است که استاد یومهای ورزشی را بسدل به بازداشتگاه انقلابیون کنند و در خیابان ها هر جنبند های را به رگبار ببندند. موج اخیر دستگیریها، که رهبران "اتحاد دمکراتیک توده های" در زمره آنانند، در کنار برگزاری تظاهرات خیابانی ۲۸-۲۷ نوامبر در شیلی نشان میدهد که جنبش انقلابی شیلی به لحظات تعیین کننده خود نزدیک میشود. لزوم ارتقاء تکنیکهای

مبارزاتی متناسب با وضعیت نوین پس از برقراری حکومت نظامی، هر روز بیش از پیش برجسته تر میشود. پرولتاریای شیلی اینبار مسلح به تجارب دوران اندوه نخواهد گذاشت که جلادان فاشیست آنان را از پیروزی و پیشروی بسوی سوسیالیسم باز دارند. نمونه های متعدد بکارگیری قهر توده های در برابر قهر ضد انقلاب خود بیانگر این درس آموزی است.

## درباره درگیری در کردستان

باردیگر در تاریخ ۶۳/۸/۲۵ بین حزب دمکرات کردستان و سازمان کومه‌له، درگیری نظامی به وقوع پیوست که برطبق اطلاعیه‌های طرفین در حدود ۱۶ پیشمرگه از دو طرف (۳ تن از حزب دمکرات و ۱۳ تن از سازمان کومه‌له) در این درگیری کشته شدند. جان خود را از دست دادند این اولین درگیری از نوع خود نبوده و اگر مسئولانه با ریشه و علل آن برخورد نشود و اگر تصمیمات متقاضی و مسئولانه برای اجتناب از آن توسط طرفین اتخاذ نشود، طبعاً آخرین آن نیز نخواهد بود و خطر سرایت و گسترش را بدنبال خواهد داشت.

از نظر ما رفع جنین اختلافاتی راه حل نظامی نداشته و وجود اختلافات فکری و سیاسی، هر چند عمیق و بنیادی باشند، توجیه کننده کشاندن آن به سطح نظامی نیست. آنها را میتوان و باید از طریق مذاکرات و توافق‌های فی‌ما بین و از طریق کمیسیون‌هایی که با شرکت طرفین درگیری و دیگر سازمانها و نیروهای مترقی در کردستان تشکیل میشود، حل و فصل نمود. هیچ نیروی مسئولی نمیتواند نسبت به عواقب جنین برخورد‌هایی بی توجه بماند، چرا که در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با تمرکز نیروی فوق العاده، بخشهای وسیعی از کردستان را به اشغال نظامی خود در آورده است، در زمانی که سازماندهی مبارزات توده‌های خلق کرد و تشدید مبارزات مسلحانه در قبال تهاجمات رژیم سفاک فقها، سبب از هر موقع دیگر، ضرورت خود را نشان میدهد و نوع و احیاناً گسترش جنین درگیری - هائی، سود چه کسانی خواهد شد؟ به نظر ما، وقوع و تکرار جنین حوادثی، جنبش مقاومت خلق کرد را در برابر رژیم سرکوب و تادانان مسلح جمهوری اسلامی، تضعیف کرده و مانع از تقویت و گسترش آن میشود. به همین دلیل سازمان ما خواستار پیشگیری و اجتناب از تکرار و گسترش جنین حوادثی است. باید از شروع و دامن زدن به آن تحت هر شرایطی، قویاً اجتناب کرد □

## آدرس در خارج از کشور :

فرانسه

ALIZADI  
B. P 19575564 PARIS-CEDEX 12  
FRANCE

آلمان

postfach 650226  
1. BERLIN 65  
W. GERMANY

ککهای مالی و وجه نشریات را به حساب زیر واریز کرده و رسید بانکی آن را با مدرس فوق در فرانسه ارسال کنید

CREDIT LYONNAIS  
MERCURE 808  
CPT. 43 956 R. HASSAN  
PARIS - FRANCE

مابرای تداوم مبارزه  
انقلابی خود به کمک  
مالی شما نیاز مندیم

## نامه ما در یک انقلابی شهید به دخترش

عزیز جان فعلاً خوبم و امید به آینه دارم و می‌خواهم که تو هم خوب باشی و گریه نکنی و سیاه نبوشی چون بچه‌ها هیچکدام سیاه نباشیدند (نام فرزند کوچک خانواده) خوب و سر حال است و امیدم به آنهاست شاید از این بدتر برای من اتفاق بیفتد باید دل داشت ۰۰۰ او محبوب همه بود و عزیز همه از غریبه تا آشنا برایش سینه پاره کردند و روزی شاید ۵۰۰ نفر مهمان داشتیم فقط گناه او این بود که حاضر به همکاری با اینها نبود و بس او یک ملاقات حضوری که با من داشت گفت که "مادر تو را داغدار می‌کنم چون نمی‌توانم چندین مادر داغدار بکنم" (نام فرزند شهید) را دوست دارم ۰۰۰ (نام همسر شهید) را دوست دارم تو را هم دوست دارم و تمام عزیزان دیگرم و لبی زندگی خوب را بیشتر دوست دارم ۰۰۰ نامه نوشتن هم سخت است بیشتر از این نمی‌توانم بنویسم حتماً متوجه میشوی ۰۰۰

این نامه را مادر یکی از انقلابیون اعدام شده در شهر نورماه، برای یکی دیگر از فرزندان ارسال نموده که توسط وی در اختیار ما قرار گرفته است. از آنجاکه انتشار نام انقلابی شهید در این نامه ممکن است برای مادر وی و یا سایر بستگانش موجب خطراتی از جانب رژیم گردد، لذا از ذکر نام شهید همچون سایر اسامی در نامه، خودداری می‌کنیم.



سلام به دختر عزیزم ۰۰۰ نامه‌ها رسید کمی دلتنگ شدم که دیدم تو ناراحت هستی. بچه‌ها نموده او را کشته‌اند و هیچ وقت قبول نمی‌کنم که او مرده است عزیزم برایم سخت بود من سه سال و نیم با او در زندان بودم شش ساعت ۲/۵ به در دادگاه می‌رفتم کار هر روز من بود وضع او مشخص نبود تا بالاخره او را کشتند ۰۰۰ او را سحرگاه تیرباران کردند او قهرمان بود و مرد ۰۰۰

## خبر اعدام ۰۰۰

رزمندگان استوار و کمونیستهای ثابت قدمی بودند که سالیان طولانی در صف مقدم پیگاران انقلابی میهنان شرکت جست و از بدو تا سپس سازمانها از کادریهای مؤسسان بودند.

آنان که در اوائل سال ۶۲ به اسارت دشمن درآمدند تحت وحشیانه‌ترین،

شدیدترین و طولانی‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفتند اما به رسم وفاداری به آرمان سرخ طبقه کارگر و پایمردی در حفظ اسرار سازمانی در برابر خشن‌ترین شکنجه‌ها لب از لب نگشوده و دژ خیمان را در برابر اراده خود به زانو در آوردند. در آینده نزدیک به درج زندگینامه آنها خواهیم پرداخت.

علیه اعدام و شکنجه  
و برای نجات زندانیان سیاسی بپا خیزید!